

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

مدیر مسؤول: احمد محبی

مدیر داخلی: حامد رضایی

سر دبیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

کارشناس اجرایی: مهین زرنگ

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر محمدباقر آخوندی
۲. دکتر حبیب احمدی
۳. دکتر بی بی اقدس اصغری
۴. دکتر محمدعلی بیدختی
۵. دکتر هادی پورشافعی
۶. دکتر محمدتقی راشد محصل
۷. دکتر مفید شاطری
۸. دکتر حبیب اله عباسی
۹. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
۱۰. دکتر احمد کامیابی مسک
۱۱. دکتر محمدرضا مجیدی
۱۲. دکتر جواد میکانیکی
- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند
- استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
- استادیار مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
- استادیار پژوهش هنر دانشگاه بیرجند
- دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
- استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی
- دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
- استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
- دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

مترجم و ویراستار انگلیسی: حمیده محمدی

ویراستار ادبی: سیدنورالله نصراللهی

چاپ: مهرنگ

امور فنی: انتشارات فکربر

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی

آدرس: <http://Farhangekhorasan.ir>

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست. نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند. نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند. فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر محمدباقر آخوندی استادیار دانشگاه بیرجند
۲. دکتر مرتضی اسماعیل نژاد استادیار دانشگاه بیرجند
۳. دکتر بی بی اقدس اصغری استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
۴. دکتر هادی پورشافعی دانشیار دانشگاه بیرجند
۵. دکتر کوروش صالحی استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
۶. علی محمد طالبی مربی دانشگاه فرهنگیان بیرجند
۷. دکتر مسعود مرادی دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
۸. دکتر جواد میکانیکی دانشیار دانشگاه بیرجند
۹. دکتر فرزانه میکائیلی دانشیار دانشگاه ارومیه
۱۰. دکتر مهدی وفایی فرد عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند



به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴

کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه

"مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه‌ی علمی - ترویجی گردیده

است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی صادر شده است. فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی

علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه بانک اطلاعات

نشریات کشور به نشانی www.into@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به

نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی- ترویجی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.
۲. مقاله در محیط واژه پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه به نشانی <http://Farhangekhorasan.ir> ارسال شود. صفحات مقاله حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.
۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.
۴. معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.
۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح 300 dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.
۶. ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).
۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۷-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۷-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیک، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۷-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). "شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی". [پیوسته] قابل دسترس در:

<http://WWW.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html>. [۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

بررسی کیفیت روابط متقابل در شبکه‌ی روابط اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد
اسلامی گناباد

بی بی اقدس اصغری، مریم اسکافی نوغانی، حسین کاردان مقدم ۷

بازتاب اوضاع اجتماعی - فرهنگی خراسان در آثار روشنفکران قفقازی؛ مطالعه موردی:
مجله ملانصر الدین

فرهاد دشتکی نیا ۳۳

سنجش توسعه در مناطق روستایی با تأکید بر برخی شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی؛
مورد مطالعه: شهرستان‌های استان خراسان رضوی

یعقوب زارعی ۵۱

بررسی و تحلیل الگوی مهاجرت در استان خراسان رضوی

سیدهادی زرقانی، سیدمصطفی حسینی، محمدقنبری، محمدحسین قیاسی ۷۷

مطالعه سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی دانشجویان؛ نمونه موردی: مراکز آموزش عالی شهرقاین
محمدحسن شربتیان ۱۰۷

تحلیل کیفی دیدگاه مدیران آموزش عالی خراسان به تیم‌سازی و کار تیمی دانشگاهی؛
مطالعه موردی: دانشگاه فردوسی مشهد

مجتبی نادی، محمدرضا آهنچیان، محسن نوغانی دخت بهمنی، کلثومه شجاع ۱۳۳



بررسی کیفیت روابط متقابل در شبکه‌ی روابط اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی گناباد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۱۰

بی بی اقدس اصغری^۱

مریم اسکافی نوغانی^۲

حسین کاردان مقدم^۳

چکیده

تجربه اجتماعی انسان، عمدتاً با حضور در شبکه روابط متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد. این پژوهش با هدف مطالعه کیفیت و چگونگی روابط متقابل دانشجویان در قلمروهای بسیار شخصی تا حیطه‌های عمومی‌تر انجام شده است. پژوهش در سطح توصیفی-همبستگی و به کمک فن پیمایشی صورت گرفته است. جامعه آماری، شامل تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد در سال ۱۳۹۳ (۲۶۰۰ نفر) بوده که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای و بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۳۴۰ نفر از آنها به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیده‌اند. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته‌ای است که اعتبار صوری آن توسط متخصصین تأیید شده است. از مجموع کل پاسخگویان، ۹۲/۵٪ روابط متقابل با اعضای خانواده را مطلوب و ۷/۵٪ بینابین و تنها ۰/۵٪ نامطلوب ارزیابی کرده‌اند. بیشترین مطلوبیت روابط در حوزه‌های صمیمیت، احترام و همدلی، مشارکت، مشاوره و فقدان حسادت در میان شبکه روابط خانوادگی و بویژه خانواده مادری و همسایگان و کمترین آن در روابط با همکاران گزارش شده است. مقدار آزمون دی‌سامرز در مورد همبستگی بین متغیرهای مقطع تحصیلات و کیفیت رابطه متقابل، ۰/۴۴۶- بوده که در سطح معناداری ۰/۰۰۱ حاکی از وجود

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد، نویسنده مسؤول

a_asghari2002@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد

۳. عضو هیأت علمی (مربی) گروه مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی بیرجند

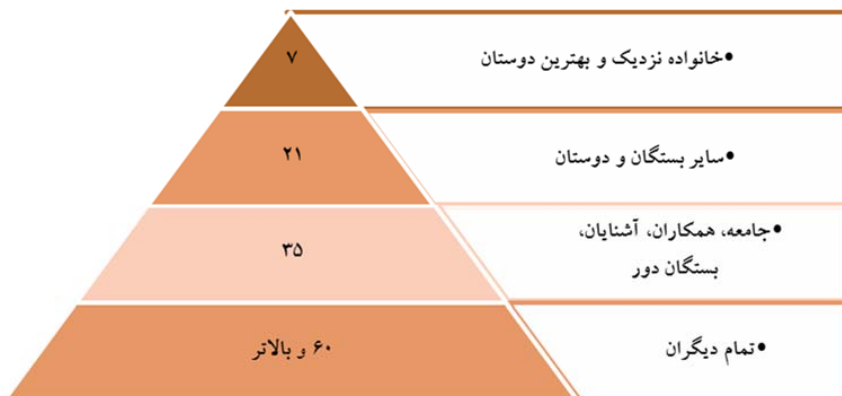
رابطه معنادار معکوس بین این دو متغیر است؛ یعنی هرچه سطح تحصیلات کمتر باشد، کیفیت روابط متقابل بهتر است و برعکس. مهم ترین و روشن ترین نتیجه پژوهش، این را نشان می دهد که در میان جامعه آماری مورد بررسی، هم چون سایر گروه ها در ایران، خانواده مهمترین سازه اجتماعی تأثیرگذار در شبکه روابط متقابل است. این امر، بیانگر این است که بیشترین سرمایه اجتماعی در جامعه مورد بررسی، در حوزه خانواده بویژه خانواده مادری وجود دارد که بیانگر انسجام معطوف به درون (درون گروهی) است. در حالی که کمترین میزان اعتماد و سرمایه اجتماعی، به فضای اشتغال و صحنه عمومی جامعه مربوط بوده که در واقع، انسجام معطوف به بیرون (برون گروهی) است. واژگان کلیدی: شبکه روابط اجتماعی، روابط متقابل، گناباد

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و در این تعامل اجتماعی است که به رشد و کمال می رسد و همین تعامل یا کنش اجتماعی متقابل است که گروه و جامعه را ایجاد می کند. پس تعامل، شرط ضروری وجود گروه است. برای تداوم گروه، عنصر عاطفه و پیوند نیز به آن اضافه می شود و به همین جهت در تعریف گروه، چنین آمده است که «عبارت است از عده ای از افراد دارای تعامل مستمر، با احساس پیوند» (صدیق اورعی، ۱۳۹۲: ۲۵). تعامل، عمل اجتماعی دو سویه است. عمل اجتماعی، در واقع دارای شش حالت است، خنثی و عاطفی. اگر دارای بار عاطفی باشد، عاطفی است و اگر بار عاطفی نداشته باشد، خنثی بوده که خود شامل برابر و نابرابر است. وقتی تعامل، بار عاطفی داشته باشد، یا مثبت (گرم) است، مانند رابطه دوستانه و صمیمی بین اشخاص؛ یا منفی (سرد) است، مانند رابطه خصمانه بین اشخاص، که این گرمی و سردی، می تواند درجه بندی شده و بر روی یک پیوستار قرار گیرد. از سوی دیگر، تعامل را می توان یک مبادله دید که در آن، چیزی بده بستان می شود. بده بستان بین طرفین تعامل، می تواند متقارن و برابر باشد، یا نامتقارن و نابرابر. البته میزان نابرابری در مبادله های نابرابر، متفاوت است. از ترکیب تعامل های سرد و گرم با تعامل های برابر و نابرابر، حداقل

چهار حالت محض قابل تصور است: ۱- تعامل سرد برابر ۲- تعامل سرد نابرابر ۳- تعامل گرم برابر ۴- تعامل گرم نابرابر. «در زندگی اجتماعی انسان‌ها، همه این حالات دیده می‌شود» (صدیق اورعی، ۱۳۹۲: ۲۲).

تعاملات اجتماعی انسان‌ها، در فضایی صورت می‌گیرد که به آن رابطه اجتماعی می‌گوییم. هیل و دانبار (Hill, and Dunbar, 2003, 55) به خوبی مطرح کرد که مردم توانایی ذاتی برای دسته‌بندی و به‌کاربردن تعدادی از روابط اجتماعی را دارند، اما نه تعداد بی‌پایان و نامحدود از این روابط. دانبار معتقد است، عدد ۱۵۰، حد میانگین روابطی است که یک شخص معمولاً می‌تواند مدیریت کند. می‌توان تشریح عدد دانبار را به مثابه‌ی یک هرم نشان داد (نمودار ۱). در رأس هرم، پیوندهای قوی، خانواده‌ی نزدیک و بهترین دوستان و کسانی که هر روز با آنها کنش متقابل داریم، قرار دارند. دانبار اندازه‌ی این گروه را به‌طور میانگین، هفت گرفت. این طبقه، دربردارنده‌ی همسر، والدین، برادر، خواهر و فرزندان مان می‌شود. طبقه‌ی دوم، "سایر بستگان" (شامل گروهی از دوستان، پسرخاله‌ها و دخترعمه‌ها، نامادری و ناپدری و مانند این‌ها) است. مردمی که لزوماً هر روز با آنها کنش متقابل نداریم، یا در نزدیک‌ترین مرتبه با ما قرار ندارند. طبقه‌ی بعدی، یک "تبار" شامل همکاران، دایره‌ی وسیع‌تری از دوستان و آشنایان و بستگان دور است. طبقه‌ی آخر، شامل همه‌ی مردم دیگر است؛ یعنی همان پیوندهای ضعیف ما (Tsvetovat & Kovznetsov, 2011: 120). دوستان فیسبوک و ... نیز در قسمت‌های خیلی پایین این هرم قرار می‌گیرند. هرچه به سمت پایین هرم می‌رویم، محتوای عاطفی و اشتراک اطلاعات و روابط، کاهش و کمیت آن‌ها افزایش می‌یابد.



نمودار (۱) هرم دانبار (Hill, and Dunbar, 2003, 55)

همان طور که گفته شد، درونی ترین لایه را کسانی تشکیل می دهند که تعاملات عاطفی زیادی با انسان دارند. مانند اعضای خانواده، پدر، مادر، خواهر، برادر و در نهایت کسی که شدیدترین تعاملات عاطفی را با انسان دارد، همسر او است که از این طریق می تواند نیاز اساسی محبت و تعلق را در بالاترین درجه برای شخص برآورده نماید. در تعاملات، قلمروهای شخصی افراد، با یکدیگر متفاوت است. این قلمروها گاهی از روابط بسیار صمیمانه و نزدیک با افراد، تا گستره وسیعی از روابط بسیار رسمی، خشک و ضابطه مند را تشکیل می دهد. اما مروری بر تحقیقات نشان می دهد که بحث از کیفیت روابط متقابل که می تواند سرمنشأ بسیاری از مشکلات کوچک و بزرگ اجتماعی باشد، هنوز به صورت جدی و خاص، مورد توجه جامعه شناسان قرار نگرفته است. با این که یکی از مکاتب بزرگ مطرح در جامعه شناسی، مکتب کنش متقابل نمادی است، اما در حوزه تجربی، هنوز جای انجام تحقیقات مؤثر، بسیار خالی است.

جستجوی دقیق در منابع و پایگاه های اطلاعاتی نشان داد با عنوان کیفیت روابط متقابل، کار زیادی صورت نگرفته است. در زمینه روابط متقابل نیز اکثریت تحقیقات صورت گرفته مانند تحقیق (سام آرام و دیگران، ۱۳۸۹)، بسیار کلی است. در حوزه علوم اجتماعی و روانشناختی، این موضوع در شبکه های اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد که باید با شرایط خاصی انجام شود تا بتوان روابط متقابل را سنجید. از جمله رساله

دکتری اسکافی (۱۳۹۳) که نشان داده است، چگونگی و نوع روابط متقابل همسران با یکدیگر، نوع رابطه یکی از زوجین یا هر دو با خانواده همسر، نوع روابط خانواده‌های آنان با یکدیگر و نیز نوع رابطه همسران با دوستان مشترک و غیرمشترک، خود باعث بروز ناراحتی‌های زیادی شده که به طلاق عاطفی منجر گردیده است. در برخی تحقیقات دیگر نیز که رابطه با اعضای شبکه به صورت بخشی کوچک مورد مطالعه قرار گرفته است، بیانگر اهمیت نوع و کیفیت روابط متقابل در شبکه‌های اجتماعی است. از طرفی، نتایج مصاحبه‌های اکتشافی با افراد مختلف در پایگاه‌های طبقاتی متفاوت نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، نوع و کیفیت روابط آنها با اطرافیان‌شان، مشکلاتی را ایجاد کرده است که در سایر موارد، حل کردن آنها امکان‌پذیر نبوده و یا به سختی ممکن است. از این رو، در این پژوهش تلاش شده است که به بررسی نحوه رابطه متقابل افراد با یکدیگر، در قلمروهای بسیار شخصی تا حیطه‌های عمومی‌تر پرداخته شود. در پایان نیز قصد محققان این بوده است تا افراد را از لحاظ کیفیت و چگونگی روابط متقابل آنها با یکدیگر، براساس متغیرهایی چون تحصیلات و جنسیت، مورد بررسی قرار دهند. به بیان دیگر در این پژوهش، پاسخ به سؤالات زیر از اهداف محققان بوده است:

۱- روابط متقابل افراد با اعضای شبکه اجتماعی چگونه است؟

۲- سطح تحصیلات و جنسیت، چه رابطه‌ای با کیفیت روابط متقابل دارد؟

در جستجوی اثرات پیشین، محققین تنها با چند اثر مواجه شده‌اند که تا حدی رابطه مستقیم با موضوع مقاله حاضر دارند. از جمله آنها، تحقیق لطافتی و زرینی (۱۳۹۴) که میزان تحقق همدلی را بین مدرس و زبان‌آموز، مورد سنجش قرار داده است و همدلی را عنصر مهمی در روابط متقابل معرفی کرده است. تحقیق شرف‌الدین، علم‌الهدی و نوروزی (۱۳۹۳)، با تمرکز بر ارزش اسلامی "عفاف" به عنوان یکی از نمودهای ارزش‌های اسلامی و واکاوی ابعاد آن در آموزه‌های دینی و نظریه‌های ارتباطی مربوط به روابط انسانی و واسطه‌گری رایانه، به کشف چگونگی ارتباط عقیفانه در شبکه‌های اجتماعی پرداخته است. تحقیق احمدی (۱۳۸۸) نیز در بررسی تمایل به نوع دوستی در روابط اجتماعی و عوامل آن، به همدلی، مسئولیت اجتماعی، تحلیل

هزینه و پاداش و متغیرهای جمعیتی اشاره نموده است و در آن، در قالب نظریه همدلی و مبادله و با تمرکز بر تأثیر موقعیت اجتماعی، به بررسی نوع دوستی پرداخته است. در مقاله محمدی و شهیدیان (۱۳۹۰)، راهکارهای افزایش مشارکت سیاسی با تأکید بر شناسایی روابط میان فردی در شبکه اجتماعی، مورد مطالعه قرار گرفته و اثر شبکه‌های فردی بر مشارکت، مشخص شده است. مقاله دیگری از باقری زنوز و علمی (۱۳۸۸) در بحث اعتماد اجتماعی، به عنوان یک آسیب در روابط اجتماعی صورت گرفته که متغیر تحصیلات نیز در آن می‌تواند، عامل مؤثری بر اختلال رابطه در این زمینه باشد.

مبانی نظری و طرح تحقیق

رابطه چیست؟ در یک مفهوم میان فردی، روابط می‌توانند حاکی از دوستی، نفوذ، علاقه، اطمینان یا برعکس، نپسندیدن، تعارض یا بسیاری چیزهای دیگر باشند. روابط می‌توانند یک سویه (نامتقارن یا جفتی)، یا دوسویه (متقارن یا ارزش دار) باشند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۰: ۲۴). تعامل اجتماعی همراه با تداوم، تبدیل به رابطه اجتماعی می‌شود (چلبی، ۱۳۸۶: ۲۵۲) و رابطه اجتماعی بین افراد و گروه‌ها، بر اساس هنجارها یا قراردادهای ایجاد می‌شود (شایان مهر، ۱۳۷۹: ۲۷۷). جامعه‌شناسان ممکن است پیرامون تعریف دقیق جامعه، توافقی نداشته باشند، اما پیرامون این نکات توافق دارند که رابطه اجتماعی، یکی از عناصر محوری در قلمرو جامعه‌شناسی است و دیگر این که ویژگی‌های روابط اجتماعی می‌تواند بر رفتار موجودیت‌های اجتماعی تأثیر گذار باشد (چلبی، ۱۳۸۶: ۵۰). از لحاظ تحلیلی، تعامل بالقوه دارای دو وجه عمده است یکی، وجه ابزاری و دیگری، وجه اظهاری (همان: ۱۷).

در تعامل با وجه صرفاً ابزاری، تعامل با دیگری برای کنشگر، جنبه کاملاً ابزاری دارد. این رابطه خود هدف نیست، بلکه وسیله و محملی برای رد و بدل کردن و یا کسب هدفی خاص است. نوعاً این گونه روابط، سرد و ویژه است و از صمیمیت، مبری است. روابط مبادله‌ای، پیمانی و ... از مصادیق تجربی این نوع رابطه‌ها هستند. دغدغه اصلی کنشگران در این رابطه (اعم از فردی و جمعی)، به حداکثر رساندن نفع خویش است.

خردورزی و محاسبه، اساس این نوع رابطه را تشکیل می‌دهد و رابطه ابزاری چون از کمترین پایه عاطفی برخوردار است، به سهولت می‌تواند "غریبه‌های" بیشتری را در برگیرد. برقراری روابط ابزاری و استواری آن می‌تواند باعث برقراری رابطه اجتماعی بین گروهی شود. از طریق روابط ابزاری است که گروه‌ها و اجتماعات طبیعی به روی یکدیگر و جامعه بزرگ‌تر باز می‌شوند و بدین ترتیب، نطفه‌های پیوندهای ضعیف اجتماعی در عرض جوامع بین گروه‌ها و اجتماعات گوناگون بسته می‌شود. پیوندهای ضعیف، در تحکیم انسجام کلی جامعه نقشی قوی به عهده دارند. به یک معنا، روابط ابزاری پیش‌قراولان شبکه چندگانه جامعه هستند که به صورت محرک اولیه، باعث افزایش میزان تراکم روابط در شبکه جامعه می‌شوند. اما آن‌چه افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد و باعث تکرار و دوام شدت تعاملات می‌گردد، بعد اظهاری تعامل است. بر خلاف رابطه ابزاری، رابطه اظهاری خود فی‌نفسه هدف است. نوعاً این نوع روابط گرم و انتشاری است و نوعی صمیمیت، اعتماد و تعهد در آن وجود دارد (همان: ۱۴۹-۱۵۰).

از طریق تعامل اظهاری است که "ما" یا "اجتماع" یا گروه اجتماعی شکل می‌گیرد. سنگ بنای ما یا اجتماع، تعامل است، مشروط بر این که تعامل، صبغه اظهاری به خود بگیرد. در این نوع روابط، کنشگران (فردی و جمعی) درگیر در رابطه، رفاه حال یکدیگر را در نظر می‌گیرند. تعلق عاطفی و معاشرت‌پذیری، اساس این نوع رابطه را تشکیل می‌دهد (همان: ۲۵۰).

به لحاظ تحلیلی، دو وضعیت کلی را می‌توان برای بسط روابط اظهاری، ورای گروه‌های اولیه در نظر گرفت. حالت اول این که، به موازات گسترش روابط ابزاری در جامعه، روابط اظهاری نیز ورای گروه‌های اولیه بسط می‌یابند، بدون این که این دو نوع رابطه در یکدیگر ترکیب شوند. در این صورت، انتظار می‌رود که گروه‌های اولیه کوچک، ورای اجتماعات طبیعی در عرض جامعه تشکیل شوند و خرده‌فرهنگ‌های خاص خود را به وجود آورند. در این وضعیت، ضمن این که انسجام محلی و انسجام اجتماعات طبیعی کاهش می‌یابد، به همان میزان انسجام کلی جامعه تقویت نمی‌شود. حالت دوم این که، به دنبال گسترش روابط ابزاری، روابط اظهاری (روابط گرم) نیز در ورای گروه‌های اولیه

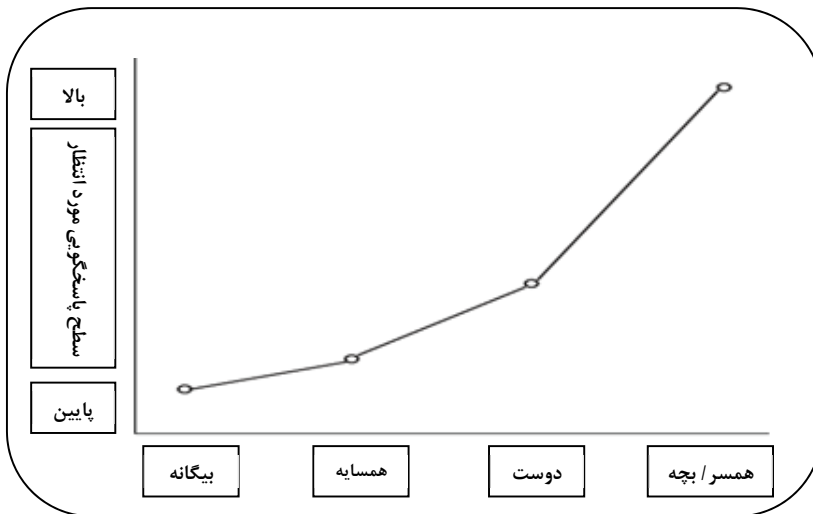
تعمیم یافته و با روابط ابزاری (روابط سرد) ترکیب شوند. براینند و نتیجه ترکیب روابط ابزاری و روابط اظهاری، روابط انجمنی است (همان: ۲۵۲). در واقع، در این مقاله محقق به بررسی انواع روابط متقابل افراد، به ترتیب درجه نزدیکی و دوری آنها با یکدیگر پرداخته است که به نوبه خود می تواند دربرگیرنده درجه ای از روابط اظهاری و ابزاری باشد.

نظریه صمیمیت^۱

صمیمیت، شامل شریک شدن در احساسات و فراهم آوردن حمایت عاطفی است. صمیمیت معمولاً مستلزم سطوح بالای خودافشایی^۲ است. صمیمیت به تدریج افزایش می یابد، وقتی نزدیکی^۳ رشد می کند و وقتی رابطه پخته می شود، صمیمیت نیز عمیق می گردد. اما در رابطه ی صمیمی پخته، بیشتر حوزه ها برای بحث و شراکت باز است. با باز کردن فضای مشارکت، با کسب اعتماد به یکدیگر و آسیب پذیر شدن نسبت به یکدیگر، افراد می توانند ساختمانی با پیوندی قوی از صمیمیت بسازند. این متفاوت است با طلب کمک، بلکه حمایت از دیگران است (Olson, Defrainan Skogrand, 2011: 253). صمیمیت، یک مفهوم گول زننده است. این واژه عموماً نزدیکی فیزیکی و تمایلات جنسی را به ذهن متبادر می نماید، اما واقعاً بسیار بیشتر از آن است. صمیمیت، نزدیکی و احساسات گرمی است که ما با افراد مشخصی داریم. فرایندی درحال پیشرفت از زندگی با افراد دیگر است و عناصر متعددی دارد. بدون صمیمیت با دیگران، زندگی خسته کننده، سرد و متروک است. صمیمیت به روابط ازدواج محدود نمی شود (همان: ۲۵۷). برای رسیدن به صمیمت بالاتر، باید خودافشایی شخصی بیشتری داشت. ارتباط صادقانه برای صمیمت، واقعیتی ضروری است. صمیمیت، شامل چند بعد است: عاطفی، اجتماعی، فکری، تفریحی و جنسی. داشتن و حفظ روابط صمیمی با بیش از چند نفر سخت است، زیرا صمیمیت در طول زمان مصرف می شود. رابطه صمیمی، رابطه ای

1. Intimacy
2. Self-disclosure
3. Closeness

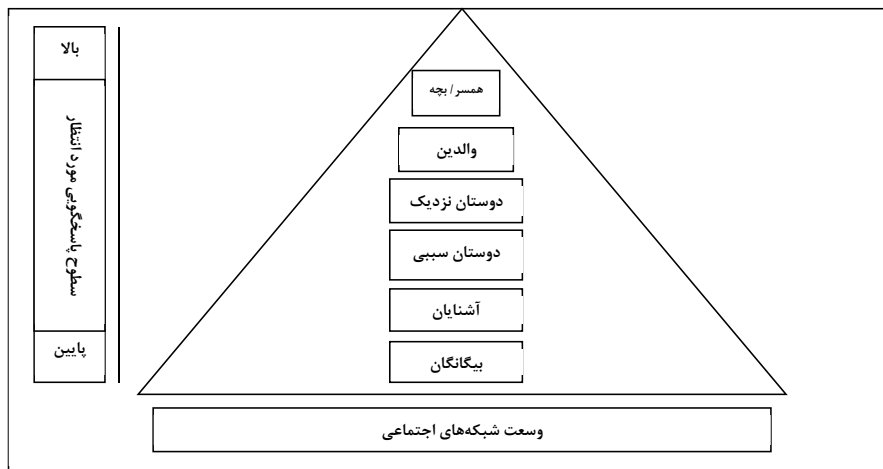
است که در آن، تجربیات صمیمانه‌ای در چند بعد در طی زمان با افرادی داشته باشیم. بیشتر مفاهیم صمیمیت، بر حضور مکرر و شدید عاطفه مثبت، با فقدان نسبی عاطفه منفی تمرکز می‌کند. همانطور که در نمودار ۲ مشخص شده است، سطوح مورد انتظار پاسخگویی در یک شبکه اجتماعی، متفاوت است. افراد از برخی همتایان انتظارات کم، از برخی در سطح متوسط و از برخی، انتظارات پاسخگویی بالایی دارند.



نمودار ۲) نمونه‌ای از نمودار گروه‌های هم‌پوشان در یک انجمن

(Reis, Clark & Holmes, 2008: 217)

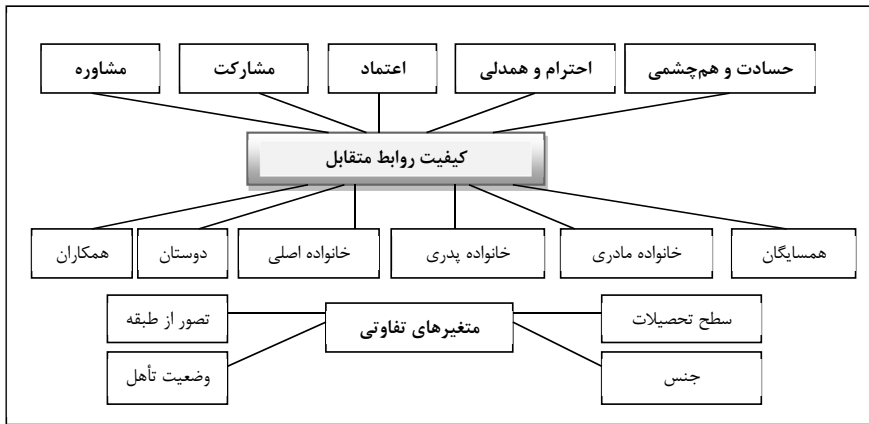
کلارک و میلز (Clark & mills, 1993 نقل از Mashek & sherman, 2008: 344) به این تفاوت‌ها به عنوان تنوع در قوت روابط عمومی، یا قدرت جمعی می‌نگرند. در زبان عامیانه، مردم اغلب از واژه نزدیک برای اشاره به این کیفیت استفاده می‌کنند. آنها در کارکرد روابط نقش، پاسخگویی مورد انتظار را براساس افرادی که با آنها در ارتباط هستیم، در نمودار ۳ به تصویر می‌کشند (Reis, Clark & Holmes, 2008: 219).



نمودار ۳) نمونه‌ای از نمودار گروه‌های هم‌پوشان در یک انجمن

(Reis, Clark & Holmes, 2008: 219)

بنابراین، براساس نظریات و تعاریف مطرح شده در باب روابط متقابل، کیفیت روابط متقابل را در این تحقیق شامل ۵ بعد اعتماد، احترام و همدلی، مشارکت، مشاوره و حسادت و هم‌چشمی می‌دانند و در ارزیابی این نوع روابط در بیان اعضای خانواده خانواده پاسخگویان، کیفیت روابط متقابل را از دیدگاه آنان رتبه‌بندی کرده‌اند. یعنی ارزیابی کیفیت روابط متقابل در واقع نشان می‌دهد دانشجویان چه نمره‌ای از هریک از خرده شاخص‌های پنج‌گانه ذکر شده در روابط متقابل اعضای خانواده خود با شبکه اجتماعی‌شان به آنها می‌دهند. بنابراین محققان در این تحقیق از سه جنبه به بررسی و ارزیابی کیفیت روابط متقابل در بین خانواده پاسخگویان با اعضای شبکه اجتماعی‌شان پرداخته‌اند. ابتدا از ۵ بعد که شاخص‌های کیفیت روابط متقابل را تشکیل داده‌اند که در بالا ذکر شد دوم در بین ۶ نوع شبکه (خانواده اصلی، خانواده پدری، خانواده مادری، همسایگان، دوستان و همکاران) و در چهار جنبه تحصیلات، جنس، وضع تأهل و طبقه ذهنی آنان، تفاوت‌ها را سنجیده‌اند. این امر را به وضوح نشان می‌دهد.



نمودار ۴) نمودار تحلیلی - تجربی پژوهش

روش پژوهش

این پژوهش در سطح توصیفی، همبستگی انجام شده است. جامعه آماری، شامل تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد در سال ۱۳۹۳ (۲۶۰۰ نفر) می باشد که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای، ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب و بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۳۴۰ نفر از آنها (۱۷۰ نفر زن و ۱۷۰ نفر مرد) برگزیده شده و سپس در هر طبقه، ۸۵ نفر دانشجوی مجرد و ۸۵ نفر دانشجوی متأهل به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه و زمان جمع‌آوری داده‌های این پژوهش، آبان و آذر ماه ۱۳۹۳ بوده است. در این پژوهش تلاش گردیده است که با استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد، یک پرسش‌نامه محقق ساخته ایجاد گردد. علاوه بر آن سعی شده تا از روایی صوری به منظور سنجش روایی استفاده شود. در این روش، گویه‌های لازم جهت سنجش متغیرها (به مدد روش نمره‌گذاری لیکرت) انجام شد و پس از تأیید متخصصین امر در حوزه علوم رفتاری، در پرسش‌نامه قرار داده شد. هنجارها و قراردادهای، براساس مصاحبه‌های اکتشافی و پیشینه‌های تحقیق به دست آمد. با توجه به این که روابط صمیمانه، دارای ویژگی‌هایی

هم چون اعتماد، احترام و همدلی، مشارکت، مشاوره و فقدان حس حسادت و چشم و هم چشمی می باشد، با توجه به تعداد و ابعاد مسأله و بر اساس نمره اکتسابی هر فرد در این گویه ها، در سه طبقه (کیفیت مطلوب، بینابین و نامطلوب) قرار داده شده است.

فرضیات توصیفی تحقیق

فرضیه اول: همدلی جلوه ای از صمیمیت است.

فرضیه دوم: صمیمیت، مستلزم اعتماد بین اعضای شبکه اجتماعی است.

فرضیه سوم: مشاوره و تبادل تجربیات، در روابط صمیمی امکان پذیر است.

فرضیه چهارم: مفهوم صمیمیت، بر حضور مکرر و شدید تمرکز می کند.

فرضیه پنجم: میزان نزدیکی به افراد، سطح انتظار پاسخگویی از طرف مقابل برای افراد ایجاد می کند.

لازم به ذکر است که با توجه به این که مقاله حاضر بیشتر در سطح توصیف است فرضیات بالا نیز در سطح توصیف و طبقه بندی است. در فرضیات توصیفی حتماً نیازی نیست که امار استنباطی وجود داشته باشد چون این متغیرها، همه بیانگر اجزای کیفیت روابط متقابل هستند و با وجود این متغیرها، کیفیت رابطه تغییر می کند.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

از مجموع کل پاسخگویان که ۵۰٪ زن و ۵۰٪ مرد بودند، ۳۸٪ زیر ۲۰ سال، ۵۱٪ بین ۲۰-۲۵ سال و ۱۱٪ بالای ۲۵ سال بودند. میانگین سنی افراد ۵۳/۲۴٪ بود. ۲۵/۵٪ در مقطع تحصیلی فوق دیپلم، ۶۲٪ در مقطع کارشناسی و ۱۲/۵٪ در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بودند. ۳٪ دارای تصور پایین از طبقه اجتماعی خود، ۸۷٪ دارای تصور متوسط و ۱۰٪ نیز دارای تصور بالا از طبقه اجتماعی خود بودند. ۵۰٪ افراد متأهل و ۵۰٪ آنها مجرد بودند. ۸۶/۷٪ افراد در شهر و ۱۳/۳٪ افراد در روستا سکونت داشتند. متغیر وابسته تحقیق (کیفیت روابط متقابل)، در بین شش دسته از اعضای

شبکه اجتماعی سنجش شد.

جدول (۱) توزیع پاسخگویان، بر حسب ارزیابی از کیفیت روابط متقابل در شبکه اجتماعی

ارزیابی کیفیت رابطه	خانواده منشأ	خانواده مادری	خانواده پدری	دوستان	همکاران	همسایگان
مطلوب	۹۲/۵٪	۶۵٪	۵۱/۵٪	۸۰٪	۲۲٪	۶۰٪
بینابین	۷/۵٪	۳۳٪	۴۴/۵٪	۱۷٪	۲۸٪	۲۵٪
نامطلوب	۰/۵٪	۲٪	۴٪	۳٪	۵۰٪	۱۲٪
جمع کل	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪

جدول ۱ نشان می دهد که از مجموع کل پاسخگویان، ۹۲/۵٪ دارای روابط متقابل مطلوب با اعضای خانواده بوده اند که بالاترین درصد از نوع روابط مطلوب، در بین شش دسته از اعضای شبکه اجتماعی است. پس از آن از مجموع کل پاسخگویان، ۸۰٪ با دوستان و سپس به ترتیب ۶۵٪ با خانواده مادری، ۵۱/۵٪ با خانواده پدری و ۲۲٪ با همکاران، رابطه مطلوبی دارند. در بین روابط نامطلوب، بیشترین درصد (۵۰٪) متعلق به همکاران و پس از آن ۱۲٪ با همسایگان، ۴٪ با خانواده پدری، ۳٪ با دوستان، ۲٪ با خانواده مادری و تنها ۰/۵٪ متعلق به اعضای خانواده است. به این ترتیب می توان گفت، فرضیه چهارم و پنجم تأیید می گردد که مدعی است صمیمیت، بر حضور مکرر روابط متمرکز است و در اینجا کاملاً مشخص است. همان طور که سطح روابط از خانواده به سطوح پایین تر و دورتر می رسد، میزان صمیمیت کمتر و درصد کیفیت روابط مطلوب، کمتر می شود. در فرضیه پنجم نیز که مدعی است میزان نزدیکی به افراد، سطح انتظار پاسخگویی را از آنان افزایش می دهد، این نتیجه، دقیقاً منطبق با این فرضیه به دست آمده است.

جدول ۲) توزیع پاسخگویان، بر حسب ارزیابی از کیفیت اعتماد به اعضاء شبکه روابط اجتماعی

ارزیابی کیفیت رابطه	خانواده منشأ	خانواده مادری	خانواده پدری	دوستان	همکاران	همسایگان
مطلوب	٪۹۲	٪۶۵	٪۵۱/۵	٪۸۴	٪۲۰	٪۶۲
بینابین	٪۷/۵	٪۳۳	٪۴۵/۵	٪۱۶	٪۳۰	٪۲۵
نامطلوب	٪۰/۵	٪۲	٪۴	٪۰	٪۵۰	٪۱۳
جمع کل	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

جدول ۲ نشان می دهد که متغیر اعتماد به شبکه ارتباطی افراد در جامعه مورد مطالعه، بر حسب دسته بندی های انجام شده (خانواده، دوستان، خانواده پدری، خانواده مادری، همکاران و همسایگان)، تفاوت های چشمگیری با یکدیگر دارند. بر این اساس، مشخص می گردد در حالی که در تمامی دسته بندی های مذکور، بیش از ٪۵۰ پاسخگویان از میزان اعتماد مطلوب به اعضای خانواده، خانواده مادری، خانواده پدری، دوستان و همسایگان برخوردار بوده اند، اما این مقدار در مورد همکاران، تنها ٪۲۰ بوده است. پاسخگویان، بیشترین میزان اعتماد مطلوب را نسبت به اعضای خانواده و نامطلوب ترین میزان اعتماد را نیز نسبت به همکاران داشته اند. این نتیجه تأیید کننده فرضیه دوم است که بیان می کند صمیمیت، مستلزم اعتماد بین اعضای شبکه اجتماعی است. درصد کیفیت روابط متقابل براساس اعتماد نشان داده است که هرچا اعتماد افراد به اعضای شبکه اجتماعی بیشتر بوده است، کیفیت روابط متقابل براساس اعتماد، مطلوب تر بوده و این نشانگر صمیمیت افراد می باشد.

جدول ۳) توزیع پاسخگویان، بر حسب ارزیابی از کیفیت احترام و همدلی

ارزیابی کیفیت رابطه	خانواده منشأ	خانواده مادری	خانواده پدری	دوستان	همکاران	همسایگان
مطلوب	٪۹۴/۵	٪۶۴	٪۵۲	٪۷۹	٪۱۸	٪۶۷/۵
بینابین	٪۵/۵	٪۳۴	٪۴۴	٪۱۸	٪۳۴	٪۲۷/۵
نامطلوب	٪۰	٪۲	٪۴	٪۳	٪۴۸	٪۵
جمع کل	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

نتایج جدول شماره ۳ نشان می دهد که توزیع پاسخگویان بر حسب متغیر کیفیت احترام و همدلی در جامعه مورد مطالعه، بر حسب دسته بندی های انجام شده (خانواده، دوستان، خانواده پدری، خانواده مادری، همکاران و همسایگان)، تفاوت های چشمگیری با یکدیگر دارند. بر این اساس، مشخص می گردد در حالی که در تمامی دسته بندی های مذکور، بیش از ۵۰٪ پاسخگویان از میزان احترام و همدلی مطلوب به اعضای خانواده، خانواده مادری، خانواده پدری، دوستان و همسایگان برخوردار بوده اند، اما این مقدار در مورد همکاران، تنها ۱۸٪ بوده است. بیشترین میزان احترام و همدلی مطلوب نسبت به اعضای خانواده و نامطلوب ترین میزان احترام و همدلی نسبت به همکاران بوده است. شایان ذکر است که ۶۷/۵٪ پاسخگویان، از کیفیت احترام و همدلی مطلوب با همسایگان خود برخوردارند. این نتیجه تأیید کننده فرضیه اول است که بیان می کند صمیمیت، مستلزم همدلی بین اعضای شبکه اجتماعی است. درصد کیفیت روابط متقابل براساس همدلی نشان داده است که هرچا همدلی و صمیمیت افراد با اعضای شبکه اجتماعی (و بر عکس) بیشتر بوده است، کیفیت روابط متقابل، مطلوب تر بوده است.

جدول ۴) توزیع پاسخگویان، بر حسب ارزیابی از کیفیت مشارکت در میان اعضاء شبکه

ارزیابی کیفیت رابطه	خانواده منشأ	خانواده مادری	خانواده پدری	دوستان	همکاران	همسایگان
مطلوب	۹۵٪	۵۸٪	۵۰٪	۷۵٪	۲۴/۵٪	۹۰٪
بینابین	۴/۵٪	۳۸/۵٪	۲۵/۵٪	۲۱٪	۵۰٪	۹٪
نامطلوب	۰/۵٪	۳/۵٪	۲۴/۵٪	۴٪	۲۰/۵٪	۱٪
جمع کل	۹۵٪	۱۰۰٪	۵۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪

جدول ۴ نشان می دهد که متغیر کیفیت مشارکت افراد در جامعه مورد مطالعه، بر حسب دسته بندی های انجام شده (خانواده، دوستان، خانواده پدری، خانواده مادری، همکاران و همسایگان)، تفاوت های چشمگیری با یکدیگر دارند. بر این اساس، مشخص می گردد در حالی که در تمامی دسته بندی های مذکور، بیش از ۵۰٪ پاسخگویان از میزان مشارکت مطلوب نسبت به اعضای خانواده، خانواده مادری، خانواده پدری، دوستان و همسایگان برخوردار بوده اند، اما این مقدار در مورد همکاران، تنها ۲۴/۵٪ بوده است. بیشترین کیفیت مشارکت مطلوب نسبت به اعضای خانواده و نامطلوب ترین میزان، مربوط به خانواده پدری بوده است.

جدول ۵) توزیع پاسخگویان، بر حسب ارزیابی از کیفیت مشاوره اعضاء با یکدیگر

ارزیابی کیفیت رابطه	خانواده منشأ	خانواده مادری	خانواده پدری	دوستان	همکاران	همسایگان
مطلوب	%۹۸	%۷۰	%۷۰	%۹۰	%۲۵	%۷۰
بینابین	%۱/۵	%۲۸	%۱۷/۵	%۵	%۵۰	%۲۰
نامطلوب	%۰/۵	%۲	%۱۲/۵	%۵	%۲۵	%۱۰
جمع کل	%۹۵	%۱۰۰	%۵۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰

جدول شماره ۵ بیانگر این است که متغیر کیفیت مشاوره اعضاء در شبکه ارتباطی در جامعه مورد مطالعه، بر حسب دسته بندی های انجام شده (خانواده، دوستان، خانواده پدری، خانواده مادری، همکاران و همسایگان)، تفاوت های چشمگیری با یکدیگر دارند. بر این اساس، مشخص می گردد در حالی که در تمامی دسته بندی های مذکور، بیش از ۵۰٪ پاسخگویان از میزان مشاوره مطلوب با اعضای خانواده، خانواده مادری، خانواده پدری، دوستان و همسایگان برخوردار بوده اند، اما این مقدار در مورد همکاران، تنها ۲۵٪ بوده است. بیشترین میزان مشاوره مطلوب، نسبت به اعضای خانواده و نامطلوب ترین میزان، نسبت به همکاران بوده است، این نتیجه تأییدکننده فرضیه سوم است که بیان می کند مشاوره و تبادل نظر در روابط صمیمی، امکان پذیر است. درصد کیفیت روابط متقابل براساس مشاوره نشان داده است که هر جا افراد با اعضای شبکه اجتماعی مشاوره بیشتری داشته اند، کیفیت روابط متقابل افراد، مطلوب تر بوده و این نشانگر صمیمیت است.

جدول ۶) توزیع پاسخگویان، بر حسب متغیر ارزیابی از کیفیت فقدان حسادت و چشم و هم چشمی

ارزیابی کیفیت رابطه	خانواده منشأ	خانواده مادری	خانواده پدری	دوستان	همکاران	همسایگان
مطلوب	%۹۶	%۶۰	%۵۰	%۹۰	%۲۰	%۵۰
بینابین	%۳	%۳۵	%۲۷/۵	%۹	%۸۰	%۴۴
نامطلوب	%۱	%۵	%۲۲/۵	%۱	%۱۰	%۶
جمع کل	%۹۵	%۱۰۰	%۵۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰

جدول ۶ نشان می‌دهد که متغیر کیفیت فقدان حسادت و چشم و هم‌چشمی، نسبت به شبکه ارتباطی افراد در جامعه مورد مطالعه، بر حسب دسته‌بندی‌های انجام شده (خانواده، دوستان، خانواده پدری، خانواده مادری، همکاران و همسایگان)، تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر دارند. بر این اساس، مشخص می‌گردد در حالی که در تمامی دسته‌بندی‌های مذکور، بیش از ۵۰٪ پاسخگویان از میزان فقدان چشم و هم‌چشمی مطلوب نسبت به اعضای خانواده، خانواده مادری، خانواده پدری، دوستان و همسایگان برخوردار بوده‌اند، اما این مقدار در مورد همکاران، تنها ۲۰٪ بوده است. بیشترین میزان فقدان چشم و هم‌چشمی (۹۶٪) نسبت به اعضای خانواده و نامطلوب‌ترین میزان، نسبت به همکاران (۱۰٪) بوده است.

نتایج آزمون فرضیات

علاوه بر فرضیه‌های توصیفی که شرح آن گذشت، چهار فرضیه رابطه‌ای نیز مطرح شد. رابطه معنادار میان ارزیابی از کیفیت روابط متقابل در شبکه‌ها، با چهار متغیر پیش‌بین (جنسیت، سطح تحصیلی، تصور از طبقه اجتماعی و وضعیت تأهل) سنجیده شد. میان سه متغیر جنسیت، تصور از طبقه و تأهل با متغیر ملاک، یعنی کیفیت روابط، هیچ رابطه معناداری پیدا نشد. اما میان متغیر سطح تحصیلات و کیفیت روابط متقابل، رابطه معنادار وجود داشت.

رابطه بین سطح تحصیلات و ارزیابی کیفیت روابط متقابل

فرضیه پژوهش مدعی است که سطح تحصیلات بر ارزیابی کیفیت روابط متقابل اثر دارد. برای آزمون این فرضیه با توجه به تعداد گروه‌ها، از آزمون مقایسه میانگین‌ها^۱ استفاده شد. نتایج این آزمون به شرح زیر است:

جدول ۷) نتیجه آزمون مقایسه میانگین ها

کیفیت رابطه	مجموع مجذورات	مجذور میانگین	درجه آزادی	F	سطح معناداری
واریانس بین گروه ها	۱۹/۱۴۱	۹/۵۷۱	۲	۴۰/۳۴۳	۰/۰۰۰
واریانس درون گروه ها	۴۶/۷۳۴	۰/۲۳۷	۱۹۷		
جمع	۶۵/۸۷۵		۱۹۹		

نتایج مندرج در جدول ۷ نشان داد که تفاوت های مشاهده شده در میانگین شاخص کیفیت و ارزیابی کیفیت روابط متقابل افراد در سطوح تحصیلی مختلف (فوق دیپلم، لیسانس، و فوق لیسانس)، قابل تعمیم به جامعه آماری است.

جدول ۸) آزمون مقایسه واریانس کیفیت رابطه متقابل افراد در مقاطع تحصیلی مختلف

اماره لوین	سطح معناداری	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱
۱۹۷/۵۴۲	۰/۰۰۰	۱۹۷	۲

نتایج آزمون لوین^۱، در جدول ۸ حاکی از آن است که واریانس درون گروهی سطوح سه گانه تحصیلی، تفاوت معناداری با یکدیگر دارد. بنابراین فرضیه پژوهش تأیید گردید. در ادامه ی تأیید فرضیه، برای مقایسه سطح تحصیلات با کیفیت روابط متقابل، از جدول تقاطعی استفاده می شود.

جدول ۹) جدول تقاطعی تفاوت بین مقطع تحصیلات با کیفیت روابط متقابل

مقطع تحصیلات	کیفیت رابطه			جمع
	مطلوب	بینابین	نامطلوب	
فوق دیپلم	٪۲۵/۵	٪۰/۰	٪۰/۰	٪۲۵/۵
لیسانس	٪۱۹/۵	٪۵/۴۲	٪۰/۰	٪۶۲/۰
فوق لیسانس	٪۶/۵	٪۰/۲	٪۰/۴	٪۱۲/۵
جمع	٪۵۱/۵	٪۴۴/۵	٪۰/۴	٪۱۰۰/۰

جدول ۹ نشان می دهد که از مجموع کل پاسخگویان، ۶/۵٪ افراد دارای مدرک فوق لیسانس دارای کیفیت رابطه مطلوب، ۴۲/۵٪ دارندگان مدرک لیسانس دارای کیفیت رابطه بینابین و نهایتاً ۲۵/۵٪ صاحبان مدارک فوق دیپلم دارای کیفیت رابطه مطلوب با دوستان، افراد خانواده، بستگان و همکاران بوده اند.

جدول ۱۰) نتایج آزمون دی سامرز

ارزش	خطای استاندارد	T	سطح معناداری
- ۴۴۶/۰	۰۶۴/۰	- ۷۹۹/۶	۰/۰۰۰
- ۴۴۶/۰	۰۶۶/۰	- ۷۹۹/۶	۰/۰۰۰

در جدول ۱۰، مقدار آزمون دی سامرز^۱ در مورد همبستگی^۲ بین دو متغیر مقطع تحصیلات و کیفیت یا چگونگی رابطه متقابل با دوستان، خانواده، همکاران و بستگان برابر با ۰/۴۴۶- بوده که این مقدار هر چند همبستگی نسبتاً ضعیفی را نشان می دهد، اما در سطح معناداری^۳ ۰/۰۰۱، معنادار بوده و حاکی از وجود رابطه معنادار و معکوس بین این دو متغیر است. یعنی هرچه تحصیلات کمتر باشد، کیفیت روابط متقابل، مطلوب تر است و برعکس.

رابطه میان جنسیت و ارزیابی کیفیت روابط متقابل در شبکه روابط اجتماعی
فرضیه دیگری از پژوهش مدعی است که جنسیت بر سطح انتظار پاسخگویی اثر دارد. با توجه به سطح سنجش تعداد گروه ها، از آزمون مقایسه میانگین ها با دو گروه مستقل^۴ استفاده شده است. نتایج حاصل به شرح زیر می باشد:

-
1. D sumers
 2. Correlation
 3. Sig.
 4. T-test

جدول (۱۱) مقایسه میانگین شاخص کیفیت رابطه متقابل افراد، در دو گروه زنان و مردان

آماره‌های گروه‌ها				
کیفیت رابطه متقابل	تعداد نمونه	انحراف معیار	میانگین	انحراف استاندارد از میانگین
مرد	۱۷۰	۵۰۳/۰	۵۰/۲	۰۵۰/۰
زن	۱۷۰	۶۴۲/۰	۴۵/۲	۰۶۴/۰

جدول ۱۱ نشان می‌دهد که نمونه مورد بررسی مرکب از ۱۷۰ نفر زن و ۱۷۰ نفر مرد بوده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میانگین شاخص کیفیت روابط متقابل در بین مردان، بیشتر از زنان است (حدوداً ۰/۰۵). شاخص انحراف معیار نیز حاکی از آن است که پراکندگی شاخص کیفیت رابطه، در دو گروه با هم متفاوت است. (انحراف معیار ۵۰۳/۰ در برابر ۶۴۲/۰). مقایسه خطای میانگین نیز حاکی از آن است که مقدار این شاخص در بین مردان کمتر از زنان است (۰/۰۵۰ در برابر ۰/۰۶۴). نتایج فوق نشان دهنده توصیف متغیر کمی در سطح نمونه مورد بررسی بود. اما برای پاسخ به این سؤال که آیا تفاوت‌های موجود بین دو گروه زنان و مردان، از حیث میانگین و انحراف معیار مشاهده شده، قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد یا خیر، باید به نتایج آزمون معناداری توجه کرده و آنها را با یکدیگر مقایسه کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

تعاملات اجتماعی از عناصر بنیادین هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. در واقع روابط و پیوندها بخشی از سرمایه اجتماعی بوده که افراد از طریق آنها به منابع و ستانده‌های گروه دسترسی می‌یابند. مهم‌ترین و روشن‌ترین یافته این پژوهش بیانگر آن است که در جامعه مورد بررسی، هم‌چون سایر گروه‌ها در ایران، خانواده مهم‌ترین سازه اجتماعی تأثیرگذار در شبکه روابط متقابل است. این امر بیانگر این است که بیشترین سرمایه اجتماعی در جامعه مورد بررسی، در حوزه خانواده (بویژه خانواده مادری) وجود دارد که بیانگر انسجام معطوف به درون است. در حالی که کمترین میزان اعتماد و

سرمایه اجتماعی، به فضای اشتغال و صحنه عمومی جامعه مربوط است که در واقع، انسجام معطوف به بیرون است. نکته بسیار جالب این که بر خلاف شنیده‌ها که همیشه حکایت از زوال خرده فرهنگ همسایه‌گری دارد، داده‌های پژوهش به روشنی نشان می‌دهد که در تمام حوزه‌های سنجش کیفیت روابط متقابل، همسایگان اگر از خانواده (بویژه خانواده پدری) نزدیک‌تر نباشند، اغلب با آنها برابر بوده، یا فاصله اندکی دارند. نتایج نشان داد که متغیر اعتماد به شبکه ارتباطی افراد در جامعه مورد مطالعه، بر حسب دسته‌بندی‌های انجام شده (خانواده، دوستان، خانواده پدری، خانواده مادری، همکاران و همسایگان) تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر دارند. بیشترین میزان اعتماد مطلوب را پاسخگویان نسبت به اعضای خانواده و نامطلوب‌ترین میزان اعتماد را نیز به همکاران داشته‌اند. این نتیجه با نظریه صمیمیت به درستی هماهنگ است که معتقد است هرچه لایه‌های ارتباطات درونی شود، میزان صمیمیت بیشتر می‌شود و چون در این لایه‌ها، اعتماد بیشتری وجود دارد، خودافشایی نیز بیشتر است و البته نظریه دانبار را نیز به خوبی تأیید می‌کند.

ویژگی‌های تعاملی (فراوانی تماس، صمیمیت رابطه) و کارکردی خانواده (حمایت‌ها) باعث می‌شود اعضای آن رابطه‌ای گرم و صمیمی با هم داشته باشند. در بین اعضای شبکه روابط، افراد با خویشاوندان نزدیک و خانواده اصلی خود بیشتر در تعامل و ارتباط هستند و کمترین ارتباط را با همکاران خود دارند. ارتباط و تعامل با نزدیکان منجر به افزایش اعتماد به دیگران نزدیک نیز می‌شود و افراد با دیگران دور در شبکه مثل همسایه و همکار، ارتباط کمتر و اعتماد کمتری دارند. بر اساس یافته‌های به دست آمده می‌توان بیان کرد که پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های پیشین مطابقت دارد. برای نمونه می‌توان به باستان اشاره کرد. همان‌طور که در نظریه صمیمیت بیان شده است، وقتی تعداد تعاملات و حضور فیزیکی افراد افزایش می‌یابد، صمیمیت بیشتر می‌شود و این به خوبی مؤید این نتیجه است که چون ارتباط با همکاران کمتر است، همدلی نیز بین آنان کمتر می‌باشد. با توجه به نظریه صمیمیت، می‌توان درک کرد که همدلی یکی از مؤلفه‌های اصلی صمیمیت است. در نظریه صمیمیت، خودافشایی برابر

صمیمیت تعریف می شود. چون اعضای خانواده با یکدیگر خودافشایی بیشتری دارند، در نتیجه اعتماد و همدلی بیشتر داشته و طبیعتاً مشارکت و هم فکری بیشتری نیز با هم خواهند داشت.

آزمون فرضیات نشان دهنده آن است که کیفیت روابط متقابل مردان و زنان تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. میانگین شاخص کیفیت رابطه در بین مردان، بیشتر از زنان است. مردان اغلب به دلیل ارتباط با محیط بیرون و تعدد روابط، با طیف وسیع تری از افراد ارتباط داشته و به همان نسبت، توان سازگای بالاتری دارند و آستانه صبر و مدارای آنها به هنگام برقراری ارتباط، بیشتر می باشد. این یافته را نتایج پژوهش باستان و صالحی هیکویی (۱۳۸۶) نیز تأیید می کند. جنسیت فی نفسه تفاوت ایجاد نمی کند، بلکه فرصت ها و موقعیت هایی که به لحاظ جنسیت در جامعه برای فرد مهیا می شود، حائز اهمیت هستند.

یکی از یافته های دیگر پژوهش این است که سطح تحصیلات افراد با کیفیت روابط متقابل در شبکه، رابطه معنادار و معکوس دارد. یعنی هر چه سطح تحصیلات بالاتر می رود، کیفیت روابط متقابل کاهش می یابد. تحصیلات از دو جهت بر شبکه روابط تأثیر می گذارد، از یک طرف، فاصله نسلی را زیاد می کند و از طرف دیگر، امکان ارتباط با تعداد افراد بیشتری را برای فرد فراهم می نماید، به گونه ای که فرد می تواند شبکه روابط خود را انتخاب نماید، نه این که به اضطرار (شبکه روابط خانوادگی اضطراری است) با افراد ارتباط داشته باشد.

پیشنهادهای کاربردی

در این پژوهش امکان سنجش بسیاری از متغیرهای دخیل در امر کیفیت روابط میسر نگردید. پیشنهاد می شود تحقیقات دیگری در آینده انجام شود و در آن متغیرهای تأثیرگذار مورد مطالعه قرار گیرند.

۱- خوشبختانه خانواده هنوز در فرهنگ ما از جایگاه و منزلت بالایی برخوردار است. آموزش والدین و زوج های جوان در خصوص نقش راهبردی خانواده در کاهش

آسیب‌های اجتماعی و افزایش اعتماد و سرمایه اجتماعی می‌تواند مانع کم‌رنگ شدن حضور خانواده در شبکه روابط فرد گردد.

۲- یافته‌ها نشان داد که فضای کاری و شغلی هنوز نتوانسته است جایگاه مناسب خود را پیدا کند و افراد روابط ناشی از همکاری را، خودی نمی‌دانند و کمترین میزان اعتماد را به آن دارند. پیشنهاد می‌شود با اجرای برنامه‌هایی میزان انعطاف‌پذیری سازمانی را افزایش داده به گونه‌ای که شکاف میان محیط خانواده و کار روزبه‌روز کمتر شود.

۳- پاسخگویان گرایش مثبت بیشتری به خانواده مادری در مقایسه با خانواده پدری داشتند و این حکایت از عدم تعادل در ارتباطات برون خانوادگی و احتمالاً یارکشی دارد. توصیه می‌شود والدین به این نکته توجه داشته باشند که هرگونه ارتباط جهت دار با خویشاوندان وابسته می‌تواند آرامش و نشاط خانواده را مختل کند.

منابع

- احمدی، سیروس (۱۳۸۸). "بررسی نوع دوستی در روابط روزمره اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن". *مجله جامعه‌شناسی/ایران*، دوره دهم، ش ۲ (تابستان): ۸۷-۱۰۸.
- اسکافی، مریم (۱۳۹۳). "اثر شبکه‌های اجتماعی بر طلاق عاطفی در شهر مشهد". رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- باستان، سوسن؛ صالحی هیکویی، مریم (۱۳۸۶). "سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران". *نامه علوم/اجتماعی*، دوره جدید، ش ۳۰ (بهار): ۶۳-۹۵.
- باستان، سوسن؛ کمالی، افسانه؛ صالحی هیکویی، مریم (۱۳۸۷). "سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی". *مجله دانشکده ادبیات و علوم/انسانی* دانشگاه خوارزمی، دوره شانزدهم، ش ۱۶ (تابستان): ۴۰-۸۱.
- باقری‌زنوز، بهارک؛ علمی، محمود (۱۳۸۸). "سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی،

نشانه‌های آسیب‌شناختی روابط اجتماعی در ایران". *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال دوم، ش ۵ (زمستان): ۱۲۵-۱۳۸.

- چلبی، مسعود (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.

- سام‌آرام، عزت‌اله، و دیگران (۱۳۸۹). "بررسی عوامل مؤثر بر میزان سرمایه اجتماعی در دانشگاه علامه طباطبائی". *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره هفدهم، ش ۵۱ (زمستان): ۳۹-۸۰.

- شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۹). *دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، ج ۲. تهران: کیهان.

- شرف‌الدین، حسین؛ علم‌الهدی، عبدالرسول؛ نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۳). "ارتباط عقیقانه در شبکه‌های اجتماعی سایبری". *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، سال پانزدهم، ش ۲۷ (پاییز): ۷-۳۵.

- صدیق‌اورعی، غلامرضا (۱۳۹۲). *مبانی جامعه‌شناسی*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

- لطافتی، رؤیا؛ زرینی، عاطفه (۱۳۹۴). "همدلی، الگوی رفتاری مؤثر در رابطه متقابل بین مدرس و زبان‌آموز". *دوماهنامه جستارهای زبانی*، دوره ششم، ش ۱، پیاپی ۲۲ (فروردین و اردیبهشت): ۲۲۹-۲۵۲.

- محمدی، افشین؛ شهیدیان، احمد (۱۳۹۰). "بررسی راهکارهای افزایش مشارکت سیاسی دانشجویان با تأکید بر شناسایی روابط میان‌فردی مؤثر در شبکه اجتماعی". *مطالعات رسانه‌ای*، سال ششم، ش ۱۴ (پاییز): ۱۰۵-۱۱۹.

- میرمحمد صادقی، میلاد (۱۳۹۰). *تحلیل شبکه‌های اجتماعی با Nodex L*. تهران: کیان رایانه.

- Hill, R. A.; Dunbar, RIM (2003). "Social network size in humans". *Human Nature*, Vol. 14, No. 1: 53-72.

-
- Mashek, Debra J.; Sherman, Michelle D. (2008). Desiring Less Closeness with Intimate Others, 343-356. handbook of Closeness and Intimacy. London: Lawrence Erlbaum Associates.
 - Olson, David H.; Defrain, John, Skogrand, Linda (2011). *Marriage and Families, Intimacy, Diversity and Strengths*. Boston: Mc Graw- Hill.
 - Reis, Harry T.; Clark, Margaret S.; Holmes, John G. (2008). Perceived Partner Responsiveness as an Organizing Construct in the Study of Intimacy and Closeness 201-225, handbook of Closeness and Intimacy. London: Lawrence Erlbaum Associates.
 - Tsvetovat, maksim; Kouznetsov, alexander (2011). *Social network analysis for startups*. United States of America: O'Reilly Media.

بازتاب اوضاع اجتماعی - فرهنگی خراسان در آثار روشنفکران قفقازی

مطالعه موردی: مجله ملانصرالدین

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۱۰

فرهاد دشتکی نیا^۱

چکیده

خراسان عصر مشروطه، یکی از ایالت‌هایی بود که اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اخبار تحولات آن در شماره‌های مختلف مجله‌ی ملانصرالدین (۱۲۸۵-۱۳۱۰ش.) در قالب‌های مختلفی چون مقاله، سرمقاله، خبر و کاریکاتور بازتاب می‌یافت. یکی از مهمترین بخش‌های مجله‌ی ملانصرالدین که داده‌های درخور اعتنایی برای مطالعه‌ی تاریخ اجتماعی و فرهنگی خراسان در دوره‌ی مشروطه دارد سفرنامه‌ای است با نام "سفرنامه‌ی خرمگس بیک" که در ده شماره‌ی مجله‌ی ملانصرالدین منتشر شده است. نوشتار حاضر، به بررسی چگونگی بازتاب وضعیت فرهنگی و اجتماعی خراسان در این سفرنامه می‌پردازد. هدف این نوشتار، بررسی داده‌های سفرنامه‌ی خرمگس بیک درباره‌ی وضعیت اجتماعی - فرهنگی خراسان در دوره‌ی مشروطه است. نویسنده‌ی سفرنامه، جلیل محمدقلی زاده (۱۲۴۴-۱۳۱۰ش.)، مدیر و سردبیر مجله‌ی ملانصرالدین و عبدالرحیم بیک حق‌وردیف (۱۲۴۹-۱۳۱۲ش.)، از نویسندگان مجله ملانصرالدین است. نتیجه‌ی بررسی نشان می‌دهد که در این سفرنامه، اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی نحوه‌ی سفر به مشهد از قفقاز و دشواری‌های آن (وضعیت راه‌ها، مشکل تذکره، مأموران مرزی و گمرکی)، سیمای فیزیکی شهرهای قوچان و مشهد، مسأله‌ی آب در این دو شهر، نهادهای اقتصادی و مؤسسات خدماتی مشهد (بازار، تلگراف‌خانه و حمام‌ها)، وضعیت بهداشتی مشهد (بهداشت آب، بهداشت حمام‌ها و بهداشت عمومی)، گروه‌های اجتماعی (معرفی اصناف، مشاغل و حرفه‌های بازار مشهد و نیز گروه‌های سربار

اجتماعی)، فرزندان مقیم مشهد و انجمن‌ها و نهادهای آنها در این شهر، مدارس دینی، طلاب و تعلیمات آنها، باورهای دینی و گاه خرافی مردم درباره‌ی برخی پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی وجود دارد و از طرفی هم باید اشاره کرد که رویکرد نویسندگان، انتقادی است.

واژگان کلیدی: مشهد، قوچان، ملانصرالدین، سفرنامه، جلیل محمدقلی زاده، قاجار

مجله ملانصرالدین نویسندگان و مندرجات آن

ملانصرالدین، هفته‌نامه‌ای مصور و طنز بود که به زبان ترکی آذربایجانی، بیست و پنج سال (۱۹۰۶-۱۹۳۱ م./ ۱۲۸۵-۱۳۱۰ ش.) در تفلیس (۴۰۰ شماره)، تبریز (هشت شماره) و باکو (۳۴۸ شماره) چاپ و منتشر می‌شد (Uygun, 2007: 58). ملانصرالدین مجله‌ای با مضمون دموکراتیک بود که هدفش بیداری جهان اسلام و مبارزه با خرافات مذهبی، مرتجعان، استبداد سلاطین، شاهزاده‌ها، خوانین، گماشتگان حکومت و استعمارگران بود (Memmedquluzade, 2002: 68). رویکرد طنزآمیز، انتقادی و زبان ساده‌ی ملانصرالدین سبب گسترش نفوذ آن در جهان اسلام و بویژه در قفقاز، جنوب روسیه، ایران، عثمانی، هند، مصر و آسیای میانه شده بود (Erol, 2011: 176). جامعه‌ی هدف ملانصرالدین جوامع مسلمان بود. مبارزه‌ای که ملانصرالدین با طنز آغاز کرده بود، گاه پرهزینه بود و مجله بارها به محاق توقیف رفت، اما جلیل محمدقلی زاده، مدیر و سردبیر مجله، کوتاه نیامد و بیست و پنج سال آن را منتشر کرد.

اجداد جلیل محمدقلی زاده از اهالی خوی در آذربایجان بودند که بر اثر بیکاری به قفقاز مهاجرت کرده و در آن‌جا ماندگار شده بودند. او متولد روستای نهرم در نخجوان و آموزش دیده‌ی مدرسه‌ی دولتی نخجوان و دارالمعلمین گوری در تفلیس بود. پیش از روزنامه‌نگاری داستان می‌نوشت و از روزنامه‌ی "شرق روس" بود که وارد دنیای روزنامه‌نگاری شد. او با کمک عمرقائق نعمان زاده، مجله ملانصرالدین را در ۱۹۰۶ م. در تفلیس تأسیس و تا آخرین شماره مجله در ۱۹۳۱ م. مدیر و سردبیر آن باقی ماند (Memmedquluzade, 2002: 88). محمدقلی زاده از نویسندگان اصلی مجله بود

و با امضاهای ملانصرالدین، خرمگس، دلقک، هردم خیال و دمدمی مزاج مطالب اش را منتشر می کرد (Askerova Izzetullakizi, 2009: 350-352). او توانسته بود جمعی از برجسته ترین نویسندگان، شاعران و کاریکاتوریست ها مانند میرزا علی اکبر طاهرزاده ی صابر (هوپ هوپ)، نریمان نریمانوف، عمرقائق نعمان زاده، محمدسعید اردوبادی، اسکار شمرنلینگ^۱، عظیم زاده و روتر^۲ را در مجله ملانصرالدین گرد هم جمع و مجله را منتشر کند (رئیس نیا و ناهید، ۱۳۴۸: ۲۰۲).

مجله ملانصرالدین از همان شماره های نخست، اخبار و تحولات ایران را در قالب های مختلف در مجله منعکس می کرد. عوامل متعددی چون رویکرد مجله در مبارزه با استبداد در سرزمین های اسلامی، پیوندهای شخصی برخی از نویسندگان مجله با ایران و حضور تعداد فراوانی از مهاجران ایرانی در قفقاز، انگیزه های کافی برای مجله ملانصرالدین ایجاد می کرد که تحولات ایران را بازتاب بدهد. در بین شهرهای ایران، آذربایجان، تهران و خراسان سه ایالتی بودند که بیش ترین اخبار ایران را در مجله ملانصرالدین به خود اختصاص داده بودند. مسافرت مسلمانان قفقاز برای زیارت حرم امام رضا (ع) زمینه ی اصلی توجه مجله ملانصرالدین به خراسان بود. خراسان به دلیل جایگاه مذهبی اش و مجله ملانصرالدین به دلیل مشی مجله که نقد سنت های دینی و عاملان دین از اولویت هایش بود، در یک نقطه که مجله بود به یکدیگر می رسیدند. از این رو بود که مسائل گوناگون خراسان و مشهد در شماره های متعدد مجله بازتاب می یافت. یکی از آن مطالبی که در ده شماره در مجله به چاپ رسید، سفرنامه ی محمدقلی زاده و حق وردیف به مشهد است که علی رغم کوتاه بودن، اطلاعات ارزشمندی را در اختیار می گذارد.

1. Oscar Shmrnlyng
2. router

سفرنامه خرمگس بیک

سفرنامه‌ای با عنوان "سفرنامه‌ی خرمگس بیک"^۱ در مجله ملانصرالدین به چاپ رسیده است. که به لحاظ روایت‌ها و گزارش‌های تفصیلی آن در بررسی‌های تاریخ مشروطه در خراسان اهمیت دارد. آغاز سفرنامه درباره‌ی چرایی سفر به خراسان است که با اسم مستعار نویسندگان و با رویکردی طنز و انتقادی همراه است. در فراز آغازین سفرنامه از یک سو، باورها و سنت‌های مذهبی در قفقاز و از سوی، جایگاه مشهد در بین این باورمندان بازتاب یافته است بدین گونه که: «ملا عمو! تعجب نکن که این نامه را از باکو برایت می‌نویسم. خودم کردم که لعنت بر خودم باد. نمی‌دانم چرا به حرف آدم عاقلی مثل مشهدی حسن گوش نکردم؟ آخر من کجا، خانه حاج سیدآقا بالا کجا؟ خلاصه کار از کار گذشته. آمده‌ام در یکی از اتاق‌های [مهمانخانه] اسلامیة زانویم را بغل کرده‌ام، با خودم می‌گویم: خدایا! در این اوضاع مغشوش ایران^۲ چه بلایی بر سرم خواهد آمد؟ یعنی می‌توانم دوباره تفلیس را ببینم؟ آخر من کجا و خراسان کجا؟ البته که خراسان جای مقدسی است. برای من هم صرفاً جایی برای روزنامه‌نگاری نخواهد بود» (محمدقلی زاده، ۱۲۸۷، شماره ۲۵: ۳). نویسنده سپس نظرگاه برخی از قفقازی‌ها را درباره‌ی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی خراسان نمایندگی می‌کند: «این را هم می‌دانم که سالانه هفت هزار و هفتصد و هفتاد و هفت قمارباز از قفقاز به آن جا می‌روند. حتی آدمی مثل لوطی قلی قره‌باغی هم به مشهد رفته و مشهدی‌قلی شده و برگشته، ولی باز هم در عروسی‌ها دست از کارهایش برنمی‌دارد. خواننده‌ی مشهور حاج حوسو^۳ هم بعد از این که از مکه برگشت، دایره و تنبکش را زمین نگذاشت و به کارش ادامه داد. فعلاً با این خیالات خودم را سرگرم و آرام می‌کنم. برای شما که فرقی نمی‌کند از ایران بنویسم یا از قفقاز. سفرنامه‌ی ایران را می‌نویسم، بعد که برگشتم سفرنامه‌ی قفقاز را آن قدر می‌نویسم که آخر خودتان بگویید، کافی است» (همان: ۶).

۱. این سفرنامه در ده شماره به چاپ رسیده است. نویسنده‌ی دو شماره از سفرنامه، مدیر مجله جلیل محمدقلی زاده است که با امضای mozalan (خرمگس) مطلب می‌نوشت و هشت شماره را حق وردیف نوشته است..

۲. به دوران استبداد صغیر در انقلاب مشروطیت اشاره دارد.

۳. مخفف حسینعلی در زبان ترکی آذربایجانی

نویسنده سپس نحوه‌ی آغاز سفر به خراسان را توضیح می‌دهد. نکته‌ی مهمی که در این بخش از سفرنامه بازتاب یافته است، مسأله ورود بدون تذکره و غیرقانونی از ایران به قفقاز و از قفقاز به ایران است که غالباً در بین ایرانیان مهاجر رایج بود. بخش عمده‌ای از مهاجران ایرانی که در جنوب روسیه و قفقاز بودند، به صورت غیررسمی و غیرقانونی مهاجرت کرده بودند (یزدانی، ۱۳۸۸: ۳۷-۳۸). در این سفرنامه، شیوه تهیه تذکره از قفقاز برای مسافرت به مشهد این گونه روایت شده است: با مشهدی حسن از حمام تسیرالوف^۱ آمدم منزل من، چایی خوردیم. بعد از خوردن چای، من خوابیدم و مشهدی حسن هم رفت خانه اش. عصر بیدار شدم، دست و رویم را شستم و رفتم بیرون. از درشکه چی پرسیدم: خانه‌ی حاج آقا بالا را می‌شناسی؟ گفت: مثل کف دستم! بفرما بشین. نشستیم. آمدم خدمت حاج آقا. راست اش حاج آقا خیلی التفات فرمودند. تا دم در پیشواز آمدند و خودشان بردند اتاق شان. بعد از احوال‌پرسی، حاج آقا رو کردند به بنده و فرمودند: ببخشید! شما را به جا نیاوردم. عرض کردم: بنده اهل تغلیس هستم. نام ام خرمگس بیک است. فرمودند: بله بله! اسم تان را شنیده‌ام. پس مشهدی خرمگس بیک شما هستید؟ دل ام هرّی ریخت، گفتم: ببخشید آقا! بنده مشهدی نیستم. فرمودند: ان شاء الله مشهدی هم می‌شوید. گفتم: من قفقاز را سیاحت می‌کنم و با همین نیت به گنجه آمده‌ام. حاج آقا فرمودند: چه بهتر، حالا که سیاحت می‌کنید، به خراسان هم سر بزنید، هم سیاحت است و هم زیارت، ایران را هم می‌بینید، خودم شما را راهی می‌کنم. خواستم چیزی بگویم که حاج آقا بلند شدند و از اتاق رفتند بیرون. بعد از چند دقیقه تشریف آوردند. پشت سرشان پسری با دو استکان چای اعلا و چند نوع مربا آمد تو. بعد از صرف چای حاج آقا فرمودند کمی از خاطرات سفرهایم برایشان تعریف کنم که خیلی به خواندن و شنیدن خاطرات و سفرنامه‌ها علاقه دارند و این که چشم‌شان ضعیف شده و نمی‌توانند مجله‌ی ملانصرالدین را مطالعه کنند. گوشه‌ای از خاطرات ام را تعریف کردم، بعد بلند شدم بروم منزل، حاج آقا اجازه ندادند و برای پلوخوری نگه‌ام داشتند. بعد از صرف پلو بلند شدم و حاج آقا تا دم در بدرقه کردند و پرسیدند: منزل تان کجاست؟

گفتم: در یکی از اتاق‌های [مسافرخانه] تهران هستم. برگشتم منزل، لباس‌هایم را عوض کردم و سر جایم دراز کشیدم. تا صبح هر کاری کردم نتوانستم بخوابم. صبح داشتم چایی می‌خوردم که در زدند. فکر کردم مشهدی حسن است، گفتم: بفرما مشهدی. در باز شد، حاج آقا بالا وارد شدند. سلام علیکم مشهدی خرمگس بیک! حاج آقا نشستند. استکانی چای خوردند و فرمودند: فردا ساعت سعد است، ان شاءالله با ماشین، ظهر راه بیفتید. گفتم: حاج آقا کار یکی دو روز نیست، من باید تذکره بگیرم و این کار هم دست کم دو هفته طول می‌کشد، فردا چطوری می‌توانم بروم؟ با این حرف‌ها می‌خواستم از دست حاج آقا در بروم که نشد. از جیب‌اش تذکره‌ای درآورد و گفت: این هم از تذکره. قیمت آن بیست منات^۱ است، ولی من به چهار منات کرایه کرده‌ام. با این تذکره برو، فقط یادت باشد هر وقت برگشتی، بیار بده به من و من هم بر می‌گردانم به صاحب‌اش. در تذکره نوشته بود: صفر پسر قلی، ساکن روستای کلاغ‌پران مازندران. تذکره را که دیدم، دیگر بهانه‌ای نداشتم. بویژه که آقا فرمودند کسی نمی‌تواند روی حرف سیدی چون من حرفی بزند، تذکره را گذاشتم جیبم، آقا تشریف بردند (همانجا).

نویسنده‌ی سفرنامه پیش از این هم، نارضایتی خودش را از وضعیت نسبتاً بی‌ثبات ایران پس از مشروطه ابراز کرده بود و در ادامه هنگام آماده شدن برای مسافرت، نارضایتی‌اش را بویژه مجدداً ابراز می‌کند و برای دور ماندن از خطر، بدین گونه متوسل به باورهای مذهبی‌اش می‌شود: «مشهدی حسن آمد، دید دارم چمدانم را می‌بندم. گفت: خیر است؟ گفتم: حرف زن! می‌روم خراسان. گفت: خانه خراب! آقا بالا پیدایت کرد؟ گفتم: بی‌زحمت، حرف زن، بله! فردا حاج آقا و مشهدی حسن آمدند. حساب سیدکوچیکه را دادم و با درشکه وسایل‌ام را بردم ایستگاه. حاج آقا در طول راه دعای سفر می‌خواند، رسیدیم ایستگاه. ساعت چهار و یازده دقیقه بود که ماشین رسید. حاج آقا بیست و پنج منات گرفت و التماس دعا کرد و برگشت شهر، مشهدی حسن تا وقتی که راه بیفتیم در ایستگاه ماند. ماشین سه بار بوق زد. با مشهدی حسن وداع کردم، سوار شدم، راه افتادیم. همان‌طور که قبلاً عرض کردم، الان در باکو و در [مهمانخانه] اسلامیة هستم، وقت

۱. واحد پول روسیه، معادل یک صد کوپک.

ندارم باکو را بگردم. ساعت ده و نیم باید سوار کشتی بشوم. ان شاء الله موقع بازگشت چند روزی می‌خواهم در باکو توقف کنم. احوالات را می‌نویسم، فعلاً خدا نگهدار. ده منات نذر بفرستید به قبر سید در قره‌باغ، تا بلکه از آزار طرفداران محمدعلی شاه در ایران در امان بمانم» (محمدقلی زاده، ۱۲۸۷، شماره ۲۷: ۶).

پس از فراهم شدن امکانات، سفر آغاز می‌شود. اولین مسأله‌ای که به درستی در سفرنامه بازتاب یافته است، مبالغی بود که بدین نحو و به بهانه‌های مختلف از سوی مأموران سرحدی دریافت می‌شد: «در عشق‌آباد یک گاری کرایه کردیم و پنج شش نفری نشستیم داخل اش، درق درق راه افتادیم. بعد از چهل ورست^۱ به باجگیران روسیه رسیدیم. در کاروانسرا اتاقی به ما دادند، شب را ماندیم. صبح تذکره را امضا کردند و راه افتادیم. ساعت دوازده به باجگیران ایران رسیدیم. مأمور کنترل تذکره آمد. تذکره‌ها را دید و امضا کرد و از هر نفر دو منات و هفتاد و دو کوپک "مالیات گام‌گذاری"^۲ گرفت. بعد مأمور گمرک آمد و وسایل مان را کنترل کرد، حرکت کردیم» (همان، شماره ۲۸: ۶).

بعد از ورود به خاک ایران، نخستین مسأله‌ای که با آن مواجه می‌شوند، وضعیت راه‌های نامطلوب، نحوه نگهداری از آنها و هم‌چنین پیش‌بینی نویسنده درباره‌ی راه‌ها است. این فراز از سفرنامه، گویای بخشی از دشواری‌های سفر مسلمانان قفقاز به خراسان هم است که این‌گونه بیان شده است: «روز سوم سفر بود که به قوچان رسیدیم. چند جا گاریچی، گاری را نگه داشت تا پیاده برویم، چون راه خراب بود و گاری پیش نمی‌رفت. اگرچه از هیجده سال پیش ملک‌التجار یک میلیون خرج کرده و تا مشهد راه عراده رویی درست کرده و بابت آن از هر گاری و عراده‌ای برای هر نوبت، ده قران عوارض می‌گیرد، اما بر اثر سیل و برف و باران، راه ریخت خودش را از دست داده و نیاز به تعمیر اساسی دارد. اگر در دو سال آینده این راه را تعمیر نکنند، دیگر چرخ و گاری و درشکه نمی‌تواند از این راه عبور کند» (همانجا).

اولین شهری که نویسنده واردش می‌شود، قوچان است. سیمای قوچان، ترکیب قومی

۱. واحد طول روسی برابر با ۱/۰۶۸۸ کیلومتر

۲. مالیاتی که حاکم منطقه برای ورود به خاک منطقه‌ی حکومتش می‌گرفت.

و وضعیت عمومی اقتصادی شهر و تأثیر زلزله بر مقدرات شهر، مسائلی است که توجه نویسنده را جلب کرده است و این گونه اظهار می کند: «شهر قوچان بعد از زلزله^۱ در بیست - بیست و پنج ورستی شهر قدیم بنا شده است. کوچه ها عریض و با نقشه ساخته شده اند، اما چون سنگفرش نیستند، پر از گل و لای و تردد در آن ها مشکل است. مغازه های شهر حقیر، وسایل شان کم و اهالی عموماً فقیر هستند. چند نفر ارمنی هم در شهر زندگی می کنند. آن ها پنبه و پشم و پوست می خرنند و قند و بعضی از اجناس روسی می فروشند» (همان، شماره ۲۸: ۳).

بعد از قوچان، دوباره وضعیت نامطلوب راه های خراسان و منزل های بین قوچان و دیگر شهرهای خراسان در دهه های پایانی عصر قاجار، نویسنده را وادار به توصیف می کند و می نویسد: «فردای آن روز، باز هم سوار گاری شدیم و روز ششم سفر به مشهد مقدس نزدیک شدیم. از قوچان تا مشهد انگار راهی در میان نبود. گاری مدام از جایی که اسم اش راه بود خارج می شد. گاه به چپ می رفت، گاهی به راست. هر ساعت یک بار گاری در گل و لای گیر می کرد. مسافران خواه ناخواه پیاده می شدند و بارهایشان را به دوش می کشیدند و به راه می افتادند. شش تا اسب می آوردند، می بستند به گاری و با هزار مصیبت گاری را از گل در می آوردند. دوباره بارها را در گاری می گذاشتند و راه می افتادیم. در منزل های بین راه از استراحت خبری نبود. اتاق ها همه کثیف و نمناک بودند. کک و کنه و ساس و مگس، خواب را به چشم مسافران بیچاره حرام می کردند» (همانجا).

در مسیر حرکت از قوچان به مشهد، برخی از باورهای مؤمنان درباره ی زیارت امام رضا (ع)، بدین نحو بازتاب یافته است: «گاریچی ما، مرد چهل ساله و ساده دلی بود. روزی در کنار جاده، سنگ های گردی را نشان ام داد و با آه گفت: این سنگ ها را می بینی؟ گفتیم: بله! می بینم. باز آهی کشید و بنده خدا این بار شروع کرد آرام آرام، اشک ریختن. راست اش فکر کردم در گذشته برادر یا یکی از نزدیکان این مرد را این جا کشته اند. اشک اش را که پاک می کرد گفت: می دانی این سنگ ها کجا می روند؟ گفتیم:

۱. منظور زلزله های پیاپی قوچان در سال های ۱۲۷۲ و ۱۲۷۳ شمسی است که خسارت های فراوانی بر جای گذاشت.

نه! نمی دانم. گفت: این سنگ ها به زیارت امام رضا (ع) می روند. گفتم: فکر نمی کنم این گونه بوده باشد، سنگ که نمی تواند راه برود. همین که این را گفتم، گاریچی با عصبانیت و تعجب نگاهم کرد و هیچ نگفت. دید که از هیچ احمقی چنین حرفی نشنیده است» (همان: ۶).

در ادامه، یکی از حکایت های رایج در میان مردم بازگو می شود و در این بازگویی، ناصرالدین شاه قاجار هم از طعنه ی نویسندۀ در امان نمی ماند، آن جا که می نویسد: «بیست - بیست و پنج ورست مانده بود به مشهد مقدس برسیم. گاریچی باز هم دست اش را دراز کرد و جایی را نشان داد که دار و درخت بود و گفت: آن درخت ها را می بینید؟ آن جا چشمه ای است که چشمه ی گیلان می گویند. سرچشمه ی آن معلوم نیست کجاست؟ و در آن جا اسب آبی زندگی می کند. اکنون در خراسان اسب هایی هستند که از نسل همان اسب ها هستند. مرحوم ناصرالدین شاه موقع بازگشت به تهران، آمد کنار چشمه و فرمود یک نفر برود زیر آب و خبری از آن زیر بیاورد. دو سرباز لباس هایشان را در آوردند و پریدند توی آب. یک روز گذشت، خبری نشد. درویشی آمد و گفت: سلطان به سلامت باشد، اگر اجازه بفرمائید بنده بروم داخل آب و از سربازان خبری بیاورم. شاه اجازه داد. درویش لباس هایش را درآورد و رفت داخل آب. روز بعد دیدند که درویش جنازه های سربازان را بیرون می آورد. درویش به شاه گفت: قربانت شوم. همین که رفتم زیر آب، شنا کردم، خیلی شنا کردم، شاید اندازه ی صدسال شنا کردم، در نهایت دیدم سربازان در صخره ای گیر کرده اند و جان به جان آفرین تسلیم کرده اند. ناصرالدین شاه با دیدن جنازه ی سربازان با دو دست اش به زانویش می زند و می گوید: آخ! سربازان بدبخت من. حتماً در سرچشمه از بی آبی تلف شده اند، آخ! آه! درویش جواب می دهد که سلطان به سلامت باد! خیر! سربازان خفه شده اند. شاه کمی فکر می کند و می بیند که بله، سربازان خفه شده اند» (همانجا).

بعد از طی مسیر، نویسندۀ وارد مشهد می شود. نخستین مسأله ای که در مشهد به آن می پردازد، وضعیت بهداشتی حمام ها و آب مشهد است که بدین گونه توصیف می کند: «خداوند همه ی بندگان مؤمن اش را عاقبت به خیر کند. ما عاقبت به خیر

شدیم. دویست و پنجاه ورست راه را در شش روز طی کردیم و بعد از تحمل هفتاد و دو هزار بدبختی و مصیبت، وارد مشهد مقدس شدیم. قبل از زیارت، باید حتماً به حمام می‌رفتم. غروب رفتم حمام، رخت‌هایم را در آوردم و رفتم داخل، تاریک بود، کسی در حمام نبود. دلاک چراغ پیه‌سوزی آورد و روشن کرد. نور چراغ فقط سه قدم جلوی پا را روشن می‌کرد. اگر بخواهم درباره‌ی حمام‌های خراسان به تفصیل بنویسم، خواننده گمان خواهد کرد که سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیک را می‌خواند، چون هرچه درباره‌ی حمام‌ها بنویسم، همانی خواهد شد که ابراهیم بیک نوشته است. همین قدر بنویسم که نتوانستم با آب گرم حمام کنم. چون آب گرم تمیز نبود. خواستم بروم داخل خزینه که از بوی گند خزینه، نتوانستم داخل شوم. معلوم بود که صدها نفر رفته‌اند داخل خزینه و چرک‌های خودشان را در آن جا شسته‌اند. از حرف‌های دلاک هم می‌شد فهمید که تمام بیماران، کچل‌ها و زخم و زیلی‌ها و دمل‌دارها همه در این خزینه خودشان را شست‌وشو می‌دهند. خدا شاهد است، همین که به پاگرد خزینه رسیدم، چنان بوی گندی بیرون زد که گمان کردم مستراح است. از دلاک پرسیدم حوض آب سرد کجاست؟ نشان‌ام داد. گفتم شاید در آب سرد حمام نکرده باشند و غسلی نریخته باشند. به هر صورت، در حوض آب سرد حمام کردم و آدمم بیرون». (همان، شماره ۲۹: ۶).

روایت نویسنده از حرم امام رضا (ع)، کوتاه و انتقادی است. او در این بخش علاوه بر آداب زیارت به عملکرد خدام حرم هم، بدین صورت توجه دارد: «صبح رفتم زیارت امام رضا (ع). صحن حرم پر از زائر بود. عده‌ای زیارت می‌کردند، عده‌ای مناجات و عده‌ای دیگر نماز می‌خواندند. صحن حرم و ایوان‌ها و داخل حرم با برق روشن شده بود. چلچراغ‌ها و شمع‌دان‌ها پر از شمع‌های روشن بود. از یک سو، زائران شمع روشن می‌کردند و در شمع‌دان‌ها می‌گذاشتند، از سویی دیگر، خدام شمع‌ها را خاموش می‌کردند و جمع‌شان می‌کردند. راست‌اش با دیدن این کار خیلی تعجب کردم، چون احتیاجی به شمع نبود و برق همه جا را روشن کرده بود و اگر هم به شمع نیاز بود، معلوم نبود چرا خدام بی‌درنگ شمع‌ها را فوت می‌کنند و جمع می‌کنند و نمی‌گذارند

شمع‌ها بسوزند. نفهمیدم ماجرا چیست؟» (همانجا).

یک از فرازهای مهم سفرنامه، توصیف نهادها و مؤسسات خارجی و هم چنین انجمن‌های شهر است. او در مسیر رفتن به تلگراف خانه، برخی مؤسسات و نهادهای مستقر در شهر را می‌بیند و توصیف می‌کند. نگاه انتقادی نویسنده به حضور عناصر خارجی در قالب برخی مؤسسات در مشهد عصر مشروطه، در این بخش از سفرنامه نمود یافته است. به طوری که وضعیت تلگراف خانه مشهد هم از تیررس نقد نویسنده خارج نمی‌شود: «بعد از زیارت رفته تلگرافی بزنم. در کوچه در سردر خانه‌ای تابلویی دیدم که رویش نوشته بود: حکیم دندان‌ساز. رفته جلوتر تابلوی دیگری دیدم که رویش نوشته بود: انجمن مذهبی روسیه. متوجه شدم غیر از این انجمن، انجمن‌های دیگری مانند انجمن امید، انجمن عطارد قفقاز و بانک روسی و بانک شاهنشاهی هم در این شهر هستند که هر کدام یکی از رگ‌های ایران را گرفته‌اند و خون‌اش را می‌مکند. دیوارها و تابلوها را نگاه می‌کردم و می‌رفتم و به دنبال تلگراف خانه می‌گشتم. سمت راست دالان بزرگی دیدم، از یکی از دیوارهای دالان پنج تفنگ آویزان کرده بودند. تفنگ‌ها متعلق به دوره نادرشاه بودند. لوله‌هایشان سیاه سیاه شده بود. هر کدام دست کم نیم پود^۱ وزن‌شان بود. از سربازان آدرس تلگراف خانه را پرسیدم. گفتند: همین جاست. از دالان گذشتم و وارد حیاط بزرگی شدم. سیم‌های تلگراف به داخل اتاقی رفته بود. سیم‌ها را دنبال کردم، از پله‌ها بالا رفتم و وارد اتاقی شدم. در اتاق دو میز گذاشته بودند که نصف اتاق را گرفته بود. روی میزها دو آپارات تلگراف بود. یک نفر روی کرسی نشسته بود و مشغول تلگراف زدن بود. کف اتاق نمدی انداخته بودند پر از خاک و خل. هفته‌ها بود زباله‌ها را جارو نکرده بودند. کنار پنجره یک نفر با لباس نظامی و با کلاهی ماهوتی و موهایی حنایی که از زیر کلاه بیرون زده بود، نشسته بود. دور و برش پر از کاغذ و نامه و پاکت بود و داشت نامه می‌نوشت. بعد از سلام، برای نوشتن تلگراف کاغذ خواستم. همان آدم کاغذها را زیر و رو کرد، ولی نتوانست کاغذی سفید پیدا کند و در نهایت، با قیچی حاشیه‌های پاکتی را برید و داد دست‌ام. تلگراف را نوشتم، تحویل دادم و رسید گرفتم»

۱. واحد وزن روسی برابر با حدود ۱۶ کیلوگرم

(همان، شماره ۳۰: ۶).

ریخت شهری مشهد، نحوه تأمین آب آن، بازار، اصناف و برخی باورهای مردم مشهد، بخش مهمی از سفرنامه را شامل می شود که نویسنده بدین گونه آورده است: «مشهد مقدس، شهری بزرگ است که در درون قلعه ای با باروهایی بلند و خندق هایی عمیق قرار دارد. از دروازه ی شمالی قلعه، خیابانی عریض شروع می شود و تا ورودی شهر ادامه می یابد. این خیابان، شهر را به دو بخش تقسیم می کند. در میانه های این خیابان، آبی به اندازه ی سه سنگ آسیاب همیشه جاری است. صحن مبارک که به آن صحن عتیق هم گفته می شود در عصر مرحوم شاه عباس کبیر در میانه های این خیابان بنا شده است، برای همین، این خیابان را "خیابان بالا" و "خیابان پائین" نام گذاری کرده اند. در نزدیکی صحن مبارک در همان خیابان، بازارها و مغازه ها قرار دارد، اما مغازه داران اجناس را بیرون مغازه ها چیده اند. عطاری ها ده - بیست کله قند روسی را در کاغذ پیچیده اند و در طرف راست و چپ مغازه چیده اند و اجناسی مانند چند نوع تنباکو، چند نوع چای، زنجبیل، دارچین و اجناسی مانند این ها را می فروشند. علاف ها و بقال ها هم کشمش، نخود، خرما، برنج، روغن و پنیر و سایر اقلام شان را می فروشند. مسگرها، آهنگرها، سراج ها، کوزه فروش ها و پالان دوزها، مغازه هایشان را خالی کرده اند در پیاده رو و راه مردم را بسته اند و کالاهایشان را می فروشند. بزازها، خرازی ها، بلورفروشان و صراف ها داخل و بیرون مغازه هایشان را در چهارسوق سرپوشیده، با کالاهایشان تزئین کرده اند. در یکی از چهارسوق ها، کاروانسرای است که حجره ها، انجمن و انبارهای تجار معتبر در آن جا قرار دارد. روزی در آن جا از تاجری نخجوانی پرسیدم: چرا کاغذ این کله قندها را باز می کنید و می گذارید جلوی مغازه تا گرد و خاک بگیرد؟ می بینی که مگس و پشه و زنبور رویش می نشیند و سیاه و کثیف اش می کند. مگر در کاغذ بیچید نمی خرنند؟ حاجی جواب داد: عزیزم! این جا قند اگر سیاه نباشد نمی خرنند. گفتم: پدریامرزا! چه می گویی؟ چه کسی قند سفید و تمیز را می گذارد و قند سیاه و کثیف می خرد؟ مردم مگر چشم ندارند؟ حاجی گفت: خلاف عرض نکردم. یک ساعت این جا تشریف داشته باشید، مشتری بیاید، آن وقت متوجه خواهید شد که بنده راست می گویم. چند دقیقه

بعد مردی آمد، سلام داد و یک گروانکه^۱ قند خواست. حاجی برای این که مشتری را امتحان کند، دست اش را برد طرف قندی که در کاغذ پیچیده شده بود. مشتری همین که دید می خواهد از قند کاغذ پیچ شده بدهد، گفت: نه! نه! از آن نمی خواهم. با دست اش قندهای سیاه را نشان داد و گفت از این ها می خواهم. خیلی تعجب کردم و از مشتری پرسیدم: چرا به جای قند سفید و تمیز، قند سیاه و کثیف می خواهی؟ مشتری جواب داد: قند سیاه و کثیف از قند سفید و تمیز شیرین تر است. از حرف های عطار متوجه شدم کسی این جا از طعم چای هم خبر ندارد. برای همین، مغازه داران چای را فله ای در گونی ها ریخته اند و در کنار گونی های دارچین و زنجبیل چیده اند» (همان: ۷).

نویسنده ی سفرنامه دوباره با نگاه انتقادی به حرم امام رضا (ع) باز می گردد و مسأله بهداشت آب را بدین نحو، مورد توجه قرار می دهد: «مرحوم نادرشاه در وسط صحن عتیق سقاخانه ای مطلاً بنا کرده است. سقاخانه شش ستون دارد. در وسط این سقاخانه حوضی از سنگ مرمر تراش خورده به ارتفاع حدود یک و نیم متر ساخته شده است. در اطراف حوض محفظه هایی به عنوان جای ظرف آبخوری درست کرده اند. ظرف های مسی را با زنجیرهایی به ستون بسته اند تا کاسه ها را ندرزند. کسانی که می خواهند آب بخورند، با ظرف ها از حوض آب برمی دارند، می خورند و بقیه ی آب را دوباره داخل حوض می ریزند. در کنار حوض، سکویی هم اندازه ی حوض قرار دارد که روی آن مردی با ملاقه ای مسی در دست نشسته است. وقتی آب حوض کم می شود با ملاقه از حوض آب بر می دارد و می ریزد داخل ظرف ها، تا خلق الله آب بخورند. نزدیک تر رفتم و به آن آدمی که روی سکو نشسته بود گفتم: نمی شود روی این حوض را بپوشانید و در پائین حوض لوله هایی قرار دهید تا مردم از آن جا آب بخورند و شما هم این جا معطل نشوید و بروید به کارتان برسید؟ جواب داد: من اگر این جا آب ندهم به من مواجب نمی دهند. گفتم: اگر این طور است پس در همین کنار، روی صندلی بنشین و اولاً، اجازه نده ظرف های مسی را بدزدند ثانیاً، اجازه نده آب دهنی را دوباره به حوض بریزند،

۱. واحد وزن روسی معادل حدود ۴۰۰ گرم که برای وزن قند و چای استفاده می شد.

چون برخی از این‌ها که آب می‌خورند مریض هستند و برخی دیگرشان زخم‌های خطرناکی دارند، خلق الله را مریض می‌کنند. جواب داد: این‌ها مسأله‌ی مهمی نیست، تمام مسلمانان پاکند. گفتم: سلامت باشید» (همان، شماره ۳۱: ۶).

آبی که از خیابان جاری می‌شود به دو شاخه تقسیم می‌شود و به اطراف سقاخانه می‌رود. در چهار طرف سقاخانه چهار حوض قرار دارد که ظرفیت هر حوض پانزده الی بیست کور^۱ است. این حوض‌ها را با آب جاری پر می‌کنند تا تصفیه شود. صدها نفر در این حوض‌ها دست و صورت و پاهای خودشان را می‌شویند. با صدای بلند فین می‌کنند و آب بینی را پرت می‌کنند داخل حوض. یکی دستمال‌اش را می‌شوید و دیگری کاهویش را آب می‌کشد. چای فروش‌ها استکان‌هایشان را می‌شویند و قلیان فروش‌ها آب قلیان‌شان را تازه می‌کنند. این‌ها را دیدم، به فکر فرو رفتم. به یکی گفتم: برادران مسلمان! آخر این آب نیست که با آن وضو می‌گیرید؟ یکی گفت: اگر آب نیست، پس چه هست؟ گفتم: اگر آب است، یک مشت از آن بخور ببینم. بیچاره وقتی دید خوردنی نیست، ساکت شد. گفتم: اگر آبی خوردنی نباشد، دست‌ات که به آن خورد، باید دست‌ات را با آب تمیز آب بکشی. بوی گند این آب را نمی‌شنوید؟ آبی که رنگ‌اش تغییر کرده و بو می‌دهد، آب نیست، قاذورات است. حرف‌هایی که من به مردم گفتم، حرف‌هایی بود که باید به بچه‌ی سه ساله گفته شود نه این‌ها» (همان، شماره ۳۲: ۶-۷).

بخش پایانی سفرنامه درباره‌ی تحصیلات علوم دینی در مشهد است. نویسنده در این بخش در قالب گفتگو، بخشی از وضعیت دروس طلاب علوم دینی و نگرش‌شان به دانش‌ها و علوم جدید را بیان می‌کند. داده‌هایی که درباره‌ی تعداد طلاب و مدارس و مساجد ارائه می‌کند بسیار ارزشمند است که بدین صورت آمده است: «در مشهد سه هزار نفر طلبه و روحانی و مدرس و بیش از بیست مدرسه وجود دارد. هر مدرسه موقوفه‌ای و هر موقوفه متولی‌ای دارد. در این شهر تعداد زیادی درویش، نقال، دعانویس، جن‌گیر و رمال هم وجود دارد. در صحن هر چند قدم، یک نفر را می‌بینی که پوستی پشمی زیرش انداخته و جلوی کتاب و کاغذ و قلمدانی گذاشته و پنج - شش نفر را دور

۱. مقدار آبی که طول و عرض و ارتفاع ظرف پر آن، هر یک سه وجب و نیم باشد.

خودش جمع کرده و سر کتاب باز می کند و دعا می نویسد. از منزل تا صحن حرم در راه دست کم پنجاه درویش را می بینی که به هزار کلک مردم را تلکه می کنند. علاوه بر این ها، گدا هم خیلی زیاد است» (همان، شماره ۳۵: ۶). «دوستی دارم که بیش از سی سال است در مشهد تحصیل علم می کند. چند سالی هم در نجف اشرف تحصیل کرد. ایشان عالمی بسیار متقی و اخلاق مدار است. می خواستم با ایشان دیداری تازه کنم، پرس و جو کردم. گفتند: در مدرسه ی شاهرودی خان است. رفتم وارد مدرسه شدم. این مدرسه دو طبقه و مدرسه ای بسیار عالی است. در دو طرف مدرسه، دو مسجد بنا شده است: مدرسه ی تابستانی و مدرسه ی زمستانی. جلوی مدرسه، طلبه ای روی سکو نشسته بود و مطالعه می کرد. رفتم کنار طلبه، سلام دادم و آدرس اتاق حاج علی آقا را پرسیدم. گفت: ایشان رفته اند بازار و به زودی بر می گردند. نشستم روی سکو و پرسیدم: چه کتابی مطالعه می کنید؟ گفت: المطول. پرسیدم: شما چه علومی تحصیل می کنید؟ گفت: فقه و اصول. گفتم: دیگر؟ گفت: بیان، منطق. گفتم: دیگر؟ گفت: مگر علم دیگری هست که بخوانیم؟ گفتم: مثلاً علم هندسه، معدن، گیاهان، حیوانات، حکمت طبیعی، جغرافیا، علم طبقات العراض، نجوم. گفت: ما مگر می خواهیم منجم شویم که نجوم بخوانیم؟ این را که گفت یادِ خاطره ای افتادم. چند سال پیش برای زیارت و سیاحت به نجف اشرف مشرف شدم»^۱ (همان، شماره ۳۶: ۶).

نتیجه

مشهد در عصر قاجار، یکی از مقاصد سفر شیعیان قفقاز بود که سالانه برای زیارت حرم امام رضا(ع) به آن شهر می رفتند. مسافرت زائران قفقازی به مشهد گاه مورد انتقاد گروهی از روشنفکران قفقاز قرار می گرفت که رویکردی انتقادی به آئین های مذهبی داشتند. مجله ی ملانصرالدین یکی از نشریاتی بود که در همه ی شماره هایش این دیدگاه را منعکس می کرد و از این رو، مشهد و تحولات و اخبار آن را بازتاب می داد. از مهم ترین مطالب منتشر شده در مجله ملانصرالدین، سفرنامه ای است که سردبیر

۱. سفرنامه در این جا پایان یافته و در شماره های بعدی مجله، ادامه نمی یابد.

و یکی از نویسندگان آن شرح مسافرتش به مشهد را نوشته است. در این سفرنامه که در ده شماره از مجله ملانصرالدین منتشر شده، نویسنده با رویکردی انتقادی درباره‌ی نحوه‌ی مسافرت از قفقاز به مشهد، دشواری‌های مسافرت، وضعیت راه‌ها، وضعیت عمومی شهرهای قوچان و مشهد، سیمای شهرهای خراسان، اصناف و گروه‌ها، وضعیت آب و بهداشت شهری و حضور عناصر خارجی در مشهد، اطلاعات ارزشمندی به دست می‌دهد. اهمیت سفرنامه‌ی مندرج در مجله ملانصرالدین، علاوه بر ارائه‌ی داده‌هایی پرجزئیات درباره‌ی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهر مشهد در دوران مشروطیت، نمایاندن نگرش گروهی از روشنفکران قفقازی عصر مشروطه، به شهرهای مذهبی ایران است.

منابع

- رئیس‌نیا، رحیم؛ ناهید، عبدالحسین (۱۳۴۸). *دو مبارز جنبش مشروطه*. تبریز: ابن سینا.
- محمدقلی زاده، جلیل (۱۲۸۷). "سفرنامه‌ی خرمگس بیک". *مجله‌ی ملانصرالدین*، ش ۲۵، ۲ تیر: ۳ و ۶.
- ----- (۱۲۸۷). "سفرنامه‌ی خرمگس بیک". *مجله‌ی ملانصرالدین*، ش ۲۷، ۱۶ تیر: ۶.
- ----- (۱۲۸۷). "سفرنامه‌ی خرمگس بیک". *مجله‌ی ملانصرالدین*، ش ۲۸، ۲۳ تیر: ۶.
- ----- (۱۲۸۷). "سفرنامه‌ی خرمگس بیک". *مجله‌ی ملانصرالدین*، ش ۲۹، ۳۰ تیر: ۶.
- ----- (۱۲۸۷). "سفرنامه‌ی خرمگس بیک". *مجله‌ی ملانصرالدین*، ش ۳۰، ۶ مرداد: ۶-۷.
- ----- (۱۲۸۷). "سفرنامه‌ی خرمگس بیک". *مجله‌ی ملانصرالدین*، ش ۳۱، ۱۳ مرداد: ۶.

- ----- (۱۲۸۷). "سفرنامه ی خرمگس بیک". *مجله ی ملانصرالدین*، ش ۳۲، ۲۰ مرداد: ۶-۷.

- ----- (۱۲۸۷). "سفرنامه ی خرمگس بیک". *مجله ی ملانصرالدین*، ش ۳۳، ۲۷ مرداد: ۶.

- ----- (۱۲۸۷). "سفرنامه ی خرمگس بیک". *مجله ی ملانصرالدین*، ش ۳۵، ۱۰ شهریور: ۷.

- ----- (۱۲۸۷). "سفرنامه ی خرمگس بیک". *مجله ی ملانصرالدین*، ش ۳۶، ۱۷ شهریور: ۶.

- یزدانی، سهراب (۱۳۸۸). *مجاهدان*. تهران: نشر نی.

- Askerova Izzetullahkizi, Ganira (2009). *Molla nasrettin, de celil memmedkuluzade, ye masus mahalsalar*. Ankara: uluslararası sosyal arastirmalar Dergesi, cilt 2.

- Erol, Ali (2011). "Modern Azerbaycan Edebiyatının kurulusu yillarında turkce meselesi, Ankara". *Turkis studies international periodical for the languages literature and history of Turkish or Turkic*, vol. 6, No. 1: 368-383.

- Memmedquluzade, celil (2002). *Eserleri, Dord cildde, IV cild, baki, onder nesriyyat*.

- Uygur, Erdogan (2007). *Fuyuzat ve molla nasreddin dergilerinde Edebi dil tartismalari modern turkclk arastirmalari dergesi*. Ankara: cilt 4.

سنجش توسعه در مناطق روستایی با تأکید بر برخی شاخص های اجتماعی

- فرهنگی مورد مطالعه: شهرستان های استان خراسان رضوی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۱

یعقوب زارعی^۱

چکیده

عدم توجه لازم به مناطق روستایی طی دهه های اخیر که موجب ایجاد عدم تعادل فضایی و یک سو شدن جریان خدمات، سرمایه و جمعیت به سمت کانون های شهری گردیده است، ضمن روبه رو ساختن سکونتگاه های روستایی با دامنه ی حداکثری از فقر و نابرابری، ضرورت برنامه ریزی و آمایش فضا در مناطق روستایی را بیش از پیش ایجاب نموده است. از همین رو، پژوهش حاضر نیز که با هدف سنجش توسعه روستایی در شهرستان های استان خراسان رضوی انجام گردید، یک پژوهش کاربردی است که با بهره گیری از روش های تصمیم گیری چندشاخصه فازی به انجام رسیده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه ای و ابزار جمع آوری با توجه به اهداف پژوهش مبتنی بر داده ها و اطلاعات رایج، آمارنامه سرشماری عمومی نفوس و مسکن (بویژه سالنامه آماری سال ۱۳۹۰ استان خراسان رضوی) بوده است. جامعه آماری پژوهش، کل دهستان های شهرستان های استان خراسان رضوی بوده است که جهت سنجش سطح توسعه آنها، ۴۸ مؤلفه در قالب شاخص های توسعه از آمارنامه رسمی استان خراسان رضوی استخراج و با استفاده از روش فازی ویکور مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل یافته های پژوهش ضمن ترسیم یک فضای منطقه ای نابرابر در مناطق روستایی استان و تخصیص ناعادلانه امکانات و خدمات روستایی، نشان داد که در مجموع شاخص ها، شهرستان های رشتخوار، خلیل آباد و کاشمر دارای بالاترین

۱. دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، ایران.

میزان توسعه و شهرستان های بجزستان، سرخس و مه ولایت، پایین ترین میزان توسعه روستایی را دارا بوده اند. در پایان نیز جهت رفع عدم تعادل منطقه ای و برقراری عدالت اجتماعی در مناطق روستایی استان خراسان رضوی، پیشنهاداتی کاربردی ارائه گردید. **واژگان کلیدی:** توسعه روستایی، خراسان رضوی، شاخص های اجتماعی- فرهنگی، ویکور فازی

مقدمه

به منظور شناخت تفاوت سطح توسعه ی نواحی، لازم است ابتدا وضعیت موجود منطقه بررسی شود تا بتوان بر این اساس در جهت کاهش یا از میان بردن تفاوت هایی اقدام به برنامه ریزی کرد (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۵: ۲۱۵). در این میان بروز نابرابری و عدم توجه به روستاها طی دهه های اخیر که موجب ضعف و تسریع روند نابودی این کانون های سکونتگاهی و ایجاد عدم تعادل فضایی درون ناحیه و یک سو شدن جریان خدمات، سرمایه، اطلاعات و جمعیت به سمت کانون های شهری گردیده است، ضمن روبه رو ساختن سکونتگاه های روستایی با دامنه ی حداکثری از فقر، نابرابری و عقب ماندگی مضاعف در قیاس با دیگر مراکز جمعیتی کشور (شکور و شمس الدینی، ۱۳۹۱: ۶۴)، ضرورت برنامه ریزی و آمایش فضا در مناطق روستایی را بیش از پیش ایجاب نموده است. در همین راستا، اهمیت شناخت و تحلیل علمی نابرابری ها و شکاف های منطقه ای، برنامه ریزان را بر آن داشته که روش ها و روش هایی را ابداع کنند تا از طریق تعیین درجه ی توسعه یافتگی مناطق بتوانند به تفاوت های منطقه ای دست یابند. یکی از مقبول ترین رهیافت برای تصمیم گیری های پیچیده ی توسعه در سطح مناطق، معطوف شدن به روش های تصمیم گیری چندمعیاره است (سلطان پناه، فاروقی و گلابی، ۱۳۸۹: ۱۰). با وجود آثار متعدد در حوزه نابرابری فضایی، با عنایت به اهمیت رعایت عدالت فضایی در توزیع خدمات روستایی و کمبود مطالعاتی که با استفاده از روش های نوین تصمیم گیری در حوزه روستایی و بویژه منطقه مورد مطالعه وجود دارد، مطالعه ی حاضر با رویکردی متمایز نسبت به سایر مطالعات (از قبیل بهره گیری از روش

نوین چندشاخصه وایکور فازی در تحلیل داده ها و انتخاب منطقه ای همگن) تلاش دارد تا ضمن سنجش میزان برخورداری شهرستان های مورد مطالعه، به تبیین سطح توسعه آنها پرداخته و سپس با توجه به میزان محرومیت مناطق، نسبت به اولویت بندی آنها جهت برنامه ریزی و رفع محرومیت اقدام نماید. از همین رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی و تبیین میزان توسعه سکونتگاه های روستایی شهرستان های استان خراسان رضوی با تأکید بر مطالعه برخی شاخص های اجتماعی- فرهنگی، اهتمام دارد تا با به کارگیری روش های نوین تصمیم گیری چندمعیاره ی فازی و تبیین دقیق توسعه در مناطق مورد مطالعه، زمینه آگاه سازی مسؤولان و توجه بیشتر برنامه ریزان به مناطق محروم را فراهم سازد.

پیشینه تحقیق

در راستای سنجش توزیع فضایی امکانات و خدمات توسعه اگرچه مطالعات داخلی و خارجی متعددی انجام پذیرفته است، اما مقالاتی که با هدف تبیین شکاف منطقه ای در نقاط روستایی استان خراسان کار شده باشند یا محدودند یا وجود ندارند و غالب مطالعات در راستای سنجش توسعه شهرستان های استان به کار گرفته شده است که از جمله آنها می توان به مطالعات زیاری، زنجیرچی و سرخ کمال (۱۳۸۹) با هدف بررسی و رتبه بندی درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان خراسان رضوی؛ رهنما و آقاجانی (۱۳۹۱) با هدف تحلیل نابرابری های فضایی در استان خراسان رضوی و مشکینی و معزز برآبادی (۱۳۹۵) در خصوص رتبه بندی شهرستان های استان خراسان رضوی از نظر شاخص های توسعه یافتگی نام برد که آن هم با استفاده از روش های رایج و مرسوم انجام شده اند.

از این رو، به چند دلیل پژوهش حاضر متفاوت و برای اولین بار ارائه شده است. به طوری که باید گفت که اولاً تاکنون کمتر مطالعه ای در استان خراسان رضوی جهت سطح بندی با در نظر گرفتن کل مناطق روستایی استان به صورت مبسوط انجام شده است و این امر برای نخستین بار صورت می گیرد، ثانیاً هیچ مطالعه ای در حوزه روستایی

یافت نمی‌شود که از روش‌های تصمیم‌گیری فازی بویژه ویکور^۱ فازی بهره‌گیری نموده باشد. ثالثاً این بررسی صرفاً به ابعاد اجتماعی- فرهنگی آن پرداخته است. با عنایت به نو بودن این پژوهش در سطح استان خراسان رضوی، لذا در ادامه سعی می‌شود تا چند مورد از مطالعات موازی و مرتبط با موضوع مورد پژوهش اعم از داخلی (انجام شده در استان و سایر استان‌ها) و خارجی ذکر شود.

به عنوان نمونه، سنجش میزان توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان مریوان (کردوانی و شریفی، ۱۳۹۱)، سنجش سطوح توسعه روستایی دهستان‌های شهرستان روانسر (بهرامی، ۱۳۹۲)، سنجش و اولویت‌بندی مناطق روستایی شهرستان پارس‌آباد (حیدری ساربان، ۱۳۹۳)، تحلیل فضایی توسعه دهستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی (متقی، ربیعی و قره‌بیگی، ۱۳۹۴) و تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه در مناطق روستایی شهرستان دشتستان (زارعی و دیگران، ۱۳۹۵) تعداد معدودی از خیل عظیم مطالعات محققان داخلی است که هر کدام به نوعی با بهره‌جستن از شیوه‌های متعدد تصمیم‌گیری، به سنجش توسعه‌ی مناطق کشور و ارزیابی عدم تعادل‌های منطقه‌ای پرداخته‌اند. در پژوهش‌های خارجی مرتبط با موضوع تحقیق نیز، فان و ژانگ (Fan and Zhang, 2004) در مطالعه‌ی خود به بررسی نقش سرمایه‌گذاری عمومی در نابرابری‌های روستایی در چین پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که اجرای انواع سرمایه‌گذاری‌ها در منطقه‌ی غربی چین که کمتر توسعه‌یافته‌تر است، باعث کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای می‌شود. الحسن (Al- Hassan, 2007) نیز به بررسی نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور غنا طی دوره‌ی ده ساله‌ی ۱۹۹۰-۲۰۰۰ پرداخته و به این نتیجه دست یافت که رشد اقتصادی طی این دوره، منجر به کاهش فقر عمومی در کشور شده است و چون رشد، ناشی از صادرات کشاورزی بوده، شکاف مناطق شمالی با جنوبی به علت نداشتن توان رقابت در عرصه‌ی کشاورزی بیشتر شده است. در مطالعه‌ی دیگری، لی و وی (Li and Wei, 2010) دریافتند که نابرابری منطقه‌ای در مقیاس‌های جغرافیایی مختلف، الگوهای متفاوتی را نشان می‌دهد. هم‌چنین نابرابری

درون استانی کاهش یافته، در حالی که نابرابری‌های بین منطقه‌ای در حال افزایش است.

مبانی نظری

کلمه‌ی توسعه در لغت به معنی گسترش و بهبود است که در آن به بعد کیفی توجه بیشتری می‌شود (فرجی سبکبار و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۸)، اما توسعه در مفهوم کلی، به مفهوم کوشش آگاهانه و مبتنی بر برنامه‌ریزی برای ترقی ابعاد متنوع حیات به گونه‌ای که امروز به آن نگریسته می‌شود از دستاوردهای قرن بیستم است که از سال ۱۹۱۷ میلادی در شوروی سابق آغاز گردید (رضوانی، ۱۳۹۰: ۲۷). در این میان، مطالعات توسعه روستایی نیز پس از جنگ جهانی دوم به آرامی با توسعه اجتماعی آغاز شد. تا سال ۱۹۶۰ میلادی بیش از ۶۰ کشور در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، برنامه‌های توسعه جامعه‌ای ملی یا منطقه‌ای را در پیش گرفته بودند، اما تا اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی توسعه جامعه‌ای مورد بی‌توجهی سازمان‌های کمک به توسعه و حکومت‌های ملی قرار گرفت. تا اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، توسعه اجتماعی در سطحی وسیع موفقیتی به دست نیاورد، چرا که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی توسعه به معنی رشد بیشتر بود و فقرا چشم به بهره‌مندی از رشد سریع همه جانبه بالا به پایین داشتند و در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی فقرا موقتاً به منافع رشد سریع دسترسی داشتند، ولی تعداد زیادی از آنها سودی نبردند و در نتیجه، فاصله زیادی بین فقرا و ثروتمندان ایجاد شد. بدین ترتیب، تا اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، به تدریج دیدگاه سنتی توسعه روستایی که متأثر از سیاست‌ها و دیدگاه‌های کلی توسعه، یعنی رشد اقتصادی بود تغییر محور داد و مباحث سیاسی و اجتماعی نیز وارد بحث توسعه روستایی گردید. در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی و اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، نوع جدیدی از فعالیت‌ها در سطح محلی جهت پاسخ به ماهیت مسائلی که برخی از نواحی با آن مواجه شده بودند، حاکم شد. این راهبردها متنوع بودند، مانند توسعه بومی، توسعه پایین به بالا و توسعه همه جانبه روستایی. در مورد مفاهیم و محتوای این راهبردها، تفاسیر متعددی وجود

دارد، اما بحث مهم آنها هدفی را که بر نقشی بزرگتر جهت مردم محلی و برای مؤسسات محلی در برنامه ریزی، وسایل و فرضیات برنامه های توسعه محلی تأکید می کند، شرح می دهد (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷). این روند ادامه داشت تا این که در اوایل ۱۹۹۰ میلادی، توسعه روستایی که تقریباً مترادف با توسعه کشاورزی بود، با اشاره ضمنی به عمران کلی مناطق روستایی و با تمرکز بر اصلاح کیفیت زندگی روستاییان همراه گردید. در چارچوب این مفهوم توسعه روستایی موضوعی جامع و چندبعدی به شمار می رفت که توسعه کشاورزی و فعالیت های وابسته بدان در مناطق روستایی را در بر می گرفت (زمانی پور، ۱۳۸۷: ۵۱).

در ایران نیز توجه به روستا و توسعه روستایی به عنوان بخشی از فرایند توسعه در مقیاس ملی نیز به منظور تحولات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، از چند دهه قبل از انقلاب، یعنی از دهه ۱۳۲۰ شمسی به بعد به عنوان نوعی ضرورت مطرح شد و بخشی از سیاست های توسعه ای را تشکیل داد. بعد از انقلاب نیز برنامه های مختلفی به منظور توسعه روستایی کشور انجام شد که عمدتاً با تأکید بر رویکرد محرومیت زدایی بود. بدین منظور، دولت سیاست تحول در مدیریت و ساختار سازمان سنتی کشاورزی و ایجاد نهادها و سازمان های جدید را در دستور کار قرار داد. تجسم عینی این تغییرات، تأسیس نهادهایی چون بنیاد مسکن و جهاد سازندگی بود که در قالب توسعه روستایی و بر پایه آرمان های عدالت خواهانه و توزیع متعادل امکانات، لزوم ایجاد دگرگونی و تجدید ساختار روستایی ایجاد شد (زاهدی، غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۹۱: ۲).

با همه این موارد، تجربه توسعه در کشورهای جهان سوم در بخش روستایی نشان می دهد که نحوه نگرش به توسعه و روش ها و راهبردهای اتخاذ شده نقشی کلیدی در موفقیت یا عدم موفقیت برنامه های توسعه دارد. به طوری که بررسی دیدگاه ها، روش ها و راهبردهای توسعه روستایی در طی چند دهه نشان می دهد که در اغلب دیدگاه ها و روش ها و بویژه تا دهه ۱۹۸۰ میلادی نگرش جزئی انتزاعی و موضوعی و فقدان نگرش منظم و یکپارچه به مقوله توسعه، از عوامل اصلی عدم موفقیت راهبردهای توسعه روستایی بوده است. چنان که نتیجه ی بسیاری از این راهبردها، افزایش دوگانگی

بین شهر و روستا یا کشاورزی و صنعت و قرارگرفتن توسعه روستایی در مقابل توسعه شهری بوده است (علیائی، ۱۳۹۴: ۷۰). هم چنان که متولیان توسعه در کشور ما نیز بر این باورند که به واسطه تنوع مسائل و ریشه ای بودن مشکلات روستاها، اقدامات دولتی به عللی گوناگون، چون نامشخص بودن راهبرد توسعه، فقدان چارچوب و برنامه ریزی نظری مشخص و منسجم و هماهنگ و تجمع امکانات در مراکز شهری، آن گونه که می بایست نتوانسته است پاسخ گوی نیازهای اساسی جامعه روستایی باشد (زاهدی، غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۹۱: ۲). با این حال، ترسیم وضعیت توسعه مناطق روستایی شهرستان های استان خراسان رضوی که علی رغم ظرفیت های عظیم، از فقدان دسترسی مطلوب روستاییان به خدمات روستایی و مهاجرت بالای روستاییان حکایت دارد، بی تردید مبین این مطلب است که برآیند برنامه ریزی ها و هدف گذاری ها در مناطق روستایی استان خراسان رضوی نیز آن چنان که باید و شاید نتوانسته متمر ثمر واقع شود و ضرورت تجدید نظر در چارچوب ها، ساختارها و سیاست گذاری های توسعه روستایی در این استان، بیش از پیش احساس می شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس هدف، کاربردی و نوع روش به کار رفته در آن توصیفی-تحلیلی است. شیوه جمع آوری اطلاعات نیز به صورت اسنادی- کتابخانه ای است که با اتکا به آمارنامه رسمی سرشماری عمومی نفوس و مسکن (بویژه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۹۳) گردآوری شده است.

جهت تحلیل داده های پژوهش از روش فازی ویکور که به معنی "بهینه سازی چندمعیاره و حل سازشی" (Chu, et al., 2007: 1011) به عنوان یکی از روش های تصمیم گیری چندمعیاره توافقی بر مبنای روش ال پی متریک^۲ توسعه یافته (Wei & Xiangyi, 2008:1) بهره گرفته شد. در این روش، تأکید بر رتبه بندی و انتخاب از مجموعه ای گزینه و تعیین راه حل های توافقی برای مسأله با معیارهای متضاد

1. Multi Criteria Optimization and Compromise Solution

2. LP metric

است (Chen and Wang, 2009: 235-242) که ماتریس تصمیم‌گیری و وزن شاخص‌ها، ورودی سیستم هستند (Xia et al., 2006: 743) و راه‌حل‌هایی موجه است که به راه‌حل مطلوب نزدیک باشد (Rao, 2008: 1954). از آن‌جا که برخی محققان بر این باورند که با توجه به دقت نبودن مفهوم توسعه، کاربرد محاسبات فازی مطلوب‌تر است (عمرانی و پیری، ۱۳۸۹: ۱۲۷) و مجموعه‌های فازی، انعطاف‌پذیری بیشتری داشته و به دنیای واقعی نزدیک‌تر است (اکبری و زاهدی کیوان، ۱۳۸۷: ۳۸۱). بر همین مبنا، بررسی حاضر نیز با بهره‌گیری از رویکرد فازی و روش ویکور، طی پنج گام به تحلیل موضوع می‌پردازد (اصغریور، ۱۳۹۳: ۱۴۷).

مرحله ۱) تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده
فرض کنید اعداد جدول تصمیم به صورت اعداد فازی مثلثی باشند.

$$F = \begin{pmatrix} (e_{ij}f_{ij}g_{ij}) & \dots & (e_{ij}f_{ij}g_{ij}) \\ \vdots & \dots & \vdots \\ (e_{ij}f_{ij}g_{ij}) & \dots & (e_{ij}f_{ij}g_{ij}) \end{pmatrix} \quad e_{ij} > 0 \quad (1)$$

مرحله ۲) تعیین گزینه‌های مطلوب مثبت و منفی بر اساس قواعد زیر:

$$\tilde{A}^* = \begin{cases} C_j \rightarrow + \text{جنبه} & | A^* = \max_i \{ \tilde{f}_{ij} \} \\ C_j \rightarrow - \text{جنبه} & | A^* = \min_i \{ \tilde{f}_{ij} \} \end{cases} = ((e_1^* f_1^* g_1^*) \dots (e_m^* f_m^* g_m^*)) = (\tilde{f}_1^* \dots \tilde{f}_m^*) \quad (2)$$

$$\tilde{A}^- = \begin{cases} C_j \rightarrow + \text{جنبه} & | A^- = \min_i \{ \tilde{f}_{ij} \} \\ C_j \rightarrow - \text{جنبه} & | A^- = \max_i \{ \tilde{f}_{ij} \} \end{cases} = ((e_1^- f_1^- g_1^-) \dots (e_m^- f_m^- g_m^-)) = (\tilde{f}_1^- \dots \tilde{f}_m^-) \quad (3)$$

مرحله ۳) تعیین مقدار مطلوبیت و عدم مطلوبیت گزینه‌ها

$$W = (w_1 \dots w_m) \quad (4)$$

$$\bar{S}_i = \sum_j^m \left(w_j \times \frac{(\tilde{f}_j^* - \tilde{f}_{ij})}{(\tilde{f}_j^* - \tilde{f}_j^-)} \right) = \left(\sum_j^m \left(w_j \times \frac{(e_j^* - g_{ij})}{(e_j^* - g_j^-)} \right) \sum_j^m \left(w_j \times \frac{(f_j^* - f_{ij})}{(f_j^* - f_j^-)} \right) \sum_j^m \left(w_j \times \frac{(g_j^* - e_{ij})}{(g_j^* - e_j^-)} \right) \right) = (v_i s_i t_i) \quad (5)$$

$$\bar{R}_i = \max_j \left(w_j \times \frac{(\tilde{f}_j^* - \tilde{f}_{ij})}{(\tilde{f}_j^* - \tilde{f}_j^-)} \right) = \left(\max_j \left(w_j \times \frac{(e_j^* - g_{ij})}{(e_j^* - g_j^-)} \right) \max_j \left(w_j \times \frac{(f_j^* - f_{ij})}{(f_j^* - f_j^-)} \right) \max_j \left(w_j \times \frac{(g_j^* - e_{ij})}{(g_j^* - e_j^-)} \right) \right) = (p_i r_i l_i) \quad (6)$$

$$\bar{S}^* = \text{Min}_i \bar{S}_i \approx (\text{Min}_i v_i \text{Min}_i s_i \text{Min}_i t_i) = (v^* s^* t^*) \quad (۷)$$

$$\bar{S}^- = \text{Max}_i \bar{S}_i \approx (\text{Max}_i v_i \text{Max}_i s_i \text{Max}_i t_i) = (v^- s^- t^-) \quad (۸)$$

$$\bar{R}^* = \text{Min}_i \bar{R}_i \approx (\text{Min}_i p_i \text{Min}_i r_i \text{Min}_i l_i) = (p^* r^* l^*) \quad (۹)$$

$$\bar{R}^- = \text{Max}_i \bar{R}_i \approx (\text{Max}_i p_i \text{Max}_i r_i \text{Max}_i l_i) = (p^- r^- l^-) \quad (۱۰)$$

مرحله ۴) محاسبه شاخص ویکور بر اساس رابطه ذیل:

بر همین اساس ابتدا باید V که عددی بین صفر و یک است با استفاده از رابطه زیر مشخص شود (بسته به نظر تصمیم گیرنده دارد و آن را معمولاً ۰/۵ در نظر می گیرند)

$$\bar{Q}_i = \left[v \times \frac{\left(\frac{\bar{S}^* - \bar{S}_i}{\bar{S}^* - \bar{S}^-} \right) + \left((1-v) \times \frac{(\bar{R}^* - \bar{R}_i)}{(\bar{R}^* - \bar{R}^-)} \right)}{\left(v \times \frac{\left(\frac{v^* - t_i}{v^* - t^-} \right) + \left((1-v) \times \frac{(p^* - l_i)}{p^* - l^-} \right) \right)} \right] \times \left[\frac{\left(v \times \frac{\left(\frac{s^* - s_i}{s^* - s^-} \right) + \left((1-v) \times \frac{(r^* - r_i)}{r^* - r^-} \right) \right)}{\left(v \times \frac{\left(\frac{t^* - v_i}{t^* - v^-} \right) + \left((1-v) \times \frac{(l^* - p_i)}{l^* - p^-} \right) \right)} \right] \quad (۱۱)$$

مرحله ۵) رتبه بندی گزینه ها بر اساس شاخص ویکور

برای رتبه بندی گزینه ها، مقادیر S_j ، R_j ، Q_j را به صورت نزولی مرتب می سازیم. بر این اساس، گزینه ای که از کم ترین مقدار برخوردار باشد، بهترین گزینه محسوب می گردد. نکته شایان ذکر در رتبه بندی نهایی گزینه ها این است که باید مقادیر S_j ، R_j ، Q_j به صورت نزولی مرتب شوند و بر این اساس، گزینه ای که از کم ترین مقدار برخوردار باشد، بهترین گزینه محسوب گردد. در این میان رتبه بندی، در صورتی که دو شرط زیر برقرار باشد، به عنوان بهترین جواب سازشی انتخاب می شود:

الف) شرط مزیت قابل قبول

$$Q(A_2) - Q(A_1) / \frac{1}{m-1}$$

که A_2 بهترین گزینه دوم در رتبه بندی به وسیله شاخص Q ، A_1 بهترین گزینه با کمترین مقدار برای Q و n تعداد گزینه های موجود است.

ب) شرط ثبات قابل قبول در تصمیم گیری که گزینه A_1 باید در S یا R (و) نیز دارای بهترین رتبه باشد که اگر یکی از شروط برقرار نشود، آن گاه یک مجموعه به صورت زیر

پیشنهاد می شود:

- (۱) اگر تنها شرط دوم برقرار نشد، گزینه های A_1 و A_2 .
(۲) اگر شرط اول برقرار نشد، گزینه های $A_1, A_2, \dots, A_n$ که A_n گزینه ای است در موقعیت n ام که رابطه $Q(A_n) - Q(A_{n-1}) = \frac{1}{m-1}$ در مورد آن صادق می باشد (توکلی مقدم، نجفی و یزدانی، ۱۳۹۱: ۳۷).

محدوده و شاخص های مورد مطالعه

استان خراسان رضوی با ۱۱۶ هزار کیلومتر مربع مساحت، بین مدار جغرافیایی ۳۳ درجه و ۵۲ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۶ درجه و ۱۹ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. طبق آخرین آمار، این استان دارای ۵۹۹۴۴۰۲ نفر جمعیت و ۱۷۱۷۳۶۲ خانوار بوده است که از این تعداد، ۱۶۸۲۴۰۵ نفر در قالب ۴۷۴۶۷۱ خانوار در مناطق روستایی این استان سکونت داشته اند. بر اساس همین آمار، این استان متشکل از ۲۷ شهرستان (شکل ۱) ۶۹ بخش، ۷۲ شهر و ۱۶۳ دهستان بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

جامعه آماری پژوهش نیز کلیه دهستان های شهرستان های استان را تشکیل می دهند که طی آن میزان توسعه روستایی، پس از استخراج داده های اجتماعی- فرهنگی آمارنامه سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان خراسان رضوی، توسط ۵ شاخص (زیربنایی، آموزشی، فرهنگی- مذهبی، بهداشتی- درمانی و ارتباطی) و تحت ۴۸ متغیر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت (جدول ۱).



شکل ۱) موقعیت محدوده مورد مطالعه به تفکیک شهرستان

جدول ۲) شاخص ها و مؤلفه های مورد بررسی

زیربنایی	X. درصد برخورداری دهستان از گاز لوله کشی، X۳. درصد دهستان های برخورداری از شبکه برق، ۱X۲. درصد برخورداری دهستان از سامانه تصفیه آب، X۵درصد برخورداری دهستان از آب لوله کشی، ۴. درصد برخورداری دهستان از راه آسفالت
آموزشی	. درصدX. درصد برخورداری دهستان از دبستان، X۸. درصد برخورداری دهستان از روستامهدهد، ۶X۷. درصد برخورداری دهستان ازXبرخورداری دهستان از مدرسه راهنمایی شبانه روزی پسرانه، ۹. درصد برخورداری دهستان از مدرسه راهنمایی پسرانه،Xمدرسه راهنمایی شبانه روزی دخترانه، ۱۰. درصد برخورداری دهستان ازX. درصد برخورداری دهستان از دبیرستان شبانه روزی پسرانه، X۱۴مدرسه راهنمایی مختلط، ۱۳. درصد برخورداری دهستان ازXدرصد برخورداری دهستان از دبیرستان نظری دخترانه، ۱۵. درصدX. درصد برخورداری دهستان از دبیرستان نظری دخترانه، X۱۷دبیرستان نظری پسرانه، ۱۶. درصد برخورداری دهستان از دبیرستانXبرخورداری دهستان از دبیرستان کاردانش پسرانه، ۱۸. درصدX. درصد برخورداری دهستان از هنرستان فنی و حرفه ای پسرانه، X۲۰کاردانش دخترانه، ۱۹. برخورداری دهستان از هنرستان فنی و حرفه ای دخترانه.
فرهنگی - مذهبی	. درصد برخورداری دهستان از کتابخانهX. درصد برخورداری دهستان از بوستان روستایی، ۲۱X۲۲. درصد برخورداری دهستان از سالنX. درصد برخورداری دهستان از زمین ورزشی، ۲۲۴عمومی، ۲۳. درصد برخورداری دهستان از امام جماعت،X. درصد برخورداری دهستان از مسجد، ۲۲۶ورزشی، ۲۵. درصد برخورداری دهستان از خانه عالم،X۲۷
بهداشتی - درمانی	. درصد برخورداری دهستان ازX. درصد برخورداری دهستان از مرکز بهداشتی - درمانی، ۲۸X۲۹. درصد برخورداری دهستان ازX. درصد برخورداری دهستان از خانه بهداشت، ۳۱Xداروخانه، ۳۰. درصدX. درصد برخورداری دهستان از مرکز تسهیلات زایمان، ۳۳Xپایگاه بهداشت روستایی، ۳۲. درصدX. درصد برخورداری دهستان از پزشک، ۳۳۵برخورداری دهستان از پزشک خانواده، ۳۴. درصد برخورداری دهستان Xبرخورداری دهستان از دندانپزشک یا بهداشت کار دهان و دندان، ۳۶. درصد برخورداری دهستان از بهیار و مامای روستایی،Xاز دندانپزشک تجربی یا دندان ساز، ۳۷. درصد برخورداری دهستان از دامپزشک، ۴۰X. درصد برخورداری دهستان از بهورز، ۳۸X۳۹. درصد برخورداری دهستان از آزمایشگاه وXدرصد برخورداری دهستان از متخصص دامپزشکی، ۴۱. رادیولوژی.
اجتماعی	. درصد برخورداری دهستان از دفتر پست،X. درصد برخورداری دهستان از صندوق پست، ۴۲X۴۳. ITC. درصد برخورداری دهستان از دفتر X. درصد برخورداری دهستان از دفتر مخابرات، ۴۴X۴۵. درصد برخورداری دهستان از روزنامه و X. درصد برخورداری دهستان از اینترنت عمومی، ۴۶X۴۷. درصد برخورداری دهستان از وسیله نقلیه عمومی،Xمجله، ۴۸

منبع: (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۳)

فازی سازی داده ها

در راستای تبیین دقیق وضعیت توسعه روستایی شهرستان‌های استان خراسان رضوی، در گام نخست داده‌های اولیه که به صورت اطلاعات اسنادی و خام از سالنامه آماری استان جمع‌آوری شده‌اند، می‌بایست جهت انجام محاسبات به ارقامی فازی مبدل گردند. بنابراین معیارهای مورد نظر، ابتدا به شاخص‌های بی‌مقیاس تبدیل شده و سپس ارقام به دست آمده به صورت تحدیدهای آماری بیان می‌گردند (تقوایی، احمدیان و علیزاده، ۱۳۹۱). از آن جا که تحدیدهای فازی برای داده‌ها به صورت سلیقه‌ای بیان می‌شود (عطایی، ۱۳۸۹: ۱۸۹)، به صورتی که دایره نامحدودی از اعداد را در بر می‌گیرد تا به منظور قرار دادن در محاسبات فازی در مراحل بعد، به شیوه‌های خاص تبدیل به ارقام صفر تا یک گردند (پورطاهری، ۱۳۸۹: ۱۸۹). در این پژوهش جهت افزایش دقت در تحدید فازی متغیرها، از طیف زیر استفاده گردید (جدول ۳).

جدول ۳) تحدید حدود فازی متغیرهای مورد بررسی در پژوهش

تعریف زبانی ارزش‌ها	مقیاس فازی مثلثی	تحدید حدود
کاملاً مطلق	(۰/۰،۷/۰،۹/۹)	۹۰-۹۹
بین مطلق و خیلی قوی	(۰/۰،۶/۰،۸/۹)	۸۰-۸۹
خیلی قوی	(۰/۰،۵/۰،۷/۹)	۷۰-۷۹
بین خیلی قوی و قوی	(۰/۰،۴/۰،۶/۸)	۶۰-۶۹
قوی	(۰/۰،۳/۰،۵/۷)	۵۰-۵۹
بین قوی و ضعیف	(۰/۰،۲/۰،۴/۶)	۴۰-۴۹
ضعیف	(۰/۰،۱/۰،۳/۵)	۳۰-۳۹
بین ضعیف و یکسان	(۰/۰،۱/۰،۲/۴)	۲۰-۲۹
یکسان	(۰/۰،۱/۰،۱/۳)	۱۰-۱۹
دقیقاً یکسان	(۰/۰،۱/۰،۱)	۰-۹

لازم به ذکر است که در این مطالعه از میان انواع مختلف ارقام فازی، نوع مثلثی به کار گرفته شده است، عدد فازی مثلثی یک مجموعه فازی پیوسته است که تابع عضویت آن به صورت زیر می باشد (نعمتی و رئیسی، ۱۳۸۴):

$$\mu(x) = \begin{cases} 0; x < a_1 \\ -(a_2 - x)(a_2 - a_1) + 1; a_1 \leq x < a_2 \\ -(x - a_2)(a_3 - a_2) + 1; a_2 \leq x < a_3 \\ 0; x \geq a_3 \end{cases} \quad (12)$$

فازی زدایی داده ها

جهت تبدیل اعداد فازی به اعداد غیرفازی می بایست ماتریس فازی تشکیل شده، فازی زدایی (دی فازی) گردد. بر همین اساس، روش های مختلفی برای فازی زدایی درایه های ماتریس فازی وجود دارد که در این جا از روش کریس^۱ بهره گرفته شده است. با توجه به قاعده کریس، چنان چه $\tilde{M} = (m_1, m_2, m_3)$ یک عدد فازی مثلثی باشد با استفاده از فرمول زیر می توان آن را دی فازی کرد.

$$D(M) = \frac{m_1 + 4m_2 + m_3}{6} \quad (13)$$

تعیین اوزان شاخص ها

معمولاً شاخص های مورد استفاده در هر پژوهش از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند. از همین رو، جهت یکسان سازی شاخص ها و از میان بردن تفاوت ها، محاسبه ی وزنی آنها امری ضروری است. جهت وزن دهی شاخص ها، روش های متعددی وجود دارد که عبارتند از: پنل متخصصین، ضریب آنتروپی، تحلیل سلسله مراتبی، تحلیل مؤلفه های اصلی و در این بررسی جهت اطمینان از ضریب اوزان شاخص ها و بالا بردن دقت تحلیل داده ها، از دو روش آنتروپی شانون^۲ و تحلیل مؤلفه های اصلی جهت وزن دهی معیارها استفاده گردید و تلفیق این دو وزن، به عنوان وزن نهایی معیارها منظور گردید (جدول ۴).

1. Chris

2. Shannon Entropy

جدول (۴) وزن معیارهای مورد بررسی

شاخص	X _۱	X _۲	X _۳	X _۴	X _۵	X _۶	X _۷	X _۸	X _۹	X _{۱۰}
وزن	۰/۸۵	۰/۸۲	۰/۷۷	۰/۸۴	۰/۸۱	۰/۶۹	۰/۷۶	۰/۶۸	۰/۶۸	۰/۷۲
شاخص	X _{۱۱}	X _{۱۲}	X _{۱۳}	X _{۱۴}	X _{۱۵}	X _{۱۶}	X _{۱۷}	X _{۱۸}	X _{۱۹}	X _{۲۰}
وزن	۰/۷۰	۰/۷۰	۰/۷۲	۰/۶۹	۰/۷۲	۰/۷۰	۰/۶۷	۰/۶۸	۰/۷۱	۰/۶۹
شاخص	X _{۲۱}	X _{۲۲}	X _{۲۳}	X _{۲۴}	X _{۲۵}	X _{۲۶}	X _{۲۷}	X _{۲۸}	X _{۲۹}	X _{۳۰}
وزن	۰/۸۰	۰/۷۲	۰/۷۳	۰/۷۰	۰/۶۹	۰/۷۱	۰/۶۸	۰/۷۸	۰/۷۶	۰/۷۵
شاخص	X _{۳۱}	X _{۳۲}	X _{۳۳}	X _{۳۴}	X _{۳۵}	X _{۳۶}	X _{۳۷}	X _{۳۸}	X _{۳۹}	X _{۴۰}
وزن	۰/۷۱	۰/۷۸	۰/۷۰	۰/۸۰	۰/۷۸	۰/۷۸	۰/۷۸	۰/۷۶	۰/۷۶	۰/۷۸
شاخص	X _{۴۱}	X _{۴۲}	X _{۴۳}	X _{۴۴}	X _{۴۵}	X _{۴۶}	X _{۴۷}	X _{۴۸}		
وزن	۰/۷۷	۰/۷۹	۰/۸۵	۰/۸۳	۰/۸۵	۰/۸۷	۰/۸۴	۰/۸۲		

منبع: (یافته های تحقیق، ۱۳۹۵)

یافته ها و بحث

تحلیل یافته ها نشان می دهد میانگین روستاهای دارای سکنه برای هر شهرستان ۱۶۲ روستا می باشد. در سایر شاخص ها، ارزیابی ها حاکی از آن است که در دسترسی به شاخص های زیربنایی از ۱۶۲ روستا در هر شهرستان، ۱۰۵ روستا به راه آسفالت، ۱۲۱ روستا به شبکه برق، ۲۵ روستا به گاز لوله کشی، ۱۰۶ روستا به آب لوله کشی و ۴۸ روستا به سامانه تصفیه آب دسترسی داشته اند. در سنجش برخورداری مناطق روستایی هر شهرستان از شاخص آموزشی، از ۱۶۲ روستا، آمارها نشان می دهد ۲۱ روستا به مهد، ۱۰۲ روستا به دبستان، ۲۹ روستا به مدرسه راهنمایی پسرانه، ۲۸ روستا به مدرسه راهنمایی دخترانه، ۲۲ روستا به مدرسه راهنمایی مختلط، ۷ روستا به دبیرستان نظری دخترانه و پسرانه، ۱ روستا به دبیرستان شبانه روزی پسرانه و دخترانه، ۱ روستا به مدرسه راهنمایی شبانه روزی پسرانه و دخترانه، ۱ روستا به دبیرستان کاردانش پسرانه و دخترانه و ۱ روستا به دبیرستان فنی و حرفه ایی پسرانه دسترسی داشته اند. سنجش دسترسی ها به شاخص مذهبی - فرهنگی نیز حاکی از آن است که در هر شهرستان، تنها ۱۳ روستا به بوستان، ۱۵ روستا به کتابخانه عمومی، ۲۶ روستا به زمین ورزشی، ۳

روستا به سالن ورزشی، ۱۰۶ روستا به مسجد و ۲۰ روستا به خانه عالم و امام جماعت دسترسی داشته‌اند. در تحلیل شاخص بهداشتی- درمانی نیز، میانگین برخورداری هر شهرستان از مراکز بهداشتی ۱۶ روستا، از داروخانه ۷ روستا، از خانه بهداشت ۵۴ روستا، از پایگاه بهداشت ۷ روستا، از پزشک خانواده ۱۸ روستا، از پزشک ۲۲ روستا، از دندانپزشک و بهداشت کار دهان و دندان ۳ روستا، از بهیار و مامای ۲۱ روستا، از بهورز ۵۲ روستا، از دامپزشک و متخصص دامپزشکی ۶ روستا، از مرکز تسهیلات زایمان ۲ روستا و از مرکز آزمایشگاه و رادیولوژی تنها ۱ روستا بوده است. در ارزیابی شاخص ارتباطی، از کل مناطق روستایی هر شهرستان، ۲۸ روستا به صندوق پست، ۲۵ روستا به دفتر پست، ۸۶ روستا به دفتر مخابرات، ۲۲ روستا به دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات، ۲۶ روستا به اینترنت عمومی، ۷ روستا به روزنامه و مجله و ۷۴ روستا به وسیله نقلیه عمومی دسترسی داشته‌اند. در ادامه ی تحلیل داده‌ها، با عنایت به برقرار بودن شروط ویکور در بررسی حاضر و قابل قبول بودن ضریب ویکور به دست آمده در شهرستان‌های مورد مطالعه، شهرستان رشتخوار به عنوان بهترین جواب سازشی انتخاب و سایر شهرستان‌ها بر اساس میزان توسعه‌یافتگی، رتبه‌بندی می‌گردند (جدول ۵).

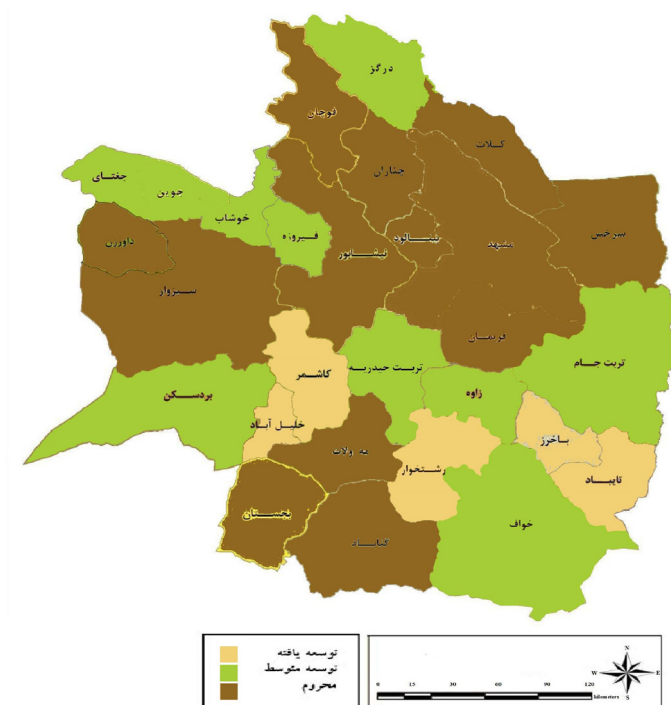
جدول ۵) محاسبه شاخص ویکور در مناطق روستایی شهرستان‌های خراسان رضوی

رتبه	شهرستان	S	R	Q	رتبه	شهرستان	S	R	Q
۱	رشتخوار	۱۶/۳	۰/۷۸	۰	۱۵	خوشاب	۲۵/۴	۰/۸۶	۰/۶۶
۲	خلیل آباد	۱۷/۱	۰/۷۸	۰/۳	۱۶	بینالود	۲۹/۸	۰/۸۶	۰/۷۷
۳	کاشمر	۱۷/۱	۰/۷۸	۰/۳	۱۷	سبزوار	۳۰/۳	۰/۸۶	۰/۷۸
۴	باخزر	۲۱/۹	۰/۷۸	۰/۱۴	۱۸	کلات	۳۰/۶	۰/۸۶	۰/۷۹
۵	تایباد	۲۳/۸	۰/۷۸	۰/۱۹	۱۹	مشهد	۳۹/۵	۰/۸۷	۰/۸۲
۶	بردسکن	۲۸/۹	۰/۸۰	۰/۴۱	۲۰	نیشابور	۳۲/۸	۰/۸۶	۰/۸۴
۷	خواف	۲۶/۴	۰/۸۲	۰/۴۵	۲۱	گناباد	۳۳/۷	۰/۸۶	۰/۸۶
۸	تربت حیدریه	۲۸/۱	۰/۸۲	۰/۴۹	۲۲	چناران	۳۲/۲	۰/۸۷	۰/۸۸
۹	فیروزه	۲۸/۴	۰/۸۲	۰/۵۰	۲۳	قوچان	۳۳/۳	۰/۸۷	۰/۹۱
۱۰	جغتای	۲۸/۸	۰/۸۲	۰/۵۰	۲۴	فریمان	۳۳/۶	۰/۸۷	۰/۹۲

۰/۹۲	۰/۸۶	۳۶/۲	مه ولایت	۲۵	۰/۵۱	۰/۸۲	۲۹/۲	تربت جام	۱۱
۰/۹۴	۰/۸۷	۳۴/۶	سرخس	۲۶	۰/۵۳	۰/۸۲	۲۹/۸	درگز	۱۲
۱	۰/۸۷	۳۷	بجستان	۲۷	۰/۵۷	۰/۸۲	۳۱/۶	زاوه	۱۳
					۰/۵۹	۰/۸۲	۳۲/۲	جوین	۱۴

منبع: (یافته های تحقیق، ۱۳۹۵)

طبق مقادیر به دست آمده جهت ترسیم سیمایی روشن از چگونگی تخصیص خدمات، می توان مناطق روستایی شهرستان های استان های مورد مطالعه را در سه سطح طبقه بندی نمود. سطح نخست (با ضریب کمتر از ۰/۳۳۳ مناطق توسعه یافته). سطح دوم (با ضریب بین ۰/۶۶۷ - ۰/۳۳۴ مناطق دارای توسعه متوسط) و سطح سوم (با ضریب بین ۰/۶۶۷ - ۱ مناطق محروم).



شکل ۲) سطح بندی شهرستان های مورد مطالعه بر حسب سطح برخورداری

با توجه به مؤلفه‌های مورد مطالعه، تنها مناطق روستایی ۵ شهرستان رشتخوار، خلیل‌آباد، کاشمر، باخرز و تایباد به لحاظ برخورداری از شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی مناطق توسعه یافته محسوب می‌گردند و از میان شهرستان‌های باقی مانده، ۱۰ شهرستان دارای توسعه متوسط و ۱۲ شهرستان دیگر از منظر توسعه روستایی، در زمره مناطق محروم جای گرفته‌اند.

در تبیین توسعه بسیار نامتوازن مناطق روستایی شهرستان‌های استان خراسان رضوی، آن چه که به صراحت می‌توان اذعان نمود فقدان تعادل و برابری در توزیع بهینه امکانات و خدمات روستایی است که اصلی ترین نقش را در پدید آمدن فضاهای نابرابر جغرافیایی ایفاء نموده است. گواه این مدعا ضریب بالای پراکندگی در توزیع امکانات و خدمات در این مناطق است. به طوری که محاسبات نشان می‌دهد کمترین میزان ضریب تغییرات با ضریب پراکندگی ۰/۵۵ است. این در حالی است که در توزیع سایر متغیرها، گاهاً ضریب پراکندگی از ۲ نیز بالاتر رفته است و این امر مؤید توزیع بسیار نامتعادل امکانات روستایی در پهنه روستایی شهرستان‌های استان است. حاصل شدن ضریب پراکندگی در شاخص‌های آموزشی برابر با ۱/۱۰، در شاخص‌های فرهنگی- مذهبی برابر با ۰/۸۷، در شاخص‌های زیربنایی برابر با ۱/۰۱، در شاخص‌های بهداشتی- درمانی برابر با ۱/۰۹ و در شاخص‌های ارتباطی برابر با ۰/۷۵ می‌باشد که بی‌تردید خود دلیل مبرهنی بر پراکندگی زیاد و توزیع ناهمگون امکانات در سکونتگاه روستایی استان خراسان رضوی است و مشخص می‌سازد که به ترتیب توزیع خدمات آموزشی، خدمات بهداشتی- درمانی و زیربنایی از بیشترین عدم تعادل برخوردارند.

نتیجه گیری و پیشنهادها

این پژوهش تلاش نمود تا از طرق سنجه‌های متعدد به ارائه تصویری جامع و شفاف از وضعیت موجود توزیع خدمات فرهنگی- اجتماعی روستایی در شهرستان‌های استان خراسان رضوی بپردازد. بر همین اساس، تحلیل وضعیت تخصیص منابع در شهرستان‌های مورد بررسی، نشان از وجود شکافی عمیق در توزیع و تخصیص خدمات ارائه شده در

مناطق روستایی بود که از آن پرده برداشت. تا جایی که نتایج نشان داد شکاف بسیار عمیقی بین برخوردارترین شهرستان (رشتخوار با ضریب صفر) و محروم ترین دهستان (بجستان با ضریب ۱) وجود دارد. به طوری که این فاصله بسیار زیاد و قابل تأمل ضمن صحنه گذاشتن بر عدم تعادل فضایی شدید در مناطق روستایی شهرستان های استان خراسان رضوی، مؤید عدم دسترسی برابر روستاییان در برخورداری از خدمات روستایی و محرومیت بالای این مناطق در بهره مندی از فرصت های توسعه می باشد.

ارزیابی کلی نتایج حاصله از میزان توسعه روستایی در شهرستان های استان خراسان رضوی، مبین این مطلب است که مناطق روستایی این شهرستان ها، به لحاظ میزان توسعه یافتگی از محرومیت رنج می برند و دلیل این محرومیت را باید در سیاست ها، راهبردها و خط مشی های نادرست اتخاذ شده در مناطق روستایی جستجو نمود که به مرور زمان، زمینه عدم تعادل بین مناطق را فراهم آورده است.

هر چند باید عنوان نمود که عدم تخصیص فضایی عادلانه امکانات و خدمات مختص این شهرستان ها نیست و عدم تعادل منطقه ای، پدیده ای فراگیر می باشد. در همین راستا، می توان مطالعات مشابه متعددی در حوزه روستایی را نام برد که نتایجی منطبق بر یافته های این پژوهش، ارائه نموده اند. مطالعات صفری و بیات (۱۳۹۲) با هدف تعیین سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی استان آذربایجان شرقی، کریمی و احمدوند (۱۳۹۳) با هدف بررسی سطوح توسعه یافتگی مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان بویراحمد، ضیائیان فیروزآبادی، انوری و ولایی (۱۳۹۴) با هدف سطح بندی میزان توسعه روستاهای بخش مرحمت آباد شهرستان میاندوآب و پژوهش افراخته و دیگران (۱۳۹۵) با هدف ارزیابی عدالت فضایی در مناطق روستایی شهرستان های استان اصفهان، نمونه هایی از این پژوهش ها به شمار می آیند که همگی بر تخصیص ناعادلانه خدمات و توسعه نابرابر جغرافیایی صحنه گذاشته اند.

بر همین اساس، با عنایت به نقش مناطق روستایی در توسعه نظام سرزمینی و هم چنین اثرات سوء محرومیت محلی در توسعه منطقه ای و ملی، جهت سازماندهی فضایی مناطق روستایی شهرستان های استان خراسان رضوی، پیشنهادات ذیل ارائه

می‌گردد:

- ارتقای کمی و کیفی خدمات و فرصت‌های اجتماعی توسعه، بویژه در مناطق محروم روستایی با اولویت‌دهی به شاخص‌های دارای اهمیت و وزن بیشتر (شاخص‌های زیربنایی، بهداشتی و آموزشی).

- بهبود دسترسی‌ها به خدمات زیربنایی (بویژه در مؤلفه‌هایی که محرومیت شدید در دسترسی به آنها وجود دارد هم‌چون گاز لوله‌کشی، سامانه تصفیه آب و آب لوله‌کشی) در تمام مناطق روستایی بویژه دهستان‌های محروم شهرستان‌های بجستان، سرخس، مهاباد، فریمان، چناران، گناباد، نیشابور، مشهد، کلات، سبزوار و بینالود.

- ارتقاء دسترسی به فرصت‌های آموزشی (در مقاطعی مواجه با کمبود و دسترسی به مراکزی چون دبیرستان و راهنمایی) در تمام مناطق روستایی شهرستان‌های استان خراسان رضوی.

- ارتقاء دسترسی‌ها به شاخص‌های فرهنگی- مذهبی (بویژه در مؤلفه‌هایی که کمبود آنها شدیداً احساس می‌گردد همانند بوستان روستایی، کتابخانه عمومی، سالن ورزشی و خانه عالم) در سکونتگاه‌های محروم روستایی بویژه شهرستان‌های بجستان، سرخس، مهاباد، فریمان، چناران، گناباد، نیشابور و مشهد.

- افزایش دسترسی‌ها به خدمات و امکانات بهداشتی- درمانی (بویژه در مؤلفه‌هایی که محرومیت شدید در دسترسی به آنها وجود دارد هم‌چون مراکز بهداشتی- درمانی، پایگاه بهداشت روستایی، داروخانه، مرکز تسهیلات زایمان، پزشک، دندانپزشک و دامپزشک) در تمام مناطق روستایی استان.

- بهبود و ارتقاء دسترسی به شاخص‌های ارتباطی (بویژه در مؤلفه‌های دفتر پست، صندوق پست، دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات روستایی و دسترسی به روزنامه و مجله) در کلیه مناطق روستایی استان خراسان رضوی.

- و در نهایت بازتوزیع بهینه منابع و امکانات عمومی در مناطق روستایی شهرستان‌های استان با نگاه ویژه به ضریب محرومیت شهرستان‌های استان، در راستای تحقق عدالت اجتماعی و کاهش فاصله بین نواحی برخوردار و محروم.

منابع

- اصغرپور، محمدجواد (۱۳۹۳). *تصمیم گیری های چندمعیاره*. تهران: دانشگاه تهران.
- اکبری، نعمت الله؛ زاهدی کیوان، مهدی (۱۳۸۷). *کاربرد روش های رتبه بندی و تصمیم گیری های چندشاخصه*. تهران: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور.
- افراخته، حسن، و دیگران (۱۳۹۵). "ارزیابی عدالت فضایی در توزیع خدمات روستایی شهرستان های استان اصفهان". *دوفصلنامه آمایش سرزمین*، سال هشتم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۵۷-۸۱.
- بهرامی، رحمت الله (۱۳۹۲). "سنجش سطوح توسعه روستایی دهستان های شهرستان روانسر به روش Topsis". *فصلنامه چشم انداز جغرافیایی*، سال هشتم، ش ۲۳ (تابستان): ۷۳-۸۸.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ ابراهیمی، محمدامیر (۱۳۸۷). *نظریه های توسعه روستایی*. تهران: سمت.
- پورطاهری، مهدی (۱۳۸۹). *کاربرد روش های تصمیم گیری چندشاخصه در جغرافیا*. تهران: سمت.
- تقوایی، مسعود؛ احمدیان، مهدی؛ علیزاده، جابر (۱۳۹۱). "تحلیل فضایی و سنجش توسعه یافتگی دهستان های شهرستان میاندوآب با استفاده از مدل تاپسیس فازی". *فصلنامه برنامه ریزی فضایی*، سال یکم، ش ۳ (بهار): ۱۳۱-۱۵۴.
- توکلی مقدم، رضا؛ نجفی، اسماعیل؛ یزدانی، مهدی (۱۳۹۱). "انتخاب مدیر پروژه با به کارگیری یک رویکرد ترکیبی دلفی-ویکورفازی". *فصلنامه پژوهش های مدیریت در ایران*، سال شانزدهم، ش ۴ (زمستان): ۱۹-۴۴.
- حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۵). *برنامه ریزی ناحیه ای*. تهران: سمت.
- حیدری ساربان، وکیل (۱۳۹۳). "سنجش و اولویت بندی مناطق روستایی بر حسب سطوح رفاه اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان پارس آباد)". *فصلنامه برنامه ریزی فضایی*، سال چهارم، ش ۳ (پاییز): ۶۱-۷۶.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۰). *برنامه ریزی توسعه ی روستایی در ایران*. تهران: قومس.

- رهنما، محمدتقی؛ آقاجانی، حسین (۱۳۹۱). "تحلیل نابرابری های فضایی در استان خراسان رضوی". *فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا*، سال شانزدهم، ش ۷۳ (بهار): ۶۳-۸۸.

- زارعی، یعقوب (۱۳۹۵). "بررسی، تحلیل و سطح بندی توسعه روستایی در نواحی جنوب ایران (مطالعه موردی: استان بوشهر)". رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

- زارعی، یعقوب، و دیگران (۱۳۹۵). "تحلیل فضایی شاخص های توسعه در مناطق روستایی شهرستان دشتستان". *فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی*، سال هشتم، ش ۳ (تابستان): ۹۹-۱۱۶.

- زاهدی، محمدجواد؛ غفاری، غلامرضا؛ ابراهیمی لویه، عادل (۱۳۹۱). "کاستی های نظری برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران". *فصلنامه پژوهش های روستایی*، سال سوم، ش ۴ (زمستان): ۱-۲۴.

- زمانی پور، اسدالله (۱۳۸۷). *ترویج کشاورزی در فرایند توسعه*. مشهد: دانشگاه فردوسی.

- زیاری، کرامت الله؛ زنجیرچی، محمود؛ سرخ کمال، کبری (۱۳۸۹). "بررسی و رتبه بندی درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان خراسان رضوی، با استفاده از تکنیک تاپسیس". *پژوهش های جغرافیای انسانی*، سال چهل و دوم، ش ۷۲ (تابستان): ۱۷-۳۰.

- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۹۳). *سالنامه آماری استان خراسان رضوی* سال ۱۳۹۰. استانداری خراسان رضوی، دفتر آمار و اطلاعات. مشهد: صیانت.

- سلطان پناه، هیرش؛ فاروقی، هیوا؛ گلابی، محمد (۱۳۸۹). "به کارگیری و مقایسه ی تکنیک های تصمیم گیری چندشاخصه در رتبه بندی کشورها بر مبنای میزان توسعه انسانی". *فصلنامه دانش و فناوری*، سال یکم، ش ۲ (تابستان): ۱-۲۸.

- شکور، علی؛ شمس الدینی، علی (۱۳۹۱). "نقش آفرینی کانون های شهری در

- ایجاد تعادل و توسعه‌ی نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهر مصیری و روستاهای پیرامونی). چشم‌انداز جغرافیایی، سال هفتم، ش ۲۱ (زمستان): ۶۳-۷۷.
- صفری، رباب؛ بیات، مقصود (۱۳۹۲). "تعیین سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی استان آذربایجان شرقی با استفاده از تکنیک آماری تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای". تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، ش ۲۸ (بهار): ۳۱-۴۸.
- ضیائیان فیروزآبادی، پرویز؛ انوری، آرزو؛ ولایی، محمد (۱۳۹۴). "سطح بندی میزان توسعه روستاهای بخش مرحمت آباد شهرستان میاندوآب". فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، ش ۱۴ (زمستان): ۱۲۹-۱۴۶.
- عطایی، محمد (۱۳۸۹). تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی. سمنان: دانشگاه صنعتی شاهرود.
- علیائی، محمدصادق (۱۳۹۴). "تحلیلی بر رویکرد مشارکت اجتماعی روستائیان در برنامه‌های توسعه پایدار روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران". فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی/ایران، سال هفتم، ش ۳ (پاییز): ۶۹-۸۰.
- عمرانی، محمد؛ پیری، حبیب (۱۳۸۹). "سنجش توسعه یافتگی در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان". مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، سال دوم، ش ۳ (پاییز): ۱۲۵-۱۴۴.
- فرجی سبکبار، حسنعلی، و دیگران (۱۳۹۴). "تحلیل و ارزیابی توسعه سکونتگاهی در نواحی شهری استان آذربایجان شرقی با ترکیبی نوین از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره". مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال پنجم، ش ۱۷ (پاییز): ۲۷-۵۳.
- کریمی، فرزاد؛ احمدوند، مصطفی (۱۳۹۳). "مدل سازی سطوح توسعه یافتگی مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان بویراحمد". تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال چهاردهم، ش ۳۳ (تابستان): ۹۱-۱۱۱.
- کردوانی، پرویز؛ شریفی، صلاح (۱۳۹۱). "میزان توسعه یافتگی در دهستان‌های شهرستان مریوان (مطالعه موردی: بخش مرکزی)". فصلنامه روستا و توسعه، سال پانزدهم، ش ۳ (پاییز): ۱۱۵-۱۳۰.

- متقی، افشین؛ ربیعی، حسین؛ قره بیگی، مصیب (۱۳۹۴). "تحلیل فضایی توسعه نواحی مرزی شرق کشور (مورد مطالعه: دهستان های مرزی استان خراسان جنوبی)". *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال چهارم، ش ۱۴ (زمستان): ۱۴۷-۱۶۷.
- مشکینی، ابوالفضل؛ معزز برآبادی، محدثه (۱۳۹۵). "رتبه بندی شهرستان های استان خراسان رضوی از نظر شاخص های توسعه یافتگی با استفاده از روش تحلیل عاملی". *فصلنامه مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان*، سال دهم، ش ۳ (بهار): ۱۲۱-۱۴۳.
- نعمتی، رمضان؛ رئیسی، غلامعلی (۱۳۸۴). "رتبه بندی عملکردها در مهندسی ارزش فازی". در: *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس ملی مهندسی صنایع*. انجمن مهندسی صنایع ایران. تهران: دانشگاه تربیت مدرس: ۵۰-۵۷.
- Al-Hassan, Ramatu; Diao, Xinshen (2007). *Regional disparities in Ghana: policy options and public investment implications*. USA: International Food Policy Research Institute (IFPRI).
- Chen, Lisa Y.; Wang, Tien-Chin (2009). "Optimizing partner's choice in IS/IT out sourcing projects: the strategic decision of fuzzy VIKOR". *International Journal of Production Economics*, Vol. 20, No. 1: 232-242.
- Chu, Mei-Tai., et al. (2007). "Comparison among three analytical methods for knowledge communities group-decision analysis". *Expert Systems with Applications*, Vol. 33, No. 4:1011-1024.
- Fan, Shenggen; Zhang, Xiaobo (2004). "Infrastructure and regional economic development in rural China". *China Economic Review*, Vol. 15, No. 2: 203-214.
- Hodder, Rupert (2000). *Development Geography*. London: Routledge.
- Li, Y.; Wei, Y. D. (2010). "The spatial-temporal hierarchy of regional inequality of China". *Applied Geography*, Vol. 30, No. 3: 303-316.
- Rao, Venkata (2008). "A decision making methodology for material selection using an improved compromise ranking method". *Materials*

and Design, Vol. 29, No. 10:1949-1954.

- Wei, Jingzhu; Xiangyi, Lin (2008). "The Multiple Attribute Decision-Making VIKOR Method and Its Application". *Wireless Communications, Networking and Mobile Computing. WICOM '08. 4th International Conference*, USA: IEEE: 1-4.

- Xia, Hui-Cheng, et al. (2006). "Fuzzy LINMAP method for Multi-Attribute Decision Making under Fuzzy Environments". *Journal of Computer and System Science*, Vol. 72, No. 4: 741-759.

بررسی و تحلیل الگوی مهاجرت در استان خراسان رضوی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۱۱

سید هادی زرقانی^۲

سید مصطفی حسینی^۳

محمد قنبری^۴

محمد حسین قیاسی^۵

چکیده

امروزه مهاجرت با برهم زدن تعادل های جمعیتی، باعث شده است تا برخی از نقاط کشور خالی از سکنه شده و در مقابل، برخی دیگر از نقاط کشور دچار فشارهای جمعیتی شوند که پیامد این امر، فشار بر منابع طبیعی و زیست محیطی و افزایش هزینه ها در ارائه خدمات در نقاط پرتراکم شده است. از این رو، به منظور جلوگیری از فشار بر منابع در نقاطی خاص از کشور، شناخت الگوهای حاکم بر مهاجرت و علل شکل گیری مهاجرت می تواند نقش بسزایی در توسعه یکسان تمام مناطق کشور و جلوگیری از مهاجرت داشته باشد. در این پژوهش ضمن بررسی علل مهاجرت پذیری و مهاجرت فرستی استان خراسان رضوی به سایر استان های کشور، به بررسی الگوی حاکم بر حرکت های مهاجرتی در استان خراسان رضوی پرداخته شده است. این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل ثانویه و بهره گیری از نرم افزارهای آماری، داده های جمع آوری شده از سرشماری ۱۳۹۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که ۴۵/۶۸٪ از مهاجران وارد شده به شهرستان مشهد و ۴۱/۵٪ از مهاجران

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان "تحلیل الگوی فضایی مهاجرت در استان خراسان رضوی" است.

۲. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

۳. باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، نویسنده مسؤول

Smhosseini@mshdiau.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد و عضو گروه مشاوران جوان

m.ghanbari233@hotmail.com

mohegh12@gmail.com

۵. دانشجوی دکتری امنیت داخلی دانشگاه عالی دفاع ملی

وارد شده به شهرستان سبزوار را، مهاجران سایر استان‌های کشور در بر می‌گیرد. به عبارتی دیگر، این دو شهرستان نسبت به دیگر شهرستان‌های استان خراسان رضوی، بیشترین میزان مهاجرپذیری را از سایر استان‌های کشور داشته‌اند. هم‌چنین نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که بخش اعظم حرکت‌های مهاجرانی استان خراسان رضوی در درون شهرستان‌های استان خراسان رضوی بوده است و از سایر استان‌های کشور به جز استان تهران، مهاجرین اندکی به درون استان وارد می‌شود.

واژگان کلیدی: مهاجرت، الگوی مهاجرت، خراسان رضوی

مقدمه

مهاجرت، پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که همواره در طول تاریخ وجود داشته و خواهد داشت. مهاجرت شکلی از تحرک مکانی و جغرافیایی انسان‌هاست که به دلایل مختلف بین مکان‌های جغرافیایی صورت می‌گیرد. البته این جابه‌جایی‌ها با آن‌چه امروز صورت می‌گیرد، کاملاً متفاوت بوده و از طرفی، به علت کم بودن تعداد مهاجرین در گذشته، این جابه‌جایی‌ها بر ساختارهای اجتماعی - اقتصادی، سنی و جنسیتی مناطق مهاجر پذیر و مهاجر فرست تأثیر چندانی نداشته‌اند. اما از قرن ۱۶ میلادی به بعد با افزایش حرکت‌های مهاجرتی بویژه از اوایل قرن ۱۹ میلادی به بعد، مهاجرت به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی مهم نمایان شد و مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت. مهاجرت علت و عوامل گوناگونی دارد و به صورت‌های مختلفی رخ می‌دهد، از آن جمله می‌توان به مهاجرت‌های داخلی، خارجی، اختیاری و اجباری اشاره نمود. در بعضی موارد افراد به منظور پیدا کردن کار، تکمیل تحصیلات، توسعه کسب و کار، شرایط بهتر و آزادی عمل بیشتر در زندگی روزمره، اقدام به مهاجرت می‌نمایند. اما مهاجرت به هر علتی که باشد، تمام جامعه را درگیر می‌کند (بنی فاطمه، ۱۳۶۷: ۵۴). این درگیر بودن الزاماً بد نیست و در بسیاری از موارد نه تنها افراد، بلکه کشورها نیز از آن سود می‌برند (Goke, 2011: 178). نوع و میزان مهاجرتی که کشورها با آن مواجه‌اند، اثرات متفاوتی بر اقتصاد و شرایط اجتماعی اقتصادی آنها می‌گذارد (Kucukoglu, 2011: 81)، از

این رو، کشورها با توجه به اثراتی که مهاجرت بر ساختار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور آنها دارد، با این پدیده برخورد می کنند (Makhrova, Nefedova, 139: 2013, Treivish).

طرح مسأله

کشور ایران در ۵۰ سال گذشته به علت تغییر در روند فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با مهاجرت های عظیم داخلی روبه رو بوده است. مهاجرت های داخلی ایران، نتیجه توزیع نابرابر جمعیت در ارتباط با امکانات طبیعی، عدم توزیع مناسب اعتبارات عمرانی و سرمایه گذاری های ملی در بهره برداری از منابع طبیعی است که پیامدهای آن در سطح کشور به صورت عدم تعادل های منطقه ای، تفاوت امکانات شغلی و سایر امکانات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، خودنمایی می کند. نتیجه ی چنین روندی آن است که برخی از مناطق جغرافیایی ناگزیر نیروی کار اضافی بالفعل خود را به مناطق دیگر که تقاضا برای نیروی کار اضافی دارد، انتقال دهند (ایمانی، ۱۳۶۸: ۳۵).

مهاجرت بویژه در سطح استانی نقش اساسی در فعل و انفعالات مختلف اجتماعی و جمعیتی دارد. علاوه بر این، مهاجرت با تأثیرپذیری مهاجران از جنبه های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از محیط جدید، آثار مهمی بر سیمای ظاهری و هم چنین زندگی روزمره افراد دارد که در قالب تغییرات و دگرگونی های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، ایجاد عدم تعادل منطقه ای، افزایش جرائم در استان های مهاجرپذیر، تغییرات ساختار سنی، جنسی و جمعیتی در استان های مهاجرپذیر و مهاجرفرست نمود می یابد. بنابراین توجه به مهاجرت های استانی حائز اهمیت فراوانی است.

استان خراسان رضوی به دلیل داشتن شرایط بهتر نسبت به استان های مجاور و وجود حرم مطهر امام رضا (ع) در شهر مشهد، همواره به عنوان یک مقصد جذاب برای مهاجران کشور مورد توجه بوده است. اما به دلیل مهاجرت های فراوانی که در دهه اخیر به استان خراسان رضوی صورت گرفته و محدودیت های طبیعی استان از جمله احتمال وقوع زمین لرزه و شکل گیری حاشیه نشینی های عظیم در شهرهای استان خراسان

رضوی بویژه در کلان شهر مشهد، این استان دچار مشکلاتی از قبیل کمبود منابع آبی، افزایش سطح مشاغل کاذب، افزایش بیکاری و افزایش جرائم در کنار ایجاد عدم تعادل منطقه ای در شمال شرق و شرق کشور شده است که مجموع این عوامل، ضرورت توجه به مبحث مهاجرت را در استان خراسان رضوی حائز اهمیت می کند. براین اساس، در این پژوهش به شناسایی استان های مهاجرفرست و مهاجرپذیر به استان خراسان رضوی و بررسی علل مهاجرت ها از استان خراسان رضوی به سایر استان های کشور و بالعکس، پرداخته شده است تا از این طریق، بتوان به ساختار کلی مهاجرت و حرکت های انسانی در استان در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ برای برنامه ریزی های آتی پی برد.

پیشینه تحقیق

بیک محمدی و مختاری ملک آبادی (۱۳۸۲) با استفاده از روش های تاریخی، توصیفی و تحلیلی به تحلیل و ارزیابی جغرافیایی بر روند مهاجرت استان خوزستان در ابعاد بین استانی و توزیع جغرافیایی داخلی آن ها پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان داد که در فاصله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ با شروع جنگ تحمیلی و مشکلات ناشی استان خوزستان به یک استان مهاجرفرست تبدیل و در فاصله ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ استان خوزستان دوباره به یک استان مهاجرپذیر تبدیل شده است. قرخلو و حبیبی (۱۳۸۵) سعی نموده با استفاده از مدل ها و تحلیل های برنامه ریزی یک رابطه منطقی بین استان های کشور برقرار نماید تا سطوح توسعه یافتگی یا عدم توسعه یافتگی را در ارتباط با مهاجرت ها تعیین کند. براساس یافته های این تحقیق، رابطه ای معنادار میان توسعه یافتگی و مهاجرت برقرار است. طیبی نیا (۱۳۸۸) با تحلیل بر روی ۴۰۰ خانوار، شامل ۲۰۰ نفر از مهاجران و ۲۰۰ نفر افراد بومی (متولد تهران) به عنوان گروه گواه، در بین خانوارهای معمولی ساکن در مناطق ۳، ۶ و ۱۲ شهر تهران که لزوماً دارای فرزند بالای ۱۰ سال بوده اند، به بررسی پیامدهای مهاجرت برای خانوارهای مهاجر به شهر تهران پرداخته است. نتایج تحقیق وی براساس تحلیل های دومتغیری آزمون های تاو - کندال و کای اسکوار نشان می دهد که رابطه معناداری بین تحرک اجتماعی و پایگاه اجتماعی مهاجران وجود دارد. هم چنین

بین تغییر وضعیت اخلاقی مهاجران و افراد بومی تفاوت معنی داری وجود دارد. زرقانی و موسوی (۱۳۹۲) به بررسی و تجزیه و تحلیل پیامدهای امنیتی مهاجرت های غیرقانونی بین المللی پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان داد که رابطه مهاجرت و امنیت ملی، رابطه متناقض نمایی است. به عبارت دقیق تر، مهاجرین بین المللی را می توان برای کشورهای مبدأ و مقصد، هم تهدید دانست و هم فرصت. در این میان، برنامه ها و راهبردهای کشورهاست که تهدید یا فرصت بودن این پدیده اجتماعی - فضایی را تفسیر می کند. قیاسی، حسینی و عین صالحی (۱۳۹۳) با توجه به نقش و جایگاه مهاجرت در بازتوزیع فضایی جمعیت در سرزمین، به برنامه ریزی راهبردی به منظور کاهش مهاجرت در شهر بهاباد با استفاده از تکنیک SWOT پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان داد که به منظور کاهش مهاجرت در شهر بهاباد، بایستی از توانمندی ها و ظرفیت های این شهر جهت بهره گیری از فرصت های پیش رو به نحو احسن استفاده کرد تا بتوان در زمینه کاهش مهاجرت ها در شهر بهاباد موفق بود.

مبانی نظری

نظریه های پیرامون مهاجرت

نظریه لاری ساستاد^۱

اولین نظریه ای که به تبیین آن خواهیم پرداخت، نظریه ساستاد است. نظریه ساستاد را می توان به نوعی زیرمجموعه مکتب انتخاب عقلانی قلمداد نمود. لاری ساستاد به مسأله مهاجرت از دیدگاه سرمایه گذاری می پردازد. وی الگوی سرمایه انسانی در مهاجرت را تصمیمی برای سرمایه گذاری فردی معرفی می نماید. با توجه به سطح مهاجرت، افراد ارزش فعلی سرمایه انسانی را در مقصد و در مقایسه با موقعیتی که در مبدأ دارند، محاسبه می کنند. اگر بازده خالص هزینه فعلی مهاجرت در مقصد بزرگ تر از بازده کشور مبدأ باشد، مهاجرت رخ می دهد. ساستاد، در الگوی خود، به هزینه های مهاجرت و درآمدهای قابل انتظار مبدأ و مقصد می پردازد و آن ها را از مهم ترین عوامل مؤثر بر

مهاجرت می‌داند (زرقانی، ۱۳۸۶: ۹۶). در این حالت، هزینه انتقال شامل هزینه‌های مالی - مانند هزینه مسافرت، تفاوت در هزینه زندگی، درآمد پیشین در هنگام مهاجرت - و هم‌چنین شامل افزایش هزینه‌های روانی - برای نمونه جدایی از خانواده و دوستان - می‌شود. بر اساس این نظر، هر نوع ارزشیابی شخصی از سود و زیان به خصوصیات فردی - مانند سن، جنس و تحصیل - بستگی دارد. فرد مهاجر تمامی این هزینه‌ها را محاسبه می‌کند و درآمد مورد انتظار در مقصد و درآمد مورد انتظار در مبدأ را مورد توجه قرار می‌دهد و با مقایسه آن‌ها، برای مهاجرت تصمیم‌گیری می‌نماید و مهاجرت زمانی صورت می‌گیرد که هزینه واقعی مهاجرت، کمتر از درآمد قابل انتظار مقصد باشد (سرای، حسینی و قنبری، ۱۳۹۴: ۹۵).

نظریه جاذبه - دافعه^۱ دوری توماس^۲

در سال ۱۹۴۱ میلادی نظریه مشهور دیگری به نام جاذبه - دافعه را دوری توماس مطرح کرد. این نظریه برای تبیین مهاجرت، بر عدم تعادل اجتماعی - اقتصادی میان کشورهای مبدأ و کشورهای مقصد متمرکز می‌شود و بیان می‌دارد که وجود عدم تعادل‌های اجتماعی - اقتصادی در کشور مبدأ، موجب دفع افراد از این کشورها می‌شود (دادرس، ۱۳۷۴: ۵۲) و برعکس، در کشورهای مقصد عوامل اجتماعی - اقتصادی به صورتی در کنار هم قرار گرفته‌اند که افراد را جذب می‌نماید و تا زمانی که عوامل دافعه در کشورهای مبدأ پا برجا هستند و در مقابل بر عوامل جاذبه در کشورهای مقصد افزوده می‌شود، روند مهاجرت ادامه خواهد یافت. در واقع، الگوهایی که مهاجران را تابعی از بیکاری می‌دانند، عمدتاً در چارچوب نظریه جاذبه - دافعه مطرح شده‌اند به طوری که افزایش بیکاری مبدأ (عامل دافعه) انگیزه مهاجرت را از آن نقطه به نقاطی که سطوح بیکاری در آن‌ها کم و یا فرصت‌های شغلی بیشتری در دسترس باشد (عامل جاذبه)، فراهم می‌کند. توماس نیز به سن مهاجران اشاره می‌کند. به نظر وی، افراد در آخرین سال‌های نوجوانی تا اوایل سی سالگی نسبت به دیگر گروه‌های سنی، به مهاجرت

راغب تر هستند (فخری زاده چنارسوخته، ۱۳۹۰: ۴۵-۴۶).

نظریه آرتور لوئیس^۱

نظریه آرتور لوئیس (۱۹۵۴) که بعدها به وسیله فی و رانیس^۲ تکمیل شد، مهاجرت را در بطن فرایندهای توسعه اقتصادی تبیین می کند (Anoil, 1992: 18). به نظر آنان، در یک اقتصاد دوگانه که از بخش نوین سرمایه داری و بخش سنتی معیشتی تشکیل شده باشد به دلیل آن است که بخش نوین اقتصادی بر پایه بهره‌وری از نیروی کار برای تولید و سپس فروش و تحصیل سود، شکل گرفته است. در مقابل بخش سنتی معیشتی قرار می گیرد که بخش خوداشتغال بوده و به علت بهره‌گیری اقتصادی از سرمایه و فناوری از بازدهی و بهره‌وری کمتری برخوردار است، به گونه‌ای که حتی بازده نیروی کار در آن می تواند ناچیز و حتی نزدیک به صفر باشد. این وضعیتی است که اقتصاددانان از آن به عنوان بیکاری پنهان نام می برند. در چنین شرایطی بخش اقتصاد سنتی دارای مازاد نیروی کار است که بازدهی اندکی دارد و بخش انتقال نوین، نیازمند نیروی کار است تا از بازده اقتصادی آن بهره‌مند شود. از این رو، انتقال نیروی کار از بخش سنتی به بخش نوین اقتصادی، به ایجاد ارزش اضافی در بخش سرمایه داری منجر شده و با گسترش بخش سرمایه داری، نسبت پس انداز اضافی در بخش تولید ناخالص ملی افزایش می دهد. تا وقتی که چنین وضعی ادامه داشته باشد، مهاجرت نیز استمرار می یابد و حتی تشدید هم می شود. این وضع نه تنها به رونق بخش سرمایه داری نوین منجر می شود، بلکه حتی در بخش اقتصاد معیشتی نیز به دلیل کاستن از تعداد بیکاران پنهان، که مترادف با کاهش هزینه تولید است، قیمت تمام شده تولیدات بخش سنتی را نیز منطقی تر کرده و به رشد و شکوفایی آن می انجامد و در نتیجه، شکاف موجود بین رشد بخش نوین و سنتی را کاهش داده و توسعه متوازی را در آن دو بخش امکان پذیرتر می کند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۴-۱۳۵).

1. Arthur Lewis

2. Fi and Ranys

مدل جذب و دفع راونشتاین^۱

راونشتاین از جمله نظریه پردازانی است که اصول کلی موجود در رویکرد کارکردگرایی را در فرایند مهاجرت مطرح نمود. وی تلاش کرد بر اساس منطق، رفتار مهاجرین و چگونگی مهاجرت آن‌ها را روشن کند. او قوانین جذب و دفع را با استفاده از اطلاعات به دست آمده در قرن نوزدهم، بر اساس تجزیه و تحلیل اطلاعات، محل تولد و نتایج سرشماری عمومی در سال‌های ۱۸۷۱ و ۱۸۸۱ میلادی در انگلیس به دست آورد. این تفکر که در قالب قوانین مهاجرت در انتهای قرن نوزدهم پیشنهاد گردید، به پیروی و طراحی بعضی از عوامل در تصمیم به مهاجرت مؤثر بوده است (زرقانی و سجاسی قیداری، ۱۳۹۳: ۶۲). در این طرح او عوامل نامساعد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فیزیکی را که باعث گریز از محل زندگی و گرایش به استقرار در نقاط مساعدتر و مطلوب‌تر می‌شوند را بررسی کرد و در نهایت، در مهاجرت مردم یک رفتار عقلانی مشاهده کرد (نظریان، ۱۳۸۱: ۱۵۷). لذا او بر اساس یافته‌های به دست آمده، معتقد به قانونمندی در حرکات مهاجرتی بود (حاج حسینی، ۱۳۸۵: ۲۴۷).

روش تحقیق

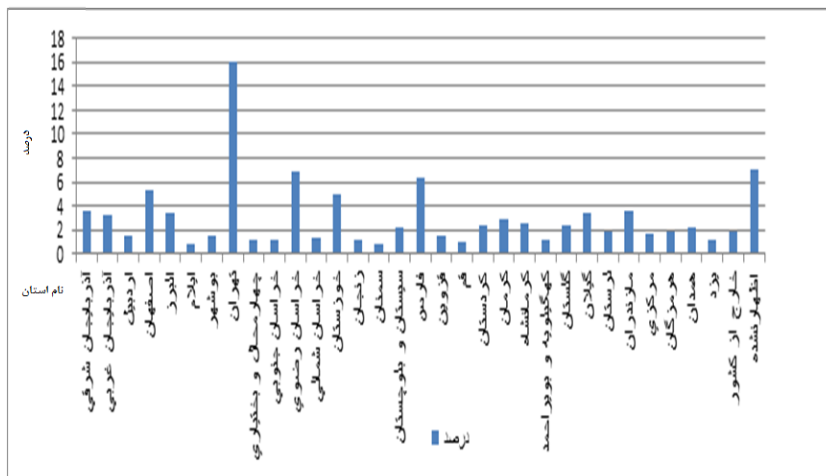
این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. بدین منظور پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز از مرکز آمار ایران، با استفاده از روش تحلیل ثانویه و تجزیه و تحلیل‌های آماری در نرم‌افزار Excell و PASW به بررسی وضعیت مهاجرتی در استان خراسان رضوی پرداخته شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه مهاجرت‌های صورت گرفته از استان خراسان رضوی به سایر استان‌های کشور و بالعکس در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ است که با توجه در دسترس بودن جامعه آماری، نمونه‌گیری صورت نگرفته است. هم‌چنین به منظور ترسیم نقشه حرکت‌های مهاجرتی از نرم‌افزار Arc Map10 استفاده شده است.

یافته های تحقیق

وضعیت مهاجرین خارج شده از استان های کشور با تأکید بر استان خراسان رضوی بررسی وضعیت استان های کشور به لحاظ میزان مهاجرین خارج شده از آن ها طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ نشان می دهد که استان تهران در دوره مورد مطالعه، بیشترین مهاجرفرستی را داشته است و استان خراسان رضوی با میزان ۳۷۹۲۶۲ (۶/۸۵) نفر جابه جایی در جایگاه دوم از نظر حرکت جمعیتی در کشور قرار دارد. جدول یک میزان مهاجرت های صورت گرفته در کشور را بر حسب محل اقامت قبلی و شکل یک رتبه و جایگاه استان های کشور را بر حسب میزان مهاجرت ها در دوره مورد مطالعه نشان می دهد.

جدول (۱) میزان مهاجرت های صورت گرفته در کشور بر حسب محل اقامت قبلی

استان اقامت فعلی	جمع	درصد	استان اقامت فعلی	کل مهاجرت صورت گرفته	اقامت قبلی استان خراسان
آذربایجان شرقی	۱۷۷۳۷۶	۳/۲۰۴	فارس	۳۵۰۲۰۳	۶/۳۲۷۴۴۶
آذربایجان غربی	۸۰۰۵۲	۱/۴۴۶	قزوین	۸۶۸۷۸	۱/۵۶۹۷۰۶
اردبیل	۲۹۶۰۶۱	۵/۳۴۹۲۱۲	قم	۵۳۵۰۹	۰/۹۶۶۷۹۷
اصفهان	۱۸۶۸۷۳	۳/۳۷۶۴۱	کردستان	۱۳۵۰۵۶	۲/۴۴۰۱۸۳
البرز	۴۲۱۰۶	۰/۷۶۰۷۶۹	کرمان	۱۵۸۹۷۹	۲/۸۷۲۴۲۳
ایلام	۸۴۱۰۴	۱/۵۱۹۵۸۶	کرمانشاه	۱۴۳۹۶۳	۲/۶۰۱۱۱۵
بوشهر	۸۹۲۷۳۲	۱۶/۱۲۹۸۳	کهگیلویه و بویراحمد	۶۵۶۴۱	۱/۱۸۵۹۹۷
تهران	۶۶۰۱۰	۱/۱۹۲۶۶۵	گلستان	۱۲۹۱۹۷	۲/۳۳۴۳۲۳
چهارمحال و بختیاری	۶۶۰۱۵	۱/۱۹۲۷۵۵	گیلان	۱۸۵۲۳۴	۳/۳۴۶۷۹۶
خراسان جنوبی	۳۷۹۲۶۲	۶/۸۵۲۴۸۲	لرستان	۹۹۰۷۷	۱/۷۹۰۱۱۷
خراسان رضوی	۷۶۵۶۲	۱/۳۸۳۳۱۷	مازندران	۱۹۴۶۵۵	۳/۵۱۷۰۱۴
خراسان شمالی	۲۷۴۹۹۳	۴/۹۶۸۵۵۶	مرکزی	۹۴۲۳۱	۱/۷۰۲۵۶
خوزستان	۶۶۱۳۲	۱/۱۹۴۸۶۹	هرمزگان	۱۰۰۷۰۶	۱/۸۱۹۵۵
زنجان	۴۷۵۳۲	۰/۸۵۸۸۰۵	همدان	۱۱۷۵۹۸	۲/۱۲۴۷۵۳
سمنان	۲۰۰۲۰۶	۶۹۴۴	یزد	۶۵۲۷۴	۱/۱۷۹۳۶۷
سیستان و بلوچستان	۱۲۲۳۲۸	۲/۲۱۰۲۱۵	خارج از کشور	۱۰۲۵۱۹	۱/۸۵۲۳۰۷
جمع کل	۲۰۰۲۰۶	۳/۶۱۷	اظهاری نشده	۳۹۳۶۰۲	۷/۱۱۱۵۷۶



شکل ۲) رتبه و جایگاه استان های کشور بر حسب میزان مهاجرت های صورت گرفته در آنها

در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰

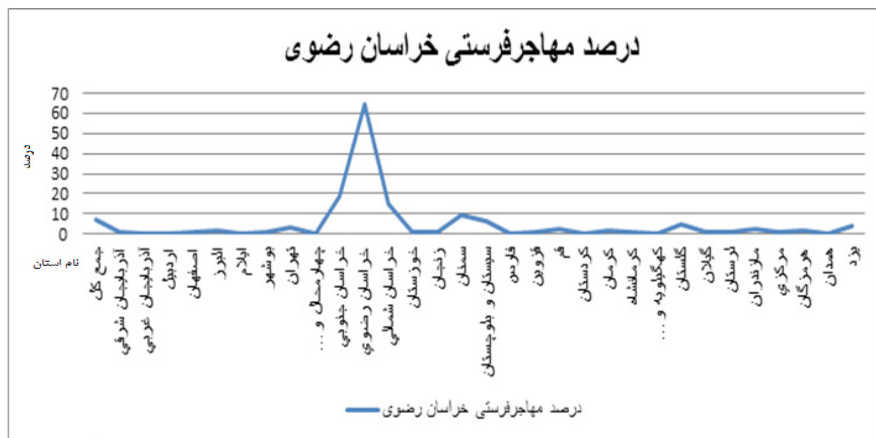
تعیین استان های مهاجرپذیر از استان خراسان رضوی

بررسی وضعیت مهاجرفرستی استان خراسان رضوی نشان می دهد که این استان پس از بیشترین میزان جابه جایی در درون خود (۶۴/۸۲٪ جابه جایی در درون خود) بیشترین میزان مهاجرفرستی خود را به ترتیب به استان خراسان جنوبی با ۱۸/۶۱٪، استان خراسان شمالی با ۱۵/۲۶٪، استان سمنان با ۹/۶۲٪ و استان سیستان و بلوچستان با ۶/۷۵٪ داشته است. هم چنین استان خراسان رضوی کمترین میزان مهاجرفرستی را به ترتیب به استان های کهگیلویه و بویراحمد با ۰/۱۲٪ و استان کردستان با ۰/۱۹٪ داشته است. جدول (۲) میزان مهاجرت های صورت گرفته در کشور بر حسب محل اقامت قبلی (خراسان رضوی) و شکل (۳) درصد میزان مهاجرت های صورت گرفته در کشور بر حسب محل اقامت قبلی (خراسان رضوی) و شکل (۴) وضعیت مهاجرفرستی استان خراسان رضوی را در دوره مورد مطالعه نشان میدهد.

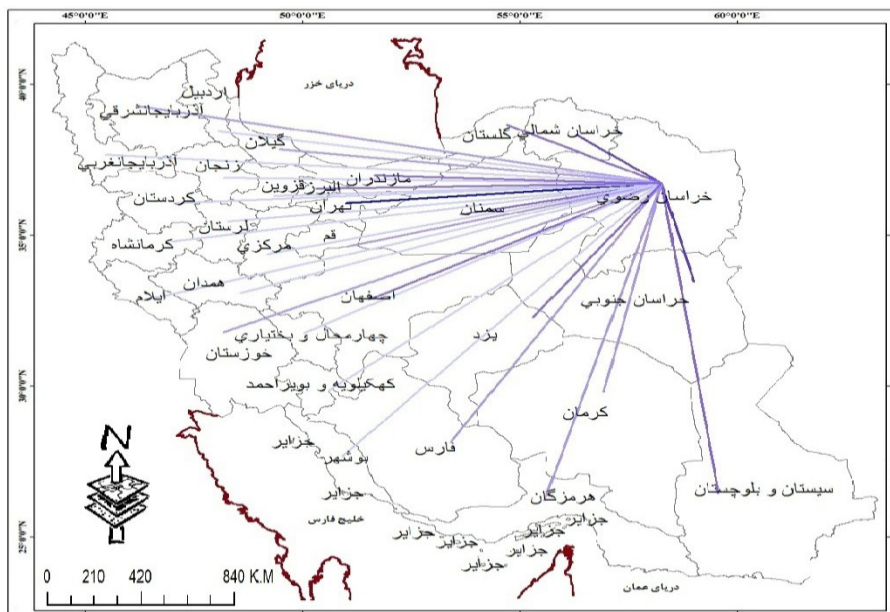
جدول ۲) میزان مهاجرت های صورت گرفته در کشور بر حسب محل اقامت قبلی (خراسان رضوی)

استان اقامت فعلی	کل مهاجرت صورت گرفته	اقامت قبلی استان خراسان رضوی	درصد مهاجرتی خراسان رضوی	استان اقامت فعلی	کل مهاجرت صورت گرفته	اقامت قبلی استان خراسان رضوی	درصد مهاجرتی خراسان رضوی
آذربایجان شرقی	۲۰۹۱۹۸	۱۲۸۸	۰/۶۱۵	فارس	۳۶۴۳۹۶	۱۸۰۴	۰/۴۹۵
آذربایجان غربی	۱۷۷۵۳۹	۵۶۰	۰/۳۱۵	قزوین	۸۹۱۶۸	۷۳۸	۰/۸۲۷
اردبیل	۷۰۹۰۶	۳۷۴	۰/۵۲۷	قم	۶۸۲۰۲	۱۸۷۵	۲/۷۴۹
اصفهان	۳۷۷۰۹۷	۳۸۸۷	۱/۰۳۰	کردستان	۱۳۱۵۶۸	۲۵۹	۰/۱۹۶
البرز	۳۰۳۸۵۰	۴۷۲۰	۱/۵۵۳	کرمان	۱۶۸۵۵۱	۲۶۹۲	۱/۵۹۷
ایلام	۴۲۷۵۹	۲۰۶	۰/۴۸۱	کرمانشاه	۱۱۳۶۱۲	۶۸۵	۰/۶۰۲
بوشهر	۱۲۴۴۵۸	۸۲۴	۰/۶۶۲	کهگیلویه و بویراحمد	۶۵۱۷۵	۸۰	۰/۱۲۲
تهران	۹۷۸۸۱۱	۲۸۷۶۱	۲/۹۳۸	گلستان	۱۵۱۱۷۸	۶۸۲۳	۴/۵۱۳
چهارمحال و بختیاری	۵۴۱۹۶	۱۷۸	۰/۳۲۸	گیلان	۲۲۷۱۸۵	۲۰۸۸	۰/۹۱۹
خراسان جنوبی	۸۴۶۹۲	۱۵۷۶۶	۱۸/۶۱۵	لرستان	۷۲۰۶۲	۴۴۲	۰/۶۱۳
خراسان رضوی	۴۰۷۶۸۰	۲۶۴۲۴۱	۶۴/۸۱۵	مازندران	۲۳۶۳۸۲	۵۲۱۹	۲/۲۰۷
خراسان شمالی	۸۱۷۵۴	۱۲۴۷۹	۱۵/۲۶۴	مرکزی	۱۱۰۴۶۵	۹۹۲	۰/۸۹۸
خوزستان	۲۴۲۱۸۱	۱۶۹۴	۰/۶۹۹	هرمزگان	۱۲۰۹۷۶	۲۱۵۱	۱/۷۷۸
زنجان	۷۵۵۳۶	۴۳۸	۰/۵۷۹	همدان	۱۰۹۲۰۲	۴۴۲	۰/۴۰۴
سمنان	۷۲۰۹۸	۶۹۴۴	۹/۶۳۱	یزد	۱۰۳۳۳۶	۳۸۲۲	۳/۶۹۸
سیستان و بلوچستان	۱۰۰۴۵۳	۶۷۹۰	۶/۷۵۹	جمع کل	۵۵۳۴۶۶۶	۳۷۹۲۶۲	۸/۸۵۲

منبع: محاسبات نگارندگان



شکل ۳) میزان مهاجرت های صورت گرفته در کشور بر حسب محل اقامت قبلی (خراسان رضوی)



شکل ۴) وضعیت مهاجر فرستی استان خراسان رضوی

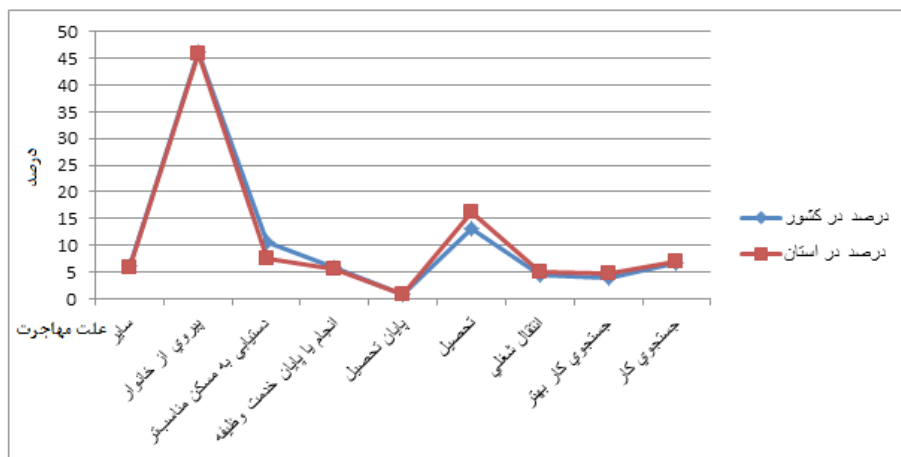
بررسی علل مهاجرت در کشور و استان خراسان رضوی

بررسی علل مهاجرت در کشور نشان می‌دهد که مهم‌ترین دلیل مهاجرت در بین استان‌های کشور مهاجرت تبعی ۴۶/۲۱٪، تحصیل ۱۳/۱۶٪، دستیابی به مسکن مناسب‌تر ۱۰/۵۸٪ و جستجوی کار ۶/۵۸٪ است. هم‌چنین بررسی علل مهاجرت از استان خراسان رضوی به سایر استان‌های کشور نشان می‌دهد که ۴۵/۷۶٪ مهاجرت‌ها از استان به دلیل مهاجرت تبعی، ۱۶/۲۴٪ به دلیل تحصیل، ۷/۶۲٪ به دلیل دستیابی به مسکن مناسب‌تر و ۷/۰۸٪ به دلیل جستجوی شغل است. بررسی علل مهاجرت در استان نیز نشان دهنده آن است که به لحاظ جنسیت، بیشتر مهاجرت‌هایی که در استان توسط زنان صورت گرفته به دلیل مهاجرت تبعی و تحصیل می‌باشد و در مردان نیز بیشترین میزان مهاجرت نیز به دلیل مهاجرت تبعی و تحصیل می‌باشد. البته باید توجه داشت میزان مهاجرت‌هایی که توسط زنان به دلیل مهاجرت تبعی صورت گرفته، خیلی بیشتر از مردان است و برعکس میزان مهاجرت‌هایی که به دلیل جستجوی کار بهتر و جستجوی کار صورت گرفته، در مردان بیشتر از زنان است. هم‌چنین میزان مهاجرت زنان و مردان به علت تحصیل تقریباً برابر است. جدول (۳) و شکل (۵) به بررسی علل مهاجرت در ایران با تأکید بر استان خراسان رضوی پرداخته است و شکل (۶) میزان مهاجران خارج شده از استان خراسان رضوی بر حسب علت مهاجرت در دوره مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۳) علل مهاجرت در ایران با تأکید بر استان خراسان رضوی

جنس و استان محل اقامت قبلی	جستجوی کار	جستجوی کار بهتر	انتقال شغلی	تحصیل	پایان تحصیل	انجام یا پایان خدمت وظیفه	دستیابی به مسکن مناسب‌تر	پیروی از خانوار	سایر	اظهار نشده
مردوزن	۳۶۶۹۶	۲۱۰۳۴۱	۲۵۰۰۸۸	۷۲۸۸۰۷	۴۳۸۳۸	۳۲۰۸۴۵	۵۵۵۹۹۲	۳۵۵۸۰۹۵	۳۴۵۸۷۸	۱۲۶۰۸۶
آذربایجان شرقی	۱۲۱۸۰	۷۳۲۳	۸۷۲۱	۲۷۱۷۸	۱۸۶۳	۱۷۴۷۲	۲۴۱۹۱	۸۶۷۲۹	۱۱۳۰۴	۳۲۴۵
آذربایجان غربی	۱۱۰۴۹	۶۶۹۴	۷۶۳۵	۳۵۹۸۰	۱۱۱۸	۱۷۱۸۱	۱۷۵۷۱	۷۸۰۶۱	۸۶۴۲	۳۴۶۵
اردبیل	۶۷۲۹	۳۲۲۰	۳۲۵۵	۱۱۷۰۴	۱۰۱۲	۶۷۵۹	۴۹۱۴	۷۰۰۶۶	۴۰۶۲	۷۹۱
اصفهان	۱۴۹۷۲	۱۰۵۷۲	۱۲۰۸۱	۳۶۵۱۴	۲۳۵۷	۱۴۹۸۳	۳۷۴۱۴	۱۴۱۸۸۴	۲۱۷۲۲	۳۵۶۲
البرز	۹۴۹۳	۶۳۸۶	۶۳۲۶	۹۶۲۰	۳۹۹	۴۶۹۵	۲۹۵۱۶	۱۰۰۰۸۷	۱۷۶۸۸	۲۶۶۳
ایلام	۲۷۷۰	۱۳۵۰	۲۹۲۱	۷۹۹۴	۵۴۱	۳۸۴۵	۲۷۸۸	۱۷۵۲۷	۱۸۶۳	۴۹۷
بوشهر	۵۵۷۹	۳۰۴۰	۶۱۳۸	۱۱۶۰۶	۶۰۵	۵۲۳۳	۷۲۷۲	۳۸۸۳۳	۴۴۶۰	۱۳۳۸
تهران	۳۶۱۶۷	۲۷۶۹۶	۳۳۲۶۱	۴۳۳۵۴	۴۱۳۱	۳۰۶۷۴	۱۶۳۵۴۹	۴۶۵۹۶۷	۷۴۹۸۷	۱۲۹۴۶
چهارمحال و بختیاری	۴۹۶۲	۲۹۶۱	۲۸۱۳	۱۴۰۶۶	۴۰۵	۲۹۹۳	۵۸۲۰	۲۷۴۸۵	۳۴۶۲	۱۰۴۳
خراسان جنوبی	۳۱۱۰	۱۹۵۹	۳۴۲۰	۱۸۶۶۰	۸۸۸	۴۲۵۲	۴۴۴۶	۲۶۳۳۱	۲۴۸۷	۴۶۲
خراسان رضوی	۲۶۸۲۲	۱۸۵۰۷۷	۱۸۶۶۱	۶۱۶۱۵	۳۵۶۹	۳۰۸۶۸	۲۸۹۱۸	۱۷۳۵۵۶	۲۲۱۲۸	۲۴۶۸
خراسان شمالی	۵۹۷۵	۳۴۲۵	۴۴۷۳	۱۸۶۶۱	۹۱۲	۵۸۸۰	۴۷۲۶	۲۹۴۱۶	۳۲۳۳	۹۶۱
خوزستان	۱۵۳۶۴	۷۹۷۰	۱۴۹۱۱	۳۱۵۱۲	۱۷۷۸	۲۲۳۴۸	۲۶۸۳۷	۱۲۸۱۹۹	۲۱۸۲۲	۴۳۵۲
زنجان	۵۰۷۹	۲۶۳۶	۲۵۵۴	۱۴۵۶۱	۷۵۱	۴۹۰۸	۴۵۹۹	۲۶۴۲۶	۳۷۱۷	۹۰۱
سمنان	۲۹۸۲	۲۰۷۱	۲۸۲۹	۷۰۵۶	۷۴۶	۴۰۴۴	۳۹۳۵	۲۰۴۷۷	۲۶۱۵	۷۴۷
سیستان و بلوچستان	۷۰۷۲	۳۸۰۷	۹۴۲۱	۸۱۱	۹۴۱	۱۲۹۸۹	۶۵۹۷	۵۸۰۸۶	۶۵۹۱	۲۰۱۳
فارس	۲۲۶۷۰	۱۳۳۹۹	۱۶۹۷۶	۷۱۱۷۷	۳۶۵۰	۳۰۲۴۸	۳۲۷۸۸	۱۴۷۱۱۹	۱۷۶۶۰	۴۵۱۶
قزوین	۵۳۰۶	۳۲۲۹	۳۰۷۱	۷۹۲۵	۵۱۷	۴۴۹۳	۱۱۰۳۳	۴۳۸۹۶	۶۱۳۳	۱۲۷۵
قم	۲۹۸۴	۲۰۷۰	۳۲۴۳	۶۳۲۴	۵۲۴	۲۱۵۶	۳۹۷۶	۲۷۹۳۵	۳۵۹۶	۶۸۱
کردستان	۱۰۵۹۷	۵۲۳۷	۶۲۰۵	۲۴۳۲۹	۱۳۸۸	۱۲۱۶۳	۸۷۸۸	۶۰۳۳۲	۴۹۰۹	۱۱۰۸
کرمان	۸۱۶۸	۴۹۲۶	۷۲۶۹	۴۷۳۱۲	۱۷۸۳	۹۶۲۰	۱۱۸۴۲	۵۷۶۰۵	۸۲۰۱	۲۲۵۳
کرمانشاه	۱۳۲۲۹	۵۶۳۱	۷۶۸۸	۲۰۷۸۸	۸۳۴	۱۱۷۷۱	۹۸۳۹	۶۶۳۶۲	۶۳۵۳	۱۴۶۸
کهگیلویه و بویراحمد	۳۴۴۵	۱۹۵۹	۲۸۰۰	۱۳۳۷۱	۸۳۹	۱۶۸۹	۵۹۸۰	۳۲۳۵۶	۲۷۶۹	۵۳۳
گلستان	۶۸۷۸	۴۵۸۴	۴۳۱۹	۱۵۹۳۱	۷۹۴	۷۴۵۴	۱۲۵۱۸	۶۸۶۸۱	۶۷۲۵	۱۳۱۳
گیلان	۱۱۸۳۰	۷۰۵۲	۶۶۸۴	۱۴۱۲۳	۱۲۱۹	۸۶۱۷	۲۵۵۴۹	۹۵۱۶۷	۱۳۲۹۵	۱۶۹۸
لرستان	۸۹۶۸	۴۳۴۹	۵۸۶۴	۱۵۱۸۵	۷۲۶	۶۳۲۲	۶۵۴۰	۴۵۴۶۳	۴۴۱۰	۱۲۵۰
مازندران	۸۱۰۱	۶۵۱۳	۷۱۶۰	۱۹۷۰۹	۲۲۳۸	۹۴۳۸	۳۱۰۳۹	۹۴۷۷۲	۱۲۷۶۷	۲۹۱۸
مرکزی	۷۷۵۳	۴۴۳۸	۳۹۳۰	۱۱۸۶۶	۸۴۰	۴۷۲۲	۷۹۴۲	۴۵۷۸۸	۶۰۰۰	۹۶۲
هرمزگان	۵۵۱۵	۳۷۱۵	۷۸۶۴	۱۹۳۳۲	۷۰۱	۸۵۱۶	۶۳۹۸	۴۳۵۹۲	۴۶۵۳	۱۴۲۰
همدان	۱۰۵۵۲	۵۵۲۲	۸۴۴۱	۲۰۹۷۱	۱۰۳۵	۶۹۴۹	۸۰۱۳	۵۱۷۸۴	۵۵۱۵	۱۳۳۶
یزد	۴۵۲۶	۲۶۲۹	۲۵۶۴	۱۱۸۶۶	۱۱۰۴	۳۲۷۳	۵۹۴۱	۲۸۶۴۱	۳۹۰۴	۸۲۶
خارج از کشور	۳۵۶۹۲	۹۲۷۷	۱۸۳۵	۴۵۰۹	۱۳۴۰	۴۱	۱۴۰۶	۳۸۷۴۹	۷۵۸۱	۲۰۸۹
اظهار نشده	۲۸۳۱۷	۱۵۶۹۴	۱۸۲۹۵	۴۹۲۱۷	۲۲۹۰	۲۴۲۰۹	۲۲۳۰۷	۱۵۴۷۲۳	۲۰۵۶۴	۵۶۹۸۶

منبع: محاسبات نگارندگان برگرفته از مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰



شکل ۷) مقایسه درصد علل مهاجرت در کشور و استان خراسان رضوی

بررسی وضعیت و علت مهاجرت‌هایی که در کشور و استان خراسان رضوی صورت گرفته است (شکل ۷)، نشان می‌دهد که در موارد بسیاری میزان مهاجرت بر حسب یک علت خاص در استان خراسان رضوی با میزان علت مهاجرت همان عامل در سطح کشور نزدیک است، تنها در سه عامل دستیابی به مسکن بهتر، تحصیل و جستجوی کار بهتر، میزان مهاجرت در استان خراسان رضوی کمتر از کشور بوده است.

بررسی و شناخت استان های مهاجرفرست به استان خراسان رضوی

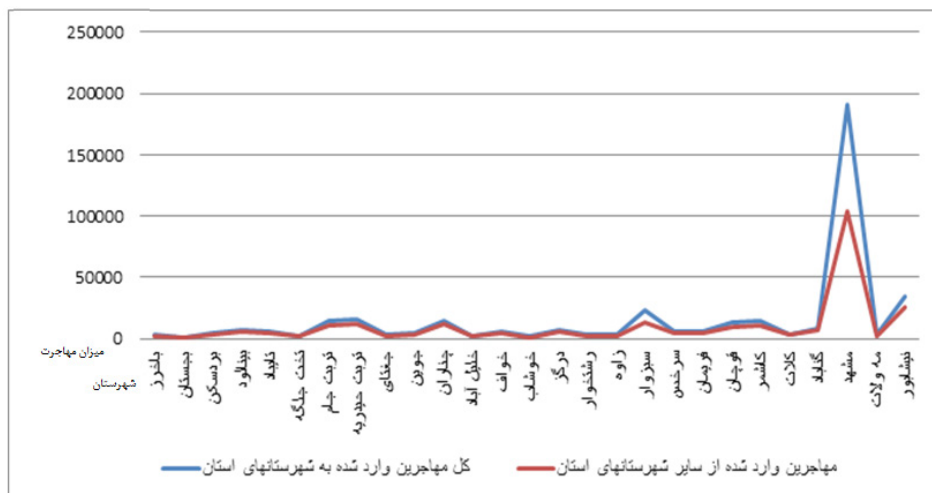
بررسی ساختار جمعیتی مهاجرفرستی استان های کشور نشان می دهد که ۶۴/۸۲٪ از مهاجرت هایی که به استان خراسان رضوی صورت گرفته، مربوط به خود استان است و تنها ۷/۳۶٪ از مهاجران سایر استان های کشور، به استان خراسان رضوی وارد شده اند. بنابراین می توان نتیجه گرفت الگوی فعلی مهاجرت به استان، درون استانی است. هم چنین از بین سایر استان ها، استان تهران، استان سیستان و بلوچستان و استان خراسان شمالی به ترتیب با ۶/۸۴٪، ۳/۴۰۶٪ و ۲/۹۴۶٪ بیشترین میزان مهاجر را به استان خراسان رضوی داشته و استان های مرکزی، کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال بختیاری به ترتیب با ۰/۱۸، ۰/۲۳ و ۰/۰۶۸٪ کمترین میزان مهاجرت را به استان خراسان رضوی داشته اند. هم چنین باید توجه داشت که از کل مهاجرت هایی که به تمامی استان های کشور صورت گرفته، سهم استان خراسان رضوی ۷/۳۶۵٪ می باشد. جدول (۴) وضعیت استان های مهاجرفرست به استان خراسان رضوی و شکل (۸) سهم استان خراسان رضوی از میزان مهاجرت صورت گرفته از هر استان و شکل (۹) وضعیت مهاجرپذیری استان خراسان رضوی از سایر استان های کشور را نشان می دهد.

جدول (۴) وضعیت استان های مهاجرفرست به استان خراسان رضوی

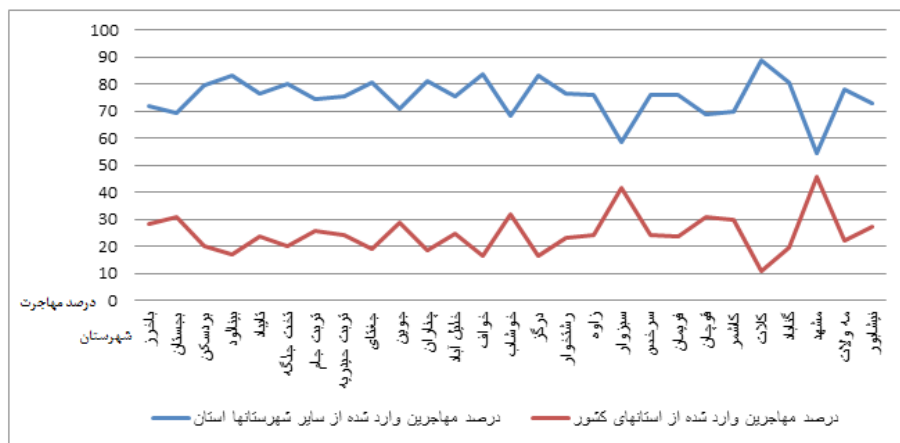
جنس و استان محل اقامت قبلی	اقامت فعلی استان خراسان رضوی	نسبت مهاجرین وارد شده از استان های مختلف به استان خراسان رضوی	جمع
مرد و زن	۴۰۷۶۸۰	۷/۳۶۵	۵۵۳۴۶۶۶
آذربایجان شرقی	۱۴۵۲	۰/۳۵۶	۲۰۰۲۰۶
آذربایجان غربی	۷۹۴	۰/۱۹۵	۱۷۷۳۷۶
اردبیل	۴۵۴	۰/۱۱۱	۸۰۰۵۲
اصفهان	۴۰۰۱	۰/۹۸۱	۲۹۶۰۶۱
البرز	۲۹۹۱	۰/۷۳۴	۱۸۶۸۷۳
ایلام	۲۳۷	۰/۰۵۸	۴۲۱۰۶
بوشهر	۶۷۲	۰/۱۶۵	۸۴۱۰۴

۸۹۲۷۳۲	۶/۸۴۷	۲۷۹۱۲	تهران
۶۶۰۱۰	۰/۰۶۸	۲۷۷	چهارمحال و بختیاری
۶۶۰۱۵	۲/۱۲۲	۸۶۵۱	خراسان جنوبی
۳۷۹۲۶۲	۶۴/۸۲	۲۶۴۲۴۱	خراسان رضوی
۷۶۵۶۲	۲/۹۴۶	۱۲۰۱۲	خراسان شمالی
۲۷۴۹۹۳	۰/۹۹۱	۴۰۴۲	خوزستان
۶۶۱۳۲	۰/۰۹۶	۳۹۱	زنجان
۴۷۵۳۲	۰/۹۱۸	۳۷۴۴	سمنان
۱۲۲۳۲۸	۳/۴۰۶	۱۳۸۸۴	سیستان و بلوچستان
۳۵۰۲۰۳	۰/۶۲۲	۲۵۳۴	فارس
۸۶۸۷۸	۰/۱۹۸	۸۰۷	قزوین
۵۳۵۰۹	۰/۴۵۶	۱۸۶۱	قم
۱۳۵۰۵۶	۰/۰۸۷	۳۵۶	کردستان
۱۵۸۹۷۹	۰/۹۷۷	۳۹۸۳	کرمان
۱۴۳۹۶۳	۰/۳۰۷	۱۲۵۰	کرمانشاه
۶۵۶۴۱	۰/۰۲۳	۹۲	کهگیلویه و بویراحمد
۱۲۹۱۹۷	۱/۰۶۱	۴۳۲۷	گلستان
۱۸۵۲۳۴	۰/۳۳۲	۱۳۵۴	گیلان
۹۹۰۷۷	۰/۱۸۹	۷۷۰	لرستان
۱۹۴۶۵۵	۰/۸۴۵	۳۴۴۵	مازندران
۹۴۲۳۱	۰/۱۸	۷۳۴	مرکزی
۱۰۰۷۰۶	۰/۴۸۹	۱۹۹۲	هرمزگان
۱۱۷۵۹۸	۰/۱۶۳	۶۶۶	همدان
۶۵۲۷۴	۰/۷۷۱	۳۱۴۲	یزد
۱۰۲۵۱۹	۱/۲۵۳	۵۱۰۹	خارج از کشور
۳۹۳۶۰۲	۷/۲۳۷	۲۹۵۰۳	اظهاری نشده

بررسی نسبت مهاجرین وارد شده به شهرستان های استان به کل مهاجرین شهرستان ها بررسی وضعیت بین کل مهاجرین وارد شده به شهرستان های استان و میزان مهاجران وارد شده از درون استان به شهرستان های استان، نشان دهنده آن است که بخش اعظم مهاجرانی که به شهرستان های استان خراسان رضوی وارد می شوند، از درون استان بوده و از سایر استان های کشور به جز استان تهران، مهاجرین اندکی به درون استان وارد می شود. به طوری که براساس نتایج حاصل از تحقیق، ۷۵/۲۳٪ از کل مهاجرت هایی که به شهرستان های استان خراسان رضوی صورت گرفته است، از درون استان بوده است. هم چنین نتایج نشان می دهد که تنها دو شهرستان اصلی استان (مشهد و سبزوار) بیشترین میزان مهاجرت های برون استانی را به خود اختصاص می دهند، به طوری که ۴۵/۶۸٪ از مهاجران شهرستان مشهد و ۴۱/۵۰٪ از مهاجران وارد شده به شهرستان سبزوار را، مهاجران سایر استان های کشور به خود اختصاص می دهند. هم چنین شهرستان کلات با پذیرش ۸۹/۰۶٪ از مهاجران درون استان، بیشترین سهم مهاجرت درون استانی را به خود اختصاص می دهد. به طور کلی می توان نتیجه گرفت که الگوی کنونی مهاجرت در استان خراسان رضوی، الگویی درون استانی است و تنها ۲۴/۷۶٪ از مهاجرین وارد شده به شهرستان های استان، از سایر استان های کشور می باشد. شکل (۱۰) نسبت مهاجرت های درون استانی به کل مهاجرین وارد شده به شهرستان های استان و شکل (۱۱) نسبت مهاجرت درون استانی و برون استانی به شهرستان های استان خراسان رضوی را نشان می دهد.



شکل ۱۰) نسبت مهاجرت های درون استانی به کل مهاجرین وارد شده به شهرستان های استان



شکل ۱۱) نسبت مهاجرت درون استانی و برون استانی به شهرستان های استان خراسان رضوی

[illegible]

شکل ۱۲) توزیع زمانی مهاجرین وارد شده به شهرستان های استان خراسان رضوی

سابقه مهاجرت به تاریخ عمر بشر بر می‌گردد. انسان اولیه همواره مهاجرت و جابه‌جایی‌های مکانی را یگانه راهبرد و راه حل‌گریز از مصائب و مشکلات خود دیده است. مهاجرت‌ها دارای علل مختلفی می‌باشد که با توجه به شرایط مکان و افراد، این انگیزه‌ها و علل متغیر خواهد بود. براین اساس، در این پژوهش به بررسی و تحلیل الگوی مهاجرت در استان خراسان رضوی پرداخته شده است. نتایج نهایی تحقیق نشان داد که الگوی اصلی مهاجرت در استان خراسان رضوی، الگوی درون‌استانی است و بیشتر

مهاجرت‌های صورت گرفته به استان خراسان رضوی، ناشی از حرکت‌های مهاجرتی افراد در درون استان است (سؤال اول تحقیق). هم‌چنین نتایج حاصل از بررسی وضعیت مهاجرفرستی و مهاجرپذیری استان خراسان رضوی (سؤال دوم و سوم تحقیق) نشان داد که استان خراسان رضوی با ۶/۸۵٪ از کل حرکت‌های مهاجرتی کشور در زمینه مهاجرفرستی، پس از استان تهران با ۱۶/۱۲٪، در جایگاه دوم قرار دارد. البته باید توجه داشت از کل مهاجرت‌های صورت گرفته در استان، ۶/۸۵٪ میزان مهاجرانی که در طی دوره پنج ساله مورد مطالعه در درون استان مهاجرت داشته‌اند، حدود ۶۴/۸۲٪ می‌باشند. به عبارتی دیگر، ۶۴/۸۲٪ از مهاجرت‌های که استان داشته مهاجرت درون‌استانی بوده است و تنها ۳۵/۱۸٪ از مهاجرت‌هایی که به استان خراسان رضوی صورت گرفته، از سایر استان‌های کشور می‌باشد. به طور کلی در زمینه مهاجرت‌های بین‌استانی استان‌های تهران، سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و خراسان جنوبی به ترتیب با میزان مهاجرفرستی ۶/۸۴، ۳/۴، ۲/۹۴۶ و ۲/۱۲٪ بیشترین میزان مهاجرفرستی را به استان خراسان رضوی داشته‌اند و سه استان مرکزی، کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال بختیاری به ترتیب با میزان مهاجرفرستی ۰/۱۸، ۰/۲۳ و ۰/۰۶۸٪ کمترین میزان مهاجرفرستی را به استان خراسان رضوی داشته‌اند. باید یادآور شد که سهم مهاجرپذیری استان خراسان رضوی نسبت به کل کشور در طی دوره مورد مطالعه، ۷/۳۶۵٪ بوده است. هم‌چنین بررسی وضعیت مهاجرفرستی استان خراسان رضوی نسبت به سایر استان‌های کشور نشان می‌دهد که این استان پس از خود (۶۴/۸۲٪ مهاجرت‌های صورت گرفته در درون استان)، بیشترین میزان مهاجرفرستی را به ترتیب به استان‌های خراسان جنوبی با ۱۸/۶۱٪، استان خراسان شمالی با ۱۵/۲۶٪، استان سمنان با ۹/۶۲٪ و استان سیستان و بلوچستان با ۶/۷۵٪ داشته است. هم‌چنین استان خراسان رضوی کمترین میزان مهاجرفرستی خود را به ترتیب به استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با ۰/۱۲٪ و استان کردستان با ۰/۱۹٪ داشته است.

بررسی وضعیت بین کل مهاجرین وارد شده به شهرستان‌های استان و میزان مهاجران وارد شده از درون استان به شهرستان‌های استان، نشان‌دهنده آن است که بخش

اعظم مهاجرانی که به شهرستان‌های استان خراسان رضوی وارد می‌شوند، از درون استان بوده و از سایر استان‌های کشور به جز استان تهران، مهاجرین اندکی به درون استان وارد می‌شود. به طوری که بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، ۷۵/۲۳٪ از کل مهاجرت‌هایی که به شهرستان‌های استان خراسان رضوی صورت گرفته است، از درون استان بوده است. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که تنها دو شهرستان اصلی استان (مشهد و سبزوار) بیشترین میزان مهاجرت‌های برون‌استانی را به خود اختصاص می‌دهند. به طوری که ۴۵/۶۸٪ از مهاجران شهرستان مشهد و ۴۱/۵٪ از مهاجران وارد شده به شهرستان سبزوار را، مهاجران سایر استان‌های کشور در برمی‌گیرد. هم‌چنین شهرستان کلات با پذیرش ۸۹/۰۶٪ از مهاجران درون استان‌ها، بیشترین سهم مهاجرت درون‌استانی را به خود اختصاص می‌دهد. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که الگوی کنونی مهاجرت در استان خراسان رضوی، الگویی درون‌استانی است و تنها ۲۴/۷۶٪ از مهاجرین وارد شده به شهرستان‌های استان، از سایر استان‌های کشور می‌باشد. به طور کلی نتایج حاصل از انجام تحقیق نشان داد که الگوی مهاجرت استان خراسان رضوی از نظریه جذب و دفع روانشتاین پیروی می‌کند.

پیشنهاده‌ها

۱. بررسی الگوی مهاجرت در درون شهرهای استان، این امر می‌تواند به ارائه الگویی جامع از ساختار مهاجرتی استان و ارائه راهکارهایی برای کنترل مهاجرت در استان مؤثر باشد؛
۲. ضرورت تأکید بر مدیریت هماهنگ در شرایط فعلی و پس از آن مدیریت واحد و یکپارچه در بحث مهاجرین؛
۳. ساماندهی مهاجران در شهرهای مشهد و سبزوار به منظور جلوگیری از گسترش حاشیه‌نشینی و به تبع آن کاهش رفتارهای مجرمانه؛
۴. ایجاد واحدی مطالعاتی و برنامه‌ریزی در استانداری به منظور شناخت شرایط سنی، جنسی و حرکت‌های مهاجران در دوره‌های زمانی مختلف، به منظور کاهش

- مهاجرت‌ها از طریق برنامه‌ریزی بلندمدت؛
۵. توجه به امکانات و قابلیت‌های مکانی و جغرافیایی سایر استان‌های کشور و شهرستان‌های استان خراسان رضوی به منظور از بین بردن و یا کاهش عوامل دافعه در مبدأ؛
۶. استفاده از ظرفیت شهرهای مرزی استان به منظور تغییر جریان مهاجرتی استان و سرازیر کردن مهاجران وارد شده به استان به سوی این شهرها، تا از این طریق ضمن ایجاد تعادل در پهنه استان، از ورود مهاجران به شهرهای اصلی استان هم‌چون مشهد و سبزوار کاسته شود. به عنوان مثال، ایجاد بازارچه‌های مرزی در نقاط مناسب مرزی که این امر ضمن آن که باعث توجه مهاجرین داخلی به سمت این شهرها می‌شود، در گذر زمان باعث ایجاد تعادل در ساختار سرزمینی و استان می‌شود، هم‌چنین این امر در افزایش امنیت مناطق مرزی مؤثر خواهد بود؛
۷. از آن جایی که بیشتر شهرستان‌های مهاجرفرست درون استان خراسان رضوی، شهرهای کوچک و متوسط می‌باشند، از این رو بهتر است در این نوع شهرستان‌ها، بر بخش‌های اول اقتصادی (بخش کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و ...) تأکید و برنامه‌ریزی شود؛
۸. ضرورت تأکید بر مدیریت هماهنگ در شرایط فعلی و پس از آن مدیریت واحد و یکپارچه در بحث مهاجرین داخلی؛
۹. از آن جایی که تحصیل یکی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر در مهاجرت استان خراسان رضوی است، از این رو پیشنهاد می‌گردد با ایجاد قطب‌های علمی در شهرهای درجه دو و سه استان، زمینه سرازیر شدن مهاجران داخلی به این شهرها فراهم گردد، این امر از افزایش بی‌رویه جمعیت در شهر مشهد به عنوان کلان‌شهر اصلی استان می‌کاهد و در کاهش سطح جرائم مؤثر است؛
۱۰. انجام پژوهش‌های علمی و دانشگاهی درباره ابعاد مختلف مهاجرت، از جمله تأثیرات مهاجرت‌های داخلی بر امنیت کلان‌شهرها، آینده پژوهی اثرات مهاجرت بر امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی شهرها و کشور.

منابع

- ایمانی، محمدتقی (۱۳۶۸). "مهاجرت در کشورهای جهان سوم". *مجله ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال بیست و دوم، ش ۳ (پاییز): ۴۲-۳۱.
- بنی فاطمه، حسین (۱۳۶۷). "بیکاری و مهاجرت". *مجله رشد آموزش جغرافیا*، سال چهارم، ش ۱۳ (بهار): ۵۱-۵۶.
- بیک محمدی، حسن؛ مختاری ملک آبادی، رضا (۱۳۸۲). "تحلیلی جغرافیایی بر روند مهاجرت در استان خوزستان". *مجله جغرافیا و توسعه*، سال یکم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۳۶-۲۱.
- حاج حسینی، حسین (۱۳۸۵). "سیری در نظریه های مهاجرت". *فصلنامه راهبرد*، سال یازدهم، ش ۴۱ (پاییز): ۲۴۵ - ۲۴۹.
- دادرس، هوشنگ (۱۳۷۴). "علل مهاجرت و حاشیه نشینی و رابطه آن با افزایش جرم". پایان نامه کارشناسی ارشد انتظامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دانشگاه علوم انتظامی تهران.
- زرقانی، هادی (۱۳۸۶). *مقدمه ای بر شناخت مرزهای بین المللی با تأکید بر کارکرد امنیتی - انتظامی*. تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
- زرقانی، هادی؛ سجاسی قیداری، حمدالله (۱۳۹۳). *درآمدی بر مهاجرت و امنیت*. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی.
- زرقانی، هادی؛ موسوی، زهرا (۱۳۹۲). "مهاجرت های بین المللی و امنیت ملی". *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال شانزدهم، ش ۵۹ (بهار): ۲۶-۷.
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۰). *مهاجرت*. تهران: سمت.
- سرایی، محمدحسین؛ حسینی، مصطفی؛ قنبری، محمد (۱۳۹۴). *برنامه ریزی و مدیریت اتباع خارجی در ایران با تأکید بر مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی*. مشهد: پویا اندیش.
- سمیعی پور، داود (۱۳۹۱). "تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه منطقه ای

و تحولات نظام شهری (مطالعه موردی: استان خراسان رضوی). پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و علوم محیطی، دانشگاه حکیم سبزواری.

- طیبی نیا، مهري السادات (۱۳۸۸). "پیامدهای مهاجرت برای خانوارهای مهاجر به شهر تهران". *فصلنامه مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۱۴۳-۱۶۴.

- فخری زاده چنارسوخته، حسن (۱۳۹۰). "بررسی عوامل مرتبط با سازگاری مهاجرین افغانی (مطالعه موردی: شهرک گلشهر مشهد)". پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.

- قرخلو، مهدی؛ حبیبی، کیومرث (۱۳۸۵). "تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه یافتگی استان های کشور با استفاده از تکنیک های برنامه ریزی". *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، دوره بیست و یکم، ش ۲ (تابستان): ۵۹-۸۳.

- قیاسی، محمدحسین؛ حسینی، مصطفی؛ عین صالحی، محمدرضا (۱۳۹۳). "مهاجرت و راهبردهای کاهش آن (مطالعه موردی: شهر بهاباد)". *فصلنامه دانش انتظامی خراسان رضوی*، سال ششم، ش ۲۳ (بهار): ۱-۲۰.

- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). "سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران". [پیوسته] قابل دسترس در:

[http://nnt.sci.org.ir/sites/Apps/yearbook/Lists/year_book_req/Item/newifs.aspx?List=97c00882-734c-4417-831a-633d795b18ce&RootFolder=&Web=f9aca984-16ee-4860-8c00-bb43c696d32d\[۱۳۹۳/۱۱/۱۸\]](http://nnt.sci.org.ir/sites/Apps/yearbook/Lists/year_book_req/Item/newifs.aspx?List=97c00882-734c-4417-831a-633d795b18ce&RootFolder=&Web=f9aca984-16ee-4860-8c00-bb43c696d32d[۱۳۹۳/۱۱/۱۸])

- ----- (۱۳۸۷). سالنامه آماری استان خراسان رضوی. مشهد: استانداری خراسان رضوی.

- ----- (۱۳۹۰). "سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران". [پیوسته] قابل دسترس در:

http://nnt.sci.org.ir/sites/Apps/yearbook/Lists/year_book_req/Item/newifs.aspx?List=97c00882-734c-4417-831a-633d795b18ce&RootFolder=&Web=f9aca984-16ee-4860-8c00-bb43c696d32d[۱۳۹۳/۱۱/۱۸]

- نظریان، اصغر (۱۳۸۱). "شهرهای جهان آینده: کانون فاجعه انسانی با بستر تعامل فرهنگی". در: مجموعه مقالات همایش بین المللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا، جغرافیا بستری برای گفتگوی تمدن ها. به کوشش محمدحسین پاپلی یزدی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد؛ مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها: ۱۵۱-۱۶۲.

- Anoil, W. (1992). International Migration and European Security. Warszawa: Institute Studio Polity Polkaed Academia Nauk.

- Goke, N. (2011). "Social studies tether candidate's opinions about the practice of community service". *Uluslarasi Insani Bilimler Dergisi (International Journal of Humanities)*, Vol. 8, No. 2: 176-194.

- Kucukoglu, A. (2011). "Opinions of preserve teachers towards service learning". *Perspectives in Education*, Vol. 29, No. 2: 80-89.

- Makhrova, A. G.; Nefedova, T. G.; Treivish, A. I. (2013). "Moscow agglomeration and New Moscow: The capital city-region case of Russia's urbanization". *Regional Research of Russia*, Vol. 3, No. 2: 131-141.

مطالعه سنجش شاخص های کیفیت زندگی دانشجویان نمونه موردی: مراکز آموزش عالی شهر قاین^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۴

محمدحسن شربتیان^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه سنجش شاخص های کیفیت زندگی دانشجویی انجام شده است. چارچوب نظری ترکیبی از نظریات عینی و ذهنی کیفیت زندگی است که بر اساس نظریه های شالوک (Schalock)، دیدگاه سازمان جهانی بهداشت، نظریه توسعه انسانی و نظریه زاف (zaf) و ... در نظر گرفته شده است. روش پژوهش پیمایشی و از نوع توصیفی است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در مراکز آموزش عالی شهر قاین در سال ۱۳۹۴ است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران کمی، برابر با ۵۷۰ نفر و شیوه نمونه گیری، تصادفی طبق و سهمیه ای بوده است. میزان آلفای نهایی سؤالات پرسش نامه برابر با ۰/۷۳ به دست آمده است. به منظور گردآوری اطلاعات از پرسش نامه ی استاندارد کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت استفاده کرده ایم.، نتایج نشان می دهد که میانگین شاخص کیفیت زندگی برابر با ۷۲/۸۹ است که می توان ادعان کرد که کیفیت زندگی دانشجویان در حد متوسط روبه بالا است. همان طور که یافته ها با استفاده از آزمون T (مقایسه میانگین ها) نشان داده است، بالاترین فراوانی مربوط به بعد سلامت جسمانی (۵۴/۴٪) است. هم چنین پایین ترین سطح در بین ابعاد کیفیت زندگی، مربوط به ابعاد روابط اجتماعی و سلامت محیط است. مطابق با این نتایج دانشجویان در بین شاخص های سطح کیفیت زندگی خود به ابعاد سلامت جسمانی و روانی بیشتر اهمیت می دهند. میانگین سلامت روانی دانشجویان،

۱. این تحقیق با حمایت پژوهانه دانشگاه پیام نور انجام شده است.

۲. عضو هیأت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه پیام نور

متفاوت بوده است؛ به عبارتی دانشجویان دختر به نسبت دانشجویان پسر، بیشتر در معرض افسردگی، اضطراب و نگرانی در این دوره قرار دارند. به طور کل میانگین نمرات سلامت محیط و روابط اجتماعی، به نسبت دو شاخص دیگر مورد مطالعه (سلامت جسمانی و سلامت روان) بر اساس آمارهای به دست آمده به عنوان شاخص های کیفیت زندگی در حد متوسط روبه پایین است.

واژگان کلیدی: دانشجویان، روابط اجتماعی، سلامت جسمانی/ روانی/ محیطی، کیفیت زندگی، قاین

مقدمه

کیفیت زندگی^۱، مفهومی چندبعدی و پیچیده است که تحت تأثیر مؤلفه هایی چون زمان، مکان، ارزش های فردی و اجتماعی قرار دارد و از این رو، معانی گوناگون برای افراد و گروه های مختلف بر آن مترتب است. به تعبیر بالدوین^۲، سازه کیفیت زندگی تا اندازه ای مبهم است. از یک سو کیفیت زندگی فردی به عنوان پنداشتی از چگونگی گذران زندگی فرد مطرح می شود و از بعدی کلی تر، کیفیت موقعیت های زندگی حول یک عامل، موقعیت هایی نظیر محیط پیرامونی و یا فرهنگ در یک جامعه معین را شامل می شود. از منظری دیگر، می توان کیفیت زندگی را در دو سطح خرد (فردی- ذهنی) و کلان (اجتماعی - عینی) تعریف کرد (براتی و یزدان پناه شاه آبادی، ۱۳۹۰: ۳۴).

سطح خرد شاخص هایی نظیر ادراکات کیفیت زندگی، تجارب، ارزش های فرد و معرف های مرتبط مانند رفاه، خوشبختی و رضایت از زندگی را شامل می شود و سطح کلان شامل درآمد، اشتغال، مسکن، آموزش و پرورش و سایر شرایط زندگی و محیط است. «در رویکردی عملی کیفیت زندگی به عنوان یک مفهوم کلی تعریف می شود که تمام ابعاد زیستی شامل، رضایت مادی، نیازهای حیاتی، به علاوه جنبه های انتقالی نظیر توسعه فردی، خودشناسی، بهره از اکوسیستم را پوشش می دهد» (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷: ۳).

زندگی دانشجویی به لحاظ شرایط جدید و خاص آن با بروز استرس های گوناگونی همراه است. بسیاری از دانشجویان با ورود به محیط دانشگاه و جدایی از خانواده، دچار احساس تنهایی و انزوا می شوند. از سوی دیگر، مواجهه با تیپ های شخصیتی مختلف در محیط حرفه ای و خوابگاه، عدم کفایت امکانات رفاهی، کمبودهای اقتصادی و کاهش منابع حمایتی و نظارتی خانواده آنان را در معرض آسیب های روانی و اجتماعی قرار می دهد. وجود مخاطرات دیگر نظیر بی علاقه‌گی به رشته تحصیلی و نارضایتی های دیگر نیز احتمال افت تحصیلی، ترک تحصیل و رفتارهای پرخطر اجتماعی را افزایش می دهد. اختلال در وضعیت سلامت دانشجویان، اثرات نامطلوب و جبران ناپذیر بر عملکرد فردی و اجتماعی و شغلی آنان دارد و خسارات فراوانی به جامعه وارد می کند. بنابراین کیفیت زندگی دانشجویان، تمام جنبه های زندگی فرد را دربرمی گیرد و شامل موفقیت برای رشد و تجربه و احساس سلامتی و رضایت مندی هست.

بیان مسأله

کیفیت زندگی یکی از بنیادی ترین مفاهیم مطرح در علوم اجتماعی است. «تغییر عقیده از این که فقط پیشرفت های علمی، پزشکی و فناوریانه می تواند زندگی را بهبود بخشد، به این باور که بهزیستی فردی، اجتماعی، خانوادگی و جامعه از ترکیب این پیشرفت ها به همراه ارزش ها و ادراکات فرد از بهزیستی و شرایط محیطی به وجود می آید، از منابع اولیه دلیل گرایش به کیفیت زندگی است» (Schalock, 2000: 120). امروزه برای تأمین نیازها و ارتقاء سطح سلامتی افراد تحت مراقبت، کیفیت زندگی آنان را مورد بررسی قرار می دهند.

در واقع، کیفیت زندگی در جامعه مورد مطالعه به عنوان موضوعی در سطح فردی است که به دنبال توصیف درک موقعیت خود فرد، از زندگی است که این درک از نظر فرهنگ و نظام ارزشی که در آن زندگی می کند، دارای اهداف، انتظارات و اولویت هایی است. بنابراین این موضوع کاملاً فردی و ذهنی است و قابل مشاهده هم نیست. بنابراین با توجه به مؤلفه های کیفیت زندگی مورد تحقیق، در تلاش هستیم که ارتقای سلامت

فردی و اجتماعی جامعه جوان دانشجویی را مورد توصیف قرار دهیم. سازمان جهانی بهداشت، کیفیت زندگی را این گونه تعریف می کند: «کیفیت زندگی شامل احساس درک فرد از موقعیتش در زندگی در زمینه‌ای از نظام‌های ارزشی و فرهنگی که در آن زندگی می کند بوده و مرتبط با اهداف، انتظارات و دغدغه‌های او می باشد» (افضالان، ۱۳۸۱: ۳۵). «این مفهوم ابعاد مختلفی را در برمی گیرد که شامل سلامت جسمی (فیزیکی)، وضعیت روانی^۱، استقلال^۲، تعاملات اجتماعی^۳، اعتقادات^۴ و تعاملات محیطی^۵ است» (Moro, et al., 2008: 452).

با نگاهی به مفهوم کیفیت زندگی در سه دهه اخیر می توان گفت که در طول دهه ۱۹۸۰، مفهوم کیفیت زندگی به عنوان ادراک حسی، برساخته اجتماعی و موضوع وحدت بخش شناخته می شد. در طول دهه ۱۹۹۰ فهم ما از مفهوم و مقیاس کیفیت زندگی نسبت به دهه ۱۹۸۰ بهبود یافت. «در واقع، در طول این دهه مفهوم کیفیت زندگی وسعت بیشتری پیدا کرده و ابعاد آن را می توان به طور سلسله مراتبی از پایین به بالا، به صورت زیر بیان کرد: بهزیستی فیزیکی^۶، بهزیستی مادی^۷، حقوق^۸، ادخال اجتماعی^۹، روابط بین فردی^{۱۰}، خود تعینی^{۱۱}، رشد فردی^{۱۲} و بهزیستی عاطفی^{۱۳}» (Schalock, 2004: 208).

با توجه به تعاریف مطرح شده در حوزه مطالعه کیفیت زندگی برای نسل جوان جامعه، این حوزه می تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد. در دوران دانشجویی مطالعه شاخص‌های کیفیت زندگی، همچون سلامت (جسمانی، روانی و محیطی) و تعامل

-
1. Mental Status
 2. Independence
 3. Social Interactions
 4. Beliefs
 5. Environment Interaction
 6. Physical Well- Being
 7. Material Well - Being
 8. Law
 9. Social Inclusion
 10. Interpersonal Relation
 11. Set your
 12. Personal Growth
 13. Emotional Well - Being

اجتماعی در کنار سایر مؤلفه ها، تأثیر بسزایی بر ساختار زندگی اجتماعی و روانی دوران جوانی، از جمله در جامعه خواهد داشت. با توجه به این که این گروه از افراد جامعه، مدیران اصلی اداره آینده کشور و عهده دار آموزش و تربیت نسل های بعدی خواهند شد از این رو، سلامت و کیفیت زندگی آن ها، تأثیر بسزایی در یادگیری و افزایش آگاهی علمی و موفقیت های شان خواهد داشت. بنابراین ضرورت دارد به عنوان یک موضوع از بعد مطالعات جامعه شناختی و روانی، کیفیت زندگی آنان را مورد توصیف قرار داد. از سوی دیگر، مقطع زندگی دانشجویی سرشار از پویایی، تحول طلبی، نوآوری و مجموعه تعاملاتی است که نهایتاً به توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه می انجامد. در این دوره پویایی بیشتری از این گروه های سنی و صنفی متبلور می گردد که می تواند کیفیت زندگی خاصی را به عنوان موضوع اجتماعی قابل بحث و بررسی قرار دهد.

با توجه به اهمیت موضوع و این که سنجش شاخص های کیفیت زندگی در بین جوانان و بالاحص دانشجویان از بعد جامعه شناختی، تأثیر مستقیمی در توسعه پایدار اجتماعی است، پس پرداختن به این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار است. در بین محققین خارجی و پژوهش های انجام گرفته، تقریباً تحقیقات زیادی در سال های اخیر در زمینه کیفیت زندگی با ابعاد مختلف روانشناختی و جامعه شناختی انجام گرفته است. اما این پژوهش با استفاده از تحلیل جامعه شناختی به بررسی سنجش شاخص های ذهنی کیفیت زندگی دانشجویان مراکز آموزش عالی شهر قاین می پردازد و راهکارهایی برای بهبود زندگی روزمره دانشجویان با توجه به عوامل تأثیرگذار در ارتقاء کیفیت زندگی ارائه می دهد.

سؤالات اساسی این پژوهش عبارتند از:

- ۱- دانشجویان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی شهر قاین به چه میزان از شاخص کیفیت زندگی بهره مند هستند؟
- ۲- سهم هریک از شاخص های کیفیت زندگی در زندگی دانشجویی به تفکیک جنسیت به چه میزان است؟
- ۳- با توجه به عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر میزان بهره مندی از کیفیت زندگی، چه

راهکارها و راهبردهایی در پیشبرد و ارتقاء این پدیده اجتماعی می توان به صورت کاربردی و عملیاتی ارائه داد؟

با توجه به این مباحث می توان اشاره ای به آخرین دستاوردها و پژوهش هایی که در این زمینه در جامعه داخلی و بین المللی تولید شده، به صورت مختصر اشاره کرد. خراسانی، راستی و معداتی (۱۳۹۳: ۳۶-۳۷) در تحقیقی با عنوان "ارزیابی کیفیت زندگی در شهرهای کوچک با روش فازی در شهرهای بردخون و بنک استان بوشهر" به ارزیابی و اندازه گیری ادراک ذهنی مردم از کیفیت زندگی پرداخته اند. این پژوهش از نوع کاربردی و روش آن توصیفی - تحلیلی است. حجم نمونه بر مبنای خانوار و با استفاده از فرمول کوکران، ۲۷۸ نفر سرپرست خانوار محاسبه شد. نتایج نشان داده است که میزان رضایت مندی در هر دو شهر بنک و بردخون به ترتیب در ابعاد اقتصادی و اجتماعی دارای ضریب ۰/۵۰ و ۰/۴۸ است که بیانگر کیفیت زندگی در حد نسبتاً نامطلوب است. از این رو، نتایج بیانگر افزایش چشمگیر احساس خرسندی ساکنان از اوضاع اقتصادی و اجتماعی کیفیت زندگی در محل سکونت و ماندگاری در آن نسبت به زمان قبل از تبدیل شدن به شهر است. به طوری که میزان احساس رضایت ساکنان به ۰/۶۸٪ و ۰/۶۹٪ افزایش داشته است که در کل، میزان مطلوبیت کیفیت زندگی در بعد اجتماعی غالب تر و برجسته تر از بعد اقتصادی بوده است.

جمشیدی ها، عنبری و محمدی (۱۳۹۳: ۱۷-۱۹) در مقاله ای با عنوان "بررسی ارتباط کیفیت زندگی با تغییرات دین داری دانشجویان" پرداخته اند. در این پژوهش از روش پیمایش برای به دست آوردن اطلاعات و دیدگاه های دانشجویان در مورد متغیرهای کیفیت زندگی و دین داری استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش نامه است؛ و روش تحلیل داده ها، تحلیل کمی است که به دو صورت تحلیل توصیفی و تبیینی انجام شده است. یافته های این پژوهش نشان داد که ارزیابی دانشجویان در میزان رضایت شان، در بعد اجتماعی کیفیت زندگی در مقایسه با بعد فردی و بعد عینی کیفیت زندگی نسبت به بعد ذهنی، از میزان پایین تری برخوردار است. بر همین اساس، نتایج نشان داد که در ابعاد اعتقادی، عبادی فردی و احساسی، اکثریت دانشجویان دارای

دینداری بالا ارزیابی می شوند، اما در ابعاد عبادی جمعی، مناسکی و پیامدی، نمره های آنان پایین تر است. هم چنین یافته ها نشان می دهد که گستردگی دو مفهوم کیفیت زندگی و دینداری، مانع از تأیید یا رد یک فرض یا بحث قابل اجماع و واحد نمی شود. به همین دلیل، نمی توان از رابطه ساده و یک سویه بین کیفیت زندگی و دینداری صحبت کرد، بلکه برای رسیدن به یک رابطه واقعی و دقیق، باید کلیه شاخص ها و ابعاد حداکثری موضوعات را مبنا قرار داد. ضریب همبستگی متغیرهای کیفیت زندگی و دینداری در این مطالعه مثبت است، یعنی با افزایش و تحولات مثبت در وجوه و شاخص های کلی کیفیت زندگی خانواده های دانشجویان، بر میزان دینداری افزوده می شود. اما در بررسی رابطه ابعاد جزئی دو متغیر، چنین رابطه ای دیده نشده است. به طور خاص، رابطه کیفیت زندگی مادی در دو وضعیت خیلی عالی و خیلی ضعیف آن با دینداری دانشجویان، رابطه منفی را نشان داده است.

علیخانی و دیگران (۱۳۹۰: ۸-۹) در تحقیقی با عنوان "بررسی کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین" به بررسی رابطه کیفیت زندگی دانشجویان با سلامت فردی و اجتماعی پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان داده است که میانگین نمره کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۱۳۸۸ در بعد جسمی $17/49 \pm 73/05$ و در بعد روانی $14/21 \pm 63/02$ بود. در این مطالعه، دانشجویان پسر نسبت به دانشجویان دختر از کیفیت زندگی بالاتری برخوردار بودند. این پژوهش رابطه ای بین تأهل و کیفیت زندگی دانشجویان نشان نداد. هم چنین دانشجویانی که ورزش می کردند نسبت به سایر دانشجویان، کیفیت زندگی بهتری را در بعد جسمانی گزارش کردند. در این مطالعه، اختلاف معنی داری بین ابتلا به بیماری با کیفیت زندگی جسمی و کیفیت زندگی روانی وجود داشت.

شیخی (۱۳۸۹: ۸۱-۸۲) در مقاله ای با عنوان "بررسی جامعه شناختی کیفیت زندگی دانشجویان/ جوانان در شهر تهران" معتقد است که این نوع طرح کیفیت زندگی در قالب متغیرهایی هم چون خانواده، دوستان، کیفیت مؤسسات آموزشی آن ها و ... شکل می گیرد. در این تحقیق نویسنده به این نتایج رسیده است که شرایط محلی روبه تغییر

و رابطه بین نسل‌ها به‌طور وسیعی بر کیفیت زندگی دانشجویان تأثیر دارد. هر چه روند توسعه در یک جامعه بیشتر صورت گیرد، کیفیت زندگی دانشجویان در آن جامعه سریع‌تر افزایش می‌یابد. همین‌طور، مجموعه‌ای از فرایندها مشتمل بر شهرنشینی، مهاجرت، تعلیم و تربیت، صنعتی شدن و ارتباطات جهانی هر یک در جای خود، و به‌طور کلی تماماً در تغییر کیفیت زندگی دانشجویان سهمی ادا کرده‌اند (به این تغییر کمک کرده‌اند). یافته‌ها و اطلاعات گوناگون، نشان‌دهنده تصویری روشن از روش زندگی این جمعیت روبه افزایش در شهر تهران است، یعنی آن‌چه که می‌تواند برای سایر نقاط کشور نیز مطرح باشد. درآمد، به عنوان یک شاخص تعیین کننده زندگی، در نمونه‌های آماری این تحقیق در حد بالایی نیست. یکی از نکات مهم به دست آمده در این پژوهش عبارت است از افزایش تعداد دانشجویان در شهر تهران، و به‌طور کلی در ایران و آن خود ضمانتی است جهت بهبود و کیفیت زندگی در نسل کنونی و شاخص مهمی است که کاهش در میزان کل باروری^۱ (TFR) را بین زوج‌های جوان در ایران کنونی و در ابتدای قرن بیست و یکم به دنبال می‌آورد. این‌گونه بهبود خود به عنوان تضمینی برای نسل آینده نیز عمل می‌کند. در ضمن، دوره‌ی دانشجویی موفق در شرایطی می‌تواند ادامه داشته و اثرات خود را بر جای گذارد که رفتار همراه با تعاون و همکاری وجود داشته باشد، یعنی در شرایطی که زمینه‌های لازم در یک جامعه هماهنگ و سالم فراهم باشد.

سیوا دورگا و دیگران (Siva Durga & et al., 2014: 39- 43) در مقاله‌ای با عنوان "کیفیت زندگی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی آندرا"، اشاره به کیفیت زندگی جز ذهنی از خوب بودن می‌کند. این مقاله با هدف اندازه‌گیری مرکب از ویژگی‌های روانی، فیزیکی و اجتماعی که توسط هر فرد یا گروهی از افراد درک شده است، انجام شده است. نتایج این پژوهش گویای این است که مقادیر و میانگین در هر یک از ابعاد کیفیت زندگی، برابر با دامنه فیزیکی ۷۱/۳ (۳۲/۱ - ۱۰۰)، بعد روانی ۶۳/۳ (۱۶/۶ - ۹۵/۸)، دامنه اجتماعی ۷۰/۱ (۰ - ۱۰۰)، حوزه محیط زیست ۶۷/۷

(۲۸/۱ - ۹۶/۸) و کیفیت زندگی کل برابر با ۷۵/۱ (۰ - ۱۰۰) است. نهایتاً محقق به این نتیجه می‌رسد که دانشجویان مناطق روستایی، دامنه فیزیکی و روانی بهتری نسبت به دانشجویان مناطق شهری داشته‌اند. هم‌چنین بین دانشجویانی که ساکن در خوابگاه هستند و آن‌هایی که در خوابگاه نیستند، تفاوت معنی‌داری از نظر سطح کیفیت زندگی مشهود است و در میان کسانی که به مدت نیم ساعت در روز ورزش می‌کنند و دانشجویانی که ورزش نمی‌کنند، تفاوت معنی‌داری از نظر میزان کیفیت زندگی دیده نشده است. در نهایت نتایج حاکی از آن است که دانشجویان پزشکی در میان چهار حوزه کیفیت زندگی، در حوزه روانی ضعیف‌تر از باقی حوزه‌ها هستند. دانشجویان پزشکی که در مناطق شهری اقامت دارند در حوزه‌های جسمی و روانی، از دانشجویان مناطق روستایی ضعیف‌ترند.

کولتکی و کورکویا (Kulthckiy & Kurkoya, 2013: 25-29) در مقاله‌ای با عنوان "تجزیه و تحلیل شاخص‌های اصلی کیفیت زندگی دانشجویان با تخصص‌های مختلف"، به مطالعه مؤلفه‌های اساسی کیفیت زندگی دانشجویان پرداخته‌اند. محققان بیان می‌دارند که پویایی، مجموعه‌ای از شاخص‌های اصلی کیفیت زندگی دانشجویان در فرایند یادگیری است. همبستگی بین شاخص‌های ارزیابی ذهنی از استانداردهای زندگی و عوامل شکل‌گیری آن، به عنوان یک تابع از مطالعات تخصصی انجام شده است. یک رابطه مستقیم بین سطح فعالیت بدنی، نگرش مثبت به کیفیت زندگی خود، حضور، عادات مضر، رژیم غذایی نامتعادل و فشار روانی بیش از حد با یک نگرش به زندگی برقرار است. از دیگر ویژگی‌های این اثر، سطح فعالیت‌های فیزیکی دانشجویان در ابعاد دیگر کیفیت زندگی است.

با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته توسط محققین ایرانی، در سال‌های اخیر به بررسی کیفیت زندگی و شاخص‌های آن در میان دانشجویان روبه افزایش بوده است و بیشتر در حوزه پزشکی و سلامت، یافته‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است.

چارچوب نظری

کیفیت زندگی مفهومی چندبعدی است و جنبه‌های مختلف عینی و ذهنی، مادی و معنوی، کمی و کیفی، فردی و اجتماعی، خرد و کلان و نظایر آن را در برمی‌گیرد. در بعد عینی و مادی، کیفیت زندگی شامل استانداردهای زندگی، امکانات زیربنایی، تولید اقتصادی، اشتغال، قیمت‌ها، قانون، سلامتی، سرگرمی، اوقات فراغت، فرهنگ و هنر و مانند این‌ها می‌شود. در بعد ذهنی، کیفی و معنوی نیز، کیفیت زندگی شامل تجارب و دریافت‌های شخصی، احساس امنیت و احساس رضایت افراد از زندگی است.

مالمن^۱ کیفیت زندگی را این‌طور تعریف می‌کند که «کیفیت زندگی مفهومی ناظر به افراد است ولی هم‌چون انتظارات از طریق تعامل پویای بین فرد مفروض، جامعه و محل سکونت او تعیین می‌شود». در نظر دیوان^۲ «کیفیت زندگی به عنوان حالتی در نظر گرفته می‌شود که فرد در آن نسبت به خودش، طبیعت و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، احساس آرامش درونی دارد. دیوان دو عامل را در ایجاد این حالت مؤثر می‌داند، یکی داشتن هدف در زندگی و دیگری برخورداری از روابط مناسب با دیگران. در این خصوص وی براین باور است که "رابطه" عمده‌ترین ثروت آدمی محسوب می‌شود» (غفاری، کریمی و نوذری، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

بحث‌های امروزی کیفیت زندگی بیشتر با دو مبحث مربوط است. سلامت فیزیکی و روانی در جامعه معاصر از رابرت^۳ و کیفیات زندگی جوانان در دنیای در حال تحول از مایلز^۴ است. رابرت در زمینه کیفیت زندگی و تئوری‌هایی که در خصوص این موضوع ساخته و پرداخته شده بودند، به رد دیدگاه‌های کلان در زمینه تحلیل بررسی کیفیت زندگی پرداخت. او در این زمینه اشاره به دیدگاه‌هایی چون مارکسیسم^۵، فمینیسم ساختارگرا^۶ و یا دیدگاه نئولیبرال^۷ ها دارد. رابرت در کتابش در دو فصل با عنوان‌های

1. Malmen

2. Divane

3. Robert

4. Mills

5. Marxism

6. Feminist – Oriented Structure

7. Neo Liberals

مصرف و مصرف گرایی، کیفیت زندگی و هویت ها، به رد دیدگاه های یاد شده پرداخت. او به شدت مخالف دیدگاه هایی بود که کنشگر اجتماعی را موجودی منفصل در تعیین کیفیت زندگی خود می دانستند. اصطلاح کلیدی او در این زمینه این بود که مصرف کننده قدرت انتخاب دارد و اسیر ساختارهای ساخته و پرداخته جامعه شناسان نیست. او معتقد بود که تئوری های اقتصادی و جامعه شناسی بر پایه فروض خود در خصوص فرد مصرف کننده، انگیزه ها و مفاهیمی چون عقلانیت اقتصادی و انسان های اقتصادی بسیار ساده انگارانه اند. «ریمر» دلایل عمده زیر را، در تجدید حیات این مفهوم شناسایی می کند: الف) فرایندهای فردی شدن که آزادی و حق انتخاب بیشتری را به خصوص برای جوانان در شرایط به سرعت روبه تغییر جهان داشته اند. ب) رشد طبقه متوسط جدیدی که جهت گیری آن ها آشکارا به سوی سرگرمی و مصرف است و عمدتاً جوانان شهری دارای مهارت های حرفه ای را دربرمی گیرد. ج) افزایش روزافزون مباحثات دانشگاهی در خصوص پست مدرنیسم که در آن، ظهور ارزش ها و کیفیت زندگی جدید، نقش کلیدی را ایفا می کند» (رستگار نصب، مصطفوی و جهان نمایی، ۱۳۹۱: ۶۰).

حیطه ی مربوط به کیفیت زندگی و سنجش و ارزیابی آن در هیچ زمانی به اندازه امروز وسیع نبوده است و دیدگاه ها در این زمینه متفاوت است (Baldwin, Christine & Carol, 1994: 1). این امر از آن جا ناشی می شود که شاخص های مربوط به کیفیت زندگی طیف وسیعی را دربرمی گیرد که از تغذیه و پوشاک گرفته تا مراقبت های بهداشتی، محیط اجتماعی و محیط مادی پیرامون را شامل می شود (موسوی و باقری کشکولی، ۱۳۹۱: ۱۰۰). اگرچه کیفیت زندگی در بعضی از منابع به سطح زندگی ترجمه شده است، ولی سطح زندگی و پیشرفت مادی فقط یکی از پایه های کیفیت زندگی را شامل می شود (Eckersley, 1999: 10).

کیفیت زندگی تا حد زیادی تحت تأثیر شاخص های اقتصادی قرار دارد. یکی از معروف ترین شاخص های کیفیت زندگی، شاخص توسعه انسانی است که توسط مرکز برنامه توسعه سازمان ملل در تهیه گزارش های توسعه انسانی از سال ۱۹۹۰ به بعد

مورد استفاده قرار گرفته است (غفاری و اونق، ۱۳۸۵: ۱۶۲). «اما کیفیت زندگی تنها در مفهوم کیفیت وضعیت مادی خلاصه نمی شود. در واقع، باید میان زندگی مطلوب و زندگی مرفه تفاوت قائل شد، چرا که زندگی مطلوب بر ارزش های انسانی و مادی استوار است، اما زندگی مرفه صرفاً شاخص هایی هم چون ارتقای درآمد اقتصادی را در نظر دارد. در این میان، بررسی ابعاد گوناگون مفهوم کیفیت زندگی به لحاظ جامعه شناختی دارای اهمیت است، چرا که بسیاری از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی، اجتماعی هستند» (شریفیان و فتوت، ۱۳۹۰: ۱۶۲). «کیفیت زندگی مفهوم گسترده ای است که دارای معانی گوناگونی برای افراد و گروه های مختلف است. برخی آن را به عنوان قابلیت زیست پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان سنجه هایی برای میزان جذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی و رضایتمندی تفسیر کرده اند» (Epley & Menon, 2008: 281).

کیفیت زندگی از نظر کالمن^۱ گسترده گی و انبساط امید و آرزو است، که از تجارب زندگی ناشی می شود و از نظر فرانس و پاورس^۲، کیفیت زندگی، ادراک فرد از رفاه است که به نظر می رسد از رضایت یا عدم رضایت در حیطه های اصلی زندگی ناشی می شود. «به عقیده تستا^۳ کیفیت زندگی، ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی را دربرمی گیرد که محدود به تجارب، اعتقادات و انتظارات و ادراک فرد است» (مکوندی و زمانی، ۱۳۹۰: ۱۹۳). قرن هاست که مردم به طور ذاتی به دنبال زندگی خوب بوده اند و در این راستا برای بهبود شرایط زیست خود، بشر سعی می کرد تا از استعدادها و توانمندی های خود حداکثر بهره برداری را بنماید. ولی همواره مسأله اصلی این بود که یک زندگی مطلوب و با کیفیت چگونه زندگی است؟ در ادبیات علوم اجتماعی، توسعه اجتماعی نخست مترادف با تکامل اجتماعی بوده است؛ و بشر در حال حرکت به سوی تمدن بود. ولی از قرن بیستم به بعد توسعه اجتماعی از فرضیه های تکاملی خود جدا شده و روی مسائلی در ارتباط با تأمین نیازهای بشری و ارتقاء کیفیت زندگی متمرکز شده است.

1. Kalman
2. France & Pauvers
3. Testa

کیفیت زندگی مفهومی نسبی است که در دو وجه عینی و ذهنی نمود یافته و بسته به موقعیت های مختلف جغرافیایی و شرایط اجتماعی- فرهنگی فرق می کند. «برخی از آن به عنوان یک امر ذهنی یاد می کنند و آن را عبارت از میزان رفاه جسمی، روان شناختی و اجتماعی که توسط افراد یا اشخاص درک می شود و نشان دهنده میزان رضایت از موهبت های زندگی است، می دانند» (سلطانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۶). «سازمان بهداشت جهانی آن را درک افراد از موقعیت خود در زندگی از نظر فرهنگ و نظام ارزشی که در آن زندگی می کنند و نیز اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت های شان است، دانسته است» (نجات، ۱۳۸۷: ۵۹). پرسش نامه سازمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی را در چهار حیطه سلامت جسمانی، سلامت روان، روابط اجتماعی و سلامت محیطی مورد سنجش قرار می دهد. «ماسام» استدلال می کند که کیفیت زندگی می تواند به عنوان دستاورد شرایطی که انتظارات و خواسته های افراد در آن تحقق می یابد، در نظر گرفته شود» (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷: ۱۲). برخی مؤلفان روانشناختی کیفیت زندگی را تنها احساس خوشبختی دانسته اند.

نظریات اولیه ی مربوط به کیفیت زندگی، بیشتر بر نگرانی ها و اولویت های فردی تأکید داشتند، اما در سال های اخیر «مباحث نظری، از فردمحوری به سمت نگرانی های اجتماعی نظیر امنیت، آزادی، گستردگی کیفیت زندگی و ساختار و کیفیت روابط اجتماعی افراد در جامعه تغییر یافته است» (Schmit, 2002: 404). نظریه پردازان توسعه، شاخص های مختلفی را برای محاسبه میزان رضایت از کسب نیازهای اولیه ارائه کرده اند که مهم ترین آن ها شاخص فیزیکی کیفیت زندگی است. این شاخص میانگین وزنی شاخص های باسوادی، مرگ و میر نوزادان و امید به زندگی است (Slotje, 1991: 648).

فرانس^۲ چهار عامل اصلی که بر روی کیفیت زندگی تأثیرگذار می باشند را موارد زیر می داند: وضعیت خانوادگی، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، وضعیت جسمانی و وضعیت روحی و روانی (آقاملایی، ۱۳۸۴: ۷۳). به عقیده فرانس این چهار متغیر اصلی می توانند

1. Masam

2. France

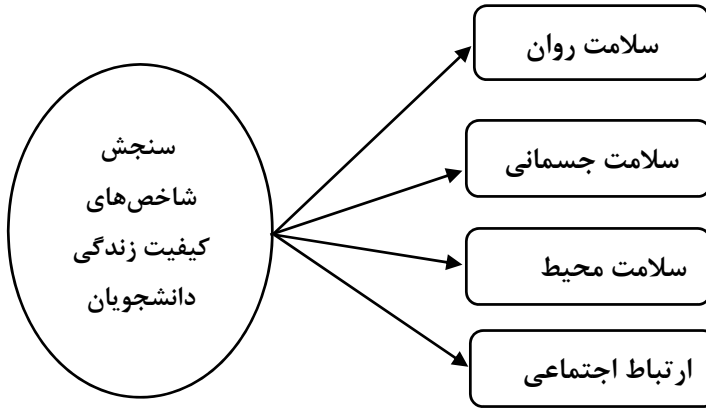
مستقلاً و به طور مستقیم بر روی کیفیت زندگی افراد تأثیرگذار باشند، اما این عوامل می توانند به صورت توأم با یکدیگر نیز بر کیفیت زندگی تأثیر بگذارند. البته لازم به ذکر است که درک افراد از کیفیت زندگی شان نیز می تواند بر هر کدام از متغیرهای نامبرده مؤثر واقع شود. برای مثال، اگر درک افراد از کیفیت زندگی شان کاهش یابد می تواند بر توانایی آن ها در محیط کاری و شغلی شان تأثیر گذاشته و موجب نقصان شرایط اقتصادی و اجتماعی آنان گردد (Varrhccchio, 2001: 255-256).

زاف^۱ کیفیت زندگی را ترکیبی از شرایط عینی و ذهنی افراد و گروه ها تعریف می نماید. وی معتقد است که در ارزیابی کیفیت زندگی باید شرایط عینی زندگی افراد را با ارزیابی ذهنی آن ها در خصوص شرایط زندگی شان به طور هم زمان در نظر گرفت. براون^۲ کیفیت زندگی را از یک نظر با توجه به دو سطح خرد (فردی، ذهنی) و کلان (اجتماعی، عینی) تعریف می کند، سپس برای هر یک از این سطوح، شاخص هایی را برمی شمرد که این شاخص ها بدین شرح می باشند: «شاخص های کلان تأثیرگذار بر کیفیت زندگی عبارتند از: درآمد، اشتغال، مسکن، آموزش و پرورش و سایر شرایط زندگی و محیطی. شاخص های خرد تأثیرگذار بر روی کیفیت زندگی از نظر براون نیز عبارتند از: ادراکات کلی کیفیت زندگی، تجارب و ارزش های فردی و معرف های مرتبط مانند رفاه، خوشبختی و رضایت از زندگی» (فرخی، ۱۳۸۶: ۱۳).

با توجه به آن چه در سطور قبل در مورد کیفیت زندگی از دیدگاه جامعه شناختی صحبت به میان آمد، مدل نظری مورد مطالعه در این پژوهش در شکل ۱ ارائه می گردد.

1. Zaf

2. Brown



شکل (۱) مدل تحلیلی تحقیق (نگارنده)

تعریف مفهومی و عملیاتی

کلمه کیفیت از لغت لاتین Quall به معنی چیزی و Quality به معنی چگونگی استخراج شده است و کیفیت زندگی از نظر لغوی به معنی چگونگی زندگی است و دربرگیرنده تفاوت هایی است که برای هر فرد منحصر به فرد بوده و با دیگران متفاوت است. «کیفیت زندگی به عنوان احساس فرد از بهزیستی تعریف شده است، احساسی که آسایش در رضایت فرد از جنبه هایی از زندگی است که برای وی اهمیت دارد» (شیخی، ۱۳۹۲: ۲۵). برای عملیاتی کردن متغیر کیفیت زندگی از فرم کوتاه ارزیابی کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت^۱ بهره برده شده است که شامل ۲۳ سؤال است و در چهار حوزه کیفیت زندگی، یعنی سلامت جسمانی، سلامت روان، روابط اجتماعی و سلامت محیط زندگی را اندازه گیری می کند. این چهار حوزه به ترتیب هر کدام با ۷، ۶، ۳، ۸ سؤال در مقیاس ۵ درجه ای (۱ تا ۵) نمره گذاری می شود. افزون بر این دو سؤال اول این پرسش نامه، صرفاً حیطه کلی کیفیت زندگی و سلامت افراد را ارزیابی می کند. این گویه ها بر اساس طیف لیکرت با گزینه های (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) از جامعه مورد مطالعه پاسخگویی خواهد شد. در جدول ۱ خلاصه ای از تعاریف عملیاتی کیفیت زندگی آورده شده است.

جدول (۱) تعاریف اسمی و عملیاتی کیفیت زندگی

نام متغیر	تعریف اسمی	تعریف عملیاتی	معرف ها
کیفیت زندگی	احساس فرد از بهزیستن و آسایش و رضایت فرد از عرصه هایی از زندگی اجتماعی و فردی	سنجش افراد نسبت به بهره مندی و استفاده از شاخص های زندگی اجتماعی و فردی در طول زندگی شان	۱- وضعیت کلی نسبت به کیفیت زندگی ۲- میزان رضایت از سلامتی جسمانی ۳- وجود درد و بیماری برای مانع شدن از فعالیت های روزمره زندگی ۴- لذت بردن از زندگی ۵- معنادار بودن زندگی ۶- وجود تمرکز بر زندگی ۷- وجود احساس امنیت در زندگی روزمره ۸- احساس سالم بودن محیط ۹- داشتن انرژی برای زندگی ۱۰- میزان رضایت از ظاهر عمومی بدن و تیپ شخصیتی ۱۱- میزان دسترسی به پول، اطلاعات، فعالیت های تفریحی و تحرک در زندگی

روش شناسی

در این تحقیق، از روش پیمایش از نوع توصیفی استفاده شده است. جامعه آماری شامل دانشجویان مراکز آموزش عالی شهر قاین که در سال ۱۳۹۴ برابر با ۴۱۴۰ نفر بوده اند که سهم هر یک از مراکز آموزش عالی در این تحقیق، برای جمع آوری سؤالات پرسش نامه در جدول ۲ مشخص شده است.

جدول (۲) تعداد پرسش نامه های مشخص شده در هر یک از مراکز آموزش عالی

نوع دانشگاه	تعداد دانشجویان	سهم هر دانشگاه	تعداد پرسشنامه هر دانشگاه
آزاد اسلامی	۱۴۰۰	۳۴٪	۱۹۴
پیام نور	۱۱۵۰	۲۸٪	۱۶۰
دولتی	۶۵۰	۱۶٪	۹۱
علمی کاربردی	۲۲۰	۵/۳٪	۳۰
فنی و حرفه ای	۱۲۰	۲/۷٪	۱۵
علوم پزشکی و بهداشت	۶۰۰	۱۴٪	۸۰
تعداد کل	۴۱۴۰	۱۰۰	۵۷۰

حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران کمی با احتساب واریانس، برابر با ۵۷۰ نفر انتخاب شده اند.

$$n = \frac{Nt^2.S^2}{Nd^2 + t^2s^2} = \frac{4140 \times (3.841) \times (0.43)}{4140 \times (0.0025) + (3.841) \times (0.43)} = 569$$

n = حجم نمونه آماری، N = جامعه آماری، t = ضریب اطمینان (در این پژوهش ۱/۹۶)، d = دقت احتمالی مطلوب (۰/۰۵) است و S = واریانس (در اینجا ۰/۶۶) مورد سنجش قرار می گیرد. حجم نمونه این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران کمی و با احتساب واریانس در سطح دقت ۵٪، سطح اطمینان ۹۵٪ و واریانس ۰/۶۶ به تعداد ۵۶۹ نفر محاسبه گردیده است. بدین ترتیب، بر طبق فرمول کوکران تعداد ۵۶۹ نفر به عنوان نمونه برآورد شد که در تحقیق ۵۷۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده اند. همان طور که ملاحظه می شود، فرمول چنان محاسبه شده که با احتمال ۵٪ خطای نمونه گیری و ۹۵٪ اطمینان می توان نتایج حاصل را به جامعه آماری تعمیم داد.

در این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی ساده و سهمیه ای بر اساس تعداد دانشجویان هر دانشگاه که سهم شان مشخص بوده است به صورت تصادفی به عنوان حجم نمونه از بین جامعه مورد مطالعه انتخاب گردیده و از ابزار پرسش نامه استاندارد شده کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت برای جمع آوری اطلاعات از پاسخگویان استفاده شده است. پس از تکمیل پرسش نامه در یک نمونه ۵۰ نفری اقدام به احتساب ضریب آلفای کرونباخ مقیاس پرسش نامه گردیده است و گویه های نامناسب حذف و مجدداً محاسبه صورت گرفته است. یافته های پاسخگویان براساس آمار و با به کارگیری از نرم افزار Spss 22 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

متغیر مورد مطالعه در این تحقیق، کیفیت زندگی است که شاخص های آن در جدول ۳ جهت محاسبه میزان پایایی تحقیق به دست آمده است. در مجموع میزان مقدار آلفای نهایی کل سؤالات پرسش نامه برابر با ۰/۷۳ بیانگر این است که گویه های پژوهش از میزان پایایی مناسبی برخوردارند.

جدول ۳) میزان پایایی (آلفای کرونباخ) شاخص های کیفیت زندگی دانشجویان

متغیرها	تعداد سوالات	ضریب آلفای ابتدایی	ضریب آلفای نهایی	KMO	بارتلت Bartlett's Test	سطح معناداری Sig
سلامت جسمانی	۷	۰/۶۶	۰/۷۰	۰/۹۲	۱۲۵۹/۱۴۳	۰/۰۰۰
سلامت روان	۶	۰/۶۹	۰/۷۳	۰/۸۸	۵۸۹/۴۱۲	۰/۰۰۰
روابط اجتماعی	۳	۰/۷۳	۰/۷۵	۰/۹۱	۱۵۷۸/۷۵۵	۰/۰۰۰
سلامت محیطی	۸	۰/۷۸	۰/۷۶	۰/۸۹	۱۲۶۴/۲۳۳	۰/۰۰۰
کیفیت زندگی (کل)	۲۳	۰/۷۱	۰/۷۳	۸۸۳/۱۷	۱۰۲۴/۷۶۶	۰/۰۰۰

یافته های پژوهش

در این تحقیق از بین شاخص های آمار توصیفی به یاری شاخص های فراوانی، فراوانی نسبی و میانگین متغیرها، نتایج قابل توجهی به دست آورده شده است. مهم ترین متغیرهای زمینه ای هم چون سن، وضعیت تأهل، رشته تحصیلی و جنسیت را به عنوان متغیرهای زمینه ای (جمعیت شناختی) در نظر گرفته شده که نتایج در جدول ۴ مشاهده می شود.

جدول ۴) آمار توصیفی متغیرهای زمینه ای

سن	بیشترین تعداد پاسخگویان به لحاظ سنی ۲۳-۲۷ سال ۲۶/۲٪	کمترین تعداد پاسخگویان به لحاظ سنی ۳۸-۴۵ سال ۸/۴٪
وضعیت تأهل	مجرد ۳۲/۴٪	متاهل ۵۶/۵٪
رشته تحصیلی	علوم انسانی ۳۸/۵٪	فنی مهندسی و علوم پزشکی ۱۲/۵٪
جنسیت	مرد ۴۲٪	زن ۵۸٪

بر اساس داده های موجود در جدول ۴، بیشترین پاسخگویان یعنی ۲۶/۲٪ در گروه سنی ۲۳ تا ۲۷ سال قرار داشتند و کمترین تعداد پاسخگویان یعنی ۸/۴٪ در گروه سنی ۳۸ تا ۴۵ سال قرار دارند. ۵۶/۵٪ دانشجویان متأهل بوده اند و بیشتر دانشجویان در مقاطع تحصیلی حوزه ی علوم انسانی در دانشگاه های شهر قاین مشغول به تحصیل

بوده اند. از نظر جنسیت ۴۲٪ مرد و ۵۸٪ زن مورد مطالعه قرار گرفته اند.

جدول ۵) خلاصه توزیع فراوانی پاسخگویان در هر یک از ابعاد شاخص کیفیت زندگی

شاخص کیفیت زندگی	بالا	متوسط	پایین	میانگین	انحراف معیار	تعداد گویه
سلامت جسمانی	فراوانی	۳۲۹	۲۰۰	۴۱	۲۲/۵	۷
	فراوانی نسبی	۵۴/۴	۲۹/۲	۱۶/۴		
سلامت روان	فراوانی	۱۹۸	۲۸۷	۸۵	۱۷/۷	۶
	فراوانی نسبی	۲۹/۶	۵۰/۳	۲۰/۱		
روابط اجتماعی	فراوانی	۱۸۲	۲۰۱	۱۸۷	۸/۵	۳
	فراوانی نسبی	۳۰/۳	۳۷/۸	۳۱/۹		
سلامت محیط	فراوانی	۱۱۲	۲۹۰	۱۶۸	۲۴/۷	۸
	فراوانی نسبی	۱۵/۱	۵۱/۴	۳۳/۵		

با توجه به این که در بیان مسأله اشاره به این شده بود که شاخص های کیفیت زندگی از نظر دانشجویان به چه مقدار است، جدول ۵ فراوانی پاسخگویان در هر یک از این شاخص ها را نشان می دهد. همان طور که هویداست، بالاترین فراوانی نسبی مربوط به بعد سلامت جسمانی (۵۴/۴٪) است. هم چنین پایین ترین سطح در بین ابعاد کیفیت زندگی، مربوط به ابعاد روابط اجتماعی و سلامت محیط است. مطابق با نتایج حاصل، پاسخگویان سطح کیفیت زندگی خود را در ابعاد سلامت جسمانی و روانی بیشتر گزارش کرده اند تا دو بعد دیگر. مطابق با جدول ۵، بالاترین میانگین مربوط به ابعاد سلامت محیط (۲۴/۷٪) و سلامت جسمانی (۲۲/۵٪) است که با توجه به تعداد گویه ها در هر یک از آن ها باید اذعان کرد که در سطح متوسطی قرار دارند و کمترین میانگین بعد روابط اجتماعی است که با وجود سه گویه برای سنجش آن (حداقل ۳ و حداکثر ۹) با احتساب طیف امتیازها از ۱ تا ۵ امتیاز به دست آمده (۸/۵٪) که نشان از این دارد که این بعد، کمتر از حد متوسط گزارش شده است.

جدول ۶) مقایسه شاخص های کیفیت زندگی بر حسب جنسیت

گروه	متغیر	میانگین	آماره T	مقدار P	فراوانی
زن	سلامت جسمانی	۲/۷۵	۲/۶۹	۰/۰۱۲	۳۳۱
مرد		۲/۶۳			۲۳۹
زن	سلامت روانی	۲/۶۸	۲/۷۳	۰/۰۰۰	۳۳۱
مرد		۲/۷۸			۲۳۹
زن	روابط اجتماعی	۲/۳۵	۲/۳۲	۰/۰۰۱	۳۳۱
مرد		۲/۳۰			۲۳۹
زن	سلامت محیط	۲/۱۵	۲/۲۰	۰/۰۰۰	۳۳۱
مرد		۲/۲۶			۲۳۹

در پاسخ به سؤال دوم بیان مسأله، نتایج جدول ۶ با استفاده از آزمون T که به مقایسه میانگین ها می پردازد، اشاره به این می کند که میانگین سلامت روان بین پاسخگویان متفاوت است. در حقیقت دانشجویان دختر بیشتر از دانشجویان پسر از بیماری هایی همچون افسردگی، اضطراب، ترس و ... بیشتر رنج می برند. این نتیجه همانند سایر پژوهش های انجام یافته در سطح جهان و ایران که در سطور قبل به آن اشاره شد، همخوانی دارد. در آزمون میانگین نمرات شاخص های سلامت جسمانی و روابط اجتماعی باید به این نکته اشاره کرد که میانگین نمرات دانشجویان دختر به نسبت دانشجویان پسر بیشتر است. شاخص روابط اجتماعی دختران و پسران تقریباً با هم برابر بوده است. به طور کل میانگین نمرات سلامت محیطی و روابط اجتماعی به نسبت دو شاخص قبلی، بین دانشجویان پایین تر است.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش یک مطالعه پیمایشی از نوع توصیفی است و به منظور مطالعه سنجش شاخص های کیفیت زندگی دانشجویان در سال ۱۳۹۴ در مراکز آموزش عالی شهر قاین انجام شده است.

بر اساس داده های موجود و نتایجی که از آزمون های آماری در بخش آمار توصیفی به دست آورده ایم، می توان نشان داد بیشترین پاسخگویان به گروه سنی ۱۸ تا ۲۲ سال (۳۰٪) قرار داشتند و کمترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۳۸ تا ۴۵ سال (۸/۴٪) قرار دارند. هم چنین بیشترین پاسخگو (۴۸/۲٪) دارای تحصیلات لیسانس و کمترین تعداد (۲۱/۵٪) فوق دیپلم هستند و در بعد جنسیت باید اشاره کرد که ۵۸٪ پاسخگویان دختر و ۴۲٪ دیگر پسر هستند. جهت اندازه گیری سطح کیفیت زندگی دانشجویان بر اساس پرسش نامه استاندارد شده سازمان جهانی بهداشت که دارای ۲۳ مقیاس بوده است و چهار مؤلفه سلامت جسمانی، سلامت روان، روابط اجتماعی و سلامت محیطی را مورد مطالعه قرار می دهد، در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

تجزیه تحلیل یافته ها نشان می دهد که میانگین شاخص کیفیت زندگی دانشجویی در این تحقیق برابر با ۷۲/۸۹ و انحراف معیار آن ۹/۳۱ بوده است. در مجموع، از نظر دانشجویان سطح کیفیت زندگی در این مقطع سنی در حد نزدیک به متوسط برابر با ۴۲٪ بیان شده است. طبق نتایج به دست آمده می توان نشان داد در بعد سلامت جسمانی به عنوان یکی از مؤلفه های کیفیت زندگی در حد متوسط روبه بالا، برابر با ۵۴٪ بوده است. هم چنین نتایج نشان داده که دانشجویان دختر به نسبت دانشجویان پسر، بیشتر به این مؤلفه در زندگی اهمیت می دهند. نتایج مؤلفه سلامت روان نشان داده است که این بعد از کیفیت زندگی در حد متوسط (۵۰٪) برای جامعه دانشجویی اهمیت دارد که در بین دانشجویان پسر به نسبت دختران، این شاخص اهمیت بیشتری داشته است. روابط اجتماعی دانشجویان به عنوان مؤلفه دیگر از کیفیت زندگی دانشجویی مطرح شده که نتایج بیانگر این است که این بعد از زندگی دانشجویی در این جامعه خیلی قوی نبوده است که می تواند نشأت گرفته از وجود عرف و هنجارهای سنتی باشد که بر ساختار جامعه شهری و زندگی در این منطقه حاکم است. هم چنین نتایج حاکی از سلامت محیط برای دانشجویان در حد متوسط (۵۱٪) بوده است.

در مجموع شاخص های کیفیت زندگی دانشجویان با توجه به ارزش ها و هنجارهای حاکم بر زندگی در جامعه مورد مطالعه در حد متوسط بوده است که با توجه به

برنامه ریزی های فرهنگی و اجتماعی از سوی دانشگاه و وزارت ورزش و جوانان، می توان در راستای ارتقاء ابعاد مختلف آن، تلاش هایی انجام داد.

در پاسخ به سؤال سوم بیان مسأله اشاره به تعدادی راهبردها و راهکارها برای بالا رفتن میزان کیفیت زندگی دانشجویان عبارتند از:

- مفاهیم و مولفه های کیفیت زندگی ذهنی در بین دانشجویان مراکز آموزش عالی این شهر بازیابی گردد.

- فراهم ساختن زمینه های مشارکت دانشجویی در فعالیت های فرهنگی و اجتماعی، جهت اعتلای تعاملات اجتماعی در جامعه بیشتر از سوی مسئولین دانشگاهی باید مورد توجه قرار گیرد.

- آموزش های لازم جهت تقویت ابعاد روانی، جسمانی و اجتماعی زندگی این دانشجویان ارائه گردد.

- معاونت دانشجویی این مراکز آموزش عالی باید در جهت کاهش افسردگی- اضطراب، خشم، استرس و ... برای این جامعه مورد مطالعه، تلاش بیشتری کنند.

منابع

- آقاملایی، تیمور (۱۳۸۴). *اصول و کلیات خدمات بهداشتی*. تهران: اندیشه رفیع.
- افضلان، فاطمه (۱۳۸۱). "بررسی کیفیت زندگی خانواده های بیماران روانی". پایان نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- براتی، ناصر؛ یزدان پناه شاه آبادی، محمدرضا (۱۳۹۰). "بررسی ارتباط مفهومی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محیط شهری (نمونه موردی: شهر جدید پردیس)". *فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه پژوهی فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال دوم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۲۵-۴۹.
- جمشیدی ها، غلامرضا؛ عنبری، موسی؛ محمدی، مهدی (۱۳۹۳). "بررسی ارتباط کیفیت زندگی با تغییرات دینداری دانشجویان". *فصلنامه علمی- پژوهشی بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره چهارم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۱-۱۹.
- خراسانی، محمدامین؛ راستی، هادی؛ مغداتی، الهه (۱۳۹۳). "ارزیابی کیفیت زندگی در شهرهای کوچک با روش فازی در شهرهای بردخون و بنک در استان بوشهر". *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال چهاردهم، ش ۵۴ (پاییز): ۷-۳۶.
- رستگارنسب، فرهاد؛ مصطفوی، نرگس؛ جهان نمایی، امیر (۱۳۹۱). "بررسی مقایسه ای کیفیت زندگی زنان شاغل و غیرشاغل شهرستان مشهد". *فصلنامه علمی ترویجی جمعیت*، ش ۷۹ (بهار): ۵۴-۶۸.
- سلطانی، رضا، و دیگران (۱۳۸۹). "بررسی کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه گیلان". *مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان*، دوره نوزدهم، ش ۵۷ (پاییز): ۲۵-۳۵.
- شریفیان، اکبر؛ فتوت، هدی (۱۳۹۰). "بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شیراز (واحد پردیس))". *فصلنامه برنامه ریزی و رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره دوم، ش ۸ (پاییز): ۱۵۵-۱۸۹.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۹). "بررسی جامعه شناختی کیفیت زندگی دانشجویان/ جوانان در شهر تهران". *فصلنامه علمی ترویجی جمعیت*، ش ۷۳ و ۷۴ (پاییز و زمستان): ۶۳-۸۴.

- (۱۳۹۲). جامعه شناسی کیفیت زندگی. تهران: حریر.
- علیخانی، محمد، و دیگران (۱۳۹۰). "بررسی کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین". *مجله علمی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه قزوین*، سال ششم، ش ۲۲ (تابستان): ۵-۱۱.
- غفاری، غلامرضا؛ اونق، نازمحمد (۱۳۸۵). "سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی". *مجله علمی- پژوهشی مطالعات اجتماعی ایران*، دوره یکم، ش ۱ (بهار): ۱۵۹-۱۹۹.
- غفاری، غلامرضا؛ امیدی، رضا (۱۳۸۷). "کیفیت زندگی در برنامه های عمرانی و توسعه ایران". *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال هشتم، ش ۳۰ و ۳۱ (پاییز و زمستان): ۷-۳۴.
- غفاری، غلامرضا؛ کریمی، علیرضا؛ نوذری، حمزه (۱۳۹۱). "روند مطالعات کیفیت زندگی در ایران". *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، دوره اول، ش ۳ (پاییز): ۱۰۷-۱۳۴.
- فرخی، جواد (۱۳۸۶). "کیفیت زندگی و عوامل مرتبط با آن در میان سرپرستان خانوارهای تهرانی". پایان نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- مکوندی، سمیه؛ زمانی، مریم (۱۳۹۰). "بررسی کیفیت زندگی و ابعاد مختلف آن در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز". *فصلنامه علمی و پژوهشی جندی شاپور*، دوره دوم، ش ۴ (زمستان): ۱۹۱-۲۰۰.
- موسوی، میرنجف؛ کشکولی باقری، علی (۱۳۹۱). "ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در محلات شهر سردشت". *مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری*، سال سوم، ش ۹ (تابستان): ۹۷-۱۱۸.
- نجات، سحرناز (۱۳۸۷). "کیفیت زندگی و اندازه گیری آن". *مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران*، دوره چهارم، ش ۲ (تابستان): ۵۷-۶۲.
- Baldwin, Sally; Christine, Godfrey; Carol, Propper (1994). *Quality of Life: Perspectives and Policies*. London; New York: Routledge Press.
- Eckersley, Richard (1999). "Quality of Life in Australia (An analysis

of Public Perceptions)". *Quality of Life in Australia, National Centre for Epidemiology and Population Health The Australian National University*, No. 23 (September):1-10.

-Epley, Donald R.; Menon, Mohan (2008). "A Method of Assembling Cross-sectional Indicators into a Community Quality of Life". *Social Indicators Research*, Vol. 88, Issue 2 (September): 281-296

-Kulthckiy, Z. I.; Kurkoya, V. (2013). "Analysis of the main parameters of quality of students' life of different specialties". *Journal Physical Education of Students*, No. 6 : 25-29.

-Larson, James S. (1993). "The measurement of social well-being". *Social Indicators Research*, Vol. 28, Issue 3 (March): 285-296,

-Moro, Mirko; et al. (2008). "Ranking quality of life using subjective well-being data". *Ecological Economics*, Vol. 65, Issue 3 (April): 448-460.

-Schalock, Robert L. (2000). "Three decades of quality of life: Focus on Autism and Other Developmental Disabilities". *Journal of intellectual disability research*, Vol. 15, No. 2: 116-127.

- ----- (2004). "The concept of quality of life: what we know and do not know". *Journal of intellectual disability research*, Vol. 48, Issue 3 (March): 203-216.

-Schmit, Regina Berger (2002). "Considering social capital in quality of life assessment: concept and measurement". *Social Indicators Research*, Vol. 58, No. 1/3 (Jun.): 403-428.

-Siva Durga, Prasad Nayak, et al. (2014). "Quality Of Life in Medical Students of Andhra Medical College, Visakhapatnam, International". *Journal of Health Sciences and Research (IJHSR)*, Vol. 4, Issue 12: 39-43.

-Slottje, Daniel J. (1991). "Measuring the Quality of Life across Countries". *The Review of Economics and Statistics*, Vol. 73, No. 4

(November): 684-693.

-Varrhcchio, C. G. (2001). "Relevance of quality of life to clinical nursing practice". *Oncology nursing, Novem*, Vol. 6, Issue 4: 255-259.

تحلیل کیفی دیدگاه مدیران آموزش عالی خراسان به تیم سازی و کار تیمی

دانشگاهی مطالعه موردی: دانشگاه فردوسی مشهد

مجتبی نادی^۱

محمد رضا آهنجیان^۲

محسن نوغانی دخت بهمنی^۳

کلثومه شجاع^۴

چکیده

مدیریت قبل از آن که مدیریت بر افراد باشد، مدیریت بر تیم های کاری است و تیم سازی و کار تیمی از اولویت های هر نظام و سازمان است، هم چنین نیاز به شناخت تیم توسط مدیران به این دلیل است که تیم ها واقعیتی از زندگی سازمانی هستند و اجزای ساختمانی یک سازمان را تشکیل می دهند. تیم سازی و کار تیمی در دانشگاه به ترسیم شفاف چشم انداز و اهداف مشترک کمک می کند و با ایجاد روحیه اعتماد میان منابع انسانی، حس تعهد و مسؤولیت پذیری شان را برمی انگیزد. بنابراین هدف پژوهش حاضر شناسایی و تحلیل دیدگاه مدیران آموزش عالی خراسان به تیم سازی و کار تیمی با استفاده از رویکرد کیفی و روش مطالعه موردی بود و دانشگاه فردوسی مشهد نیز که از مهم ترین و تأثیرگذارترین مراکز آموزش عالی خراسان است به عنوان مورد انتخاب شد. به منظور گردآوری داده ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته، بر مبنای مفاهیم حساس حاصل شده از مرور سوابق و منابع و مصاحبه های اکتشافی استفاده شد. جامعه آماری شامل کلیه مدیران دانشگاه فردوسی مشهد بود که از میان آنها تعداد ۱۴ مدیر با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. برای تحلیل اطلاعات، از روش تحلیل محتوا و کدگذاری باز و محوری استفاده شد. نتایج حاصل از مصاحبه نشان داد مدیران آموزش عالی دیدگاه و درک مناسبی به شاخصه های تیم سازی و کار تیمی در دانشگاه (شامل دو

۱. دانش آموخته کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسؤول

nadi.mojtaba@yahoo.com

ahanchi8@um.ac.ir

noghani@um.ac.ir

g.shoja@yahoo.com

۲. استاد گروه تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد

۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

۴. دانش آموخته کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد

مقوله کلی ساختار تیمی و روابط تیمی و ده زیر مقوله (مفهوم) هدف مداری، ترکیب تیم و سازماندهی، شبکه تصمیم گیری، نظام بازخورد، هدایت و رهبری، صراحت و صداقت، همگرایی و اعتماد، همکاری و تضاد، تعهد و مشارکت، ارتباطات) دارند و از زمینه و روحیه مناسبی در رابطه با تیم سازی و کار تیمی برخوردار هستند.

واژگان کلیدی: تیم سازی، کار تیمی، آموزش عالی، دانشگاه فردوسی مشهد

۱- مقدمه

در عصر جدید مدیران در پی ایجاد هم افزایی هستند. آن ها می خواهند عملکرد سازمان هایشان را بهبود بخشند، بنابراین به کار تیمی روی آورده اند. سازمان ها باید از فعالیت ها و کار تیمی^۱ کارکنان شان بیشتر حمایت کنند. تأکید بر تیم سازی^۲، طراحی کار در سازمان ها را متحول ساخته است؛ آن ها به جای تأکید به کار فردی به کار تیمی در موقعیت های پیچیده روی آورده اند. همچنین یافتن راه حل های خلاق و جدید برای مسائل پیچیده، هر روز دشوارتر می شود و افراد و بخش های سازمان ها، دیگر به تنهایی قادر به حل مشکلات فرارو نیستند. ضرورت تشکیل تیم ها^۳ در سازمان ها، اهمیت مطالعه بر روی مقوله کار تیمی^۴ را آشکار می سازد. هر چه همکاری بیشتری میان کارکنان باشد رسیدن به اهداف، توسعه سازمانی و مزایای رقابتی زودتر اتفاق خواهد افتاد، به همین دلیل مدیران تیم سازی و کار تیمی را به عنوان ارزش مرکزی سازمان های شان در نظر می گیرند (وودکاک، ۱۳۸۵: ۲۰-۱۹). تیم سازی فرآیندی است که به توسعه تیمی اشاره دارد و در آن اهداف، نتایج، نوع رهبری، مهارت ها و کارکرد گروه تغییر می کند، سدهای بین واحدها و دایره های سازمانی شکسته شده، تصمیم گیری ها غیرمتمرکز می شوند و در پایان، گروه تبدیل به تیم می شود (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۴۶). اجزای فرآیند تیم سازی عبارتند از: شفافیت نقش، تنظیم اهداف، حل مسأله و روابط بین فردی. زمانی که اجزای تیم سازی مورد بررسی قرار می گیرند،

1. Team working

2. Team Building

3. Team

4. Team working

مشخص می شود که تأکید بر آن بیشترین تأثیر بر افزایش کارایی دارد. علاوه بر این، تبدیل گروه های کاری به تیم یا به عبارتی همان تیم سازی مدیران را قادر می سازد تا توجه اعضای تیم را بر هدف های مشترک متمرکز ساخته، به آنان کمک کنند تا درباره چگونگی کسب آن به توافق برسند (Salas, et al., 1999: 314). هم چنین هیرش و وبر^۱ (۱۳۸۱) یکی از مهم ترین ویژگی های دانشگاه های موفق را، گرایش به فعالیت های تیمی و احیای روحیه مشارکت و همکاری سازنده می دانند. تیم سازی و کار تیمی در دانشگاه به ترسیم شفاف چشم انداز و اهداف مشترک کمک می کند و با ایجاد روحیه اعتماد میان منابع انسانی، حس تعهد و مسؤولیت پذیری شان را برمی انگیزد. هم چنین از طریق تیم سازی، توزیع بار کاری، افزایش انعطاف پذیری نیروی کار، تسهیل و یکپارچه سازی راهبردهای منابع انسانی سازمان، تقویت و توانمندسازی نیروی انسانی و فراهم سازی زمینه های مشارکت و مساعدت فکری و ذهنی نیروی کار، امکان پذیرتر می شود. دانشگاه با تأکید بر تیم سازی و کار تیمی، نه تنها می تواند زمینه ایجاد و بهره برداری از مهارت های چندگانه و اشاعه روحیه تعاون، همکاری و مسؤولیت پذیری را فراهم نماید، بلکه افرادی را می پروراند که به صورت مستمر در پی مشارکت در تصمیم گیری، حل مسأله و به کار گیری دانش و مهارت های کسب شده هستند. کار تیمی بهترین روش برای ارائه کارایی بالا است (Naquin and Tynan, 2003: 333) و عملکرد تیمی از طریق ضوابط و معیارهای مختلف مانند کاهش اشتباهات، تداوم بهبود کیفیت نتایج، افزایش کارایی و رضایت مشتری مورد ارزیابی قرار می گیرد. این در حالیست که امروزه یافتن محیط های کاری که نمونه موفق از یک کار تیمی خوب باشد چندان آسان نیست، چنین فضایی فراهم ساختن بستر مناسبی برای آموزش و تمرین کار تیمی، تیم سازی، حل مسأله و روابط بین فردی، امری ضروری می نماید (ابراهیمی و میرترابی، ۱۳۸۹: ۴۲).

۲- بیان مسأله

دنیای امروز، دنیای تشکیل تیم‌های کاری است و اگر در هر مؤسسه یا سازمان افراد موفق به کار تیمی نشوند، سازمان یکی از کلیدهای مهم موفقیت را از دست می‌دهد. تمرکز بر اثربخشی و کارآمدی تیم‌های کاری، مستلزم داشتن روحیه کار تیمی است. کوزلوفسکی و لگن (Kozlowski a Ligen, 2006) بر این باورند که واقعیت این است کاری که یک تیم می‌تواند انجام دهد، از عهده یک شخص به تنهایی بر نمی‌آید، چرا که در همکاری افراد، نیروهای آن‌ها در هم ضرب می‌شود و حاصل کار از برآیند توان افراد به صورت تک به تک بیشتر است. بر همین اساس، امروزه تیم‌سازی و کار تیمی از اولویت‌های هر نظام و سازمان دانش‌محور که به دنبال کسب توان رقابتی هستند، می‌باشد و این دانش‌مداری فقط از طریق توجه به منابع انسانی حاصل می‌شود. کارکنان دانش‌گرا بهتر می‌توانند افکار را تلفیق و فکر جمعی حاصل نمایند. در این زمینه در کنار برنامه‌ریزی منابع انسانی، طراحی سازوکارهای مختلفی که بتوانند توان کارکنان را بهتر در سازمان جاری نماید، از ضروریات است. ساختارهای معمولی و سلسله‌مراتبی به سمت ساختارهای تیمی چرخش پیدا نموده است و سازمان‌ها می‌توانند از طریق سیاست‌های سازمانی از جمله استفاده از تیم‌های کاری به بهره‌وری، صرفه‌جویی، افزایش تولید و سودآوری بالاتری دست یابند (جوانمرد و افراز، ۱۳۸۹: ۹۸). اسمیت، هوی و سویتلند (Smith, Hoy and Sweet land, 2001) معتقدند سازمان‌ها در نتیجه تیم‌سازی به سودمندی نیروی کار، بهبود کیفیت خدمات، کاهش ساختار مدیریتی، کاهش غیبت افراد و کاهش نقل و انتقالات کارکنان و افزایش اثربخشی سازمانی دست می‌یابند. تیم‌سازی پدیده‌ای پویا و مجموعه‌ای فعالیت‌هایی هدفمند برای توانمندسازی گروهی از افراد است به طوری که باعث ایجاد یک واحد کاری توانمند با کارایی بالا و توسعه کار تیمی اثربخش در سازمان می‌شود (Constantine, 1993: 38) و کار تیمی مجموعه‌ای از ادراکات، رفتارها و نگرش‌های منعطف و وابسته به هم و مشترک برای رسیدن به اهداف مورد نظر می‌باشد. در واقع این ادراکات، رفتارها و نگرش‌ها بازتاب صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها (دانشی، مهارتی و نگرشی)

اعضای تیم برای انجام اثربخش عملکرد تیمی، برای رسیدن به اهداف مورد نظر است (Salas, Stagl & Burke, 2004: 53-54).

تحقیقات انجام شده نشان داده است که تیم‌ها به عنوان واحدهای اساسی در ساختار سازمانی (Devine, et al., 1999: 704-705) برای رسیدن به عملکرد مطلوب به کار می‌روند (Orlitzky, and Benjamin, 2003: 129-130). نتیجه این امر اثربخشی (Kang, Yang and Rowley, 2006: 1704) و خلاقیت (Pirola-Merlo and Mann, 2004: 235) خواهد بود. فعالیت‌های تیم‌سازی فرصت‌های بیشتری را برای تلاش تیمی مطلوب فراهم کرده و جوانب کار تیمی را ترقی می‌بخشد (Hsu, et al., 2011: 9). به علاوه شناسایی و پشتیبانی از تیم‌سازی می‌تواند پیچیدگی‌های انجام وظیفه را کاهش داده و اقدامات هدف‌گرایانه سازمانی را بهبود بخشد (Gronau, et al., 2007: 179). بررسی‌ها در بین ۱۰۰ سازمان برتر نشان داده است که کار تیمی عامل مهمی در برتری و توسعه سازمان‌ها می‌باشد (Wei a Lau, 2012). (Naquin and Tynan, 2003: 333). برای نمونه وی و لائو (Wei a Lau, 2012) در پژوهشی با عنوان کار تیمی اثربخش سطح بالا، کار تیمی مؤثر را موضوع بسیار مهم مدیریت منابع انسانی می‌داند و این که مدیران ارشد چگونه به طور مؤثر در یک تیم به فعالیت بپردازند، بسیار حیاتی است. تحقیقات قبل نشان داده است که مدیران ارشد در زمینه‌های متنوع کار تیمی خود تأثیر می‌گذارند و این امر باعث نوآوری‌های متنوع سازمانی می‌شود. در این مطالعه، پیشنهاد شده است که عملکرد تیمی پویا، نقش مهمی در تسهیل کار تیمی مدیران ارشد دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش که بر اساس نمونه‌ای از شرکت‌های چینی گرفته شد، نشان داد که حمایت از تیم‌های کاری متنوع و پویا باعث پویایی و تنوع نوآوری سازمان و اثربخشی سطح بالای سازمان می‌شود. هم‌چنین تاریکون و لوکا (Tarricone & Luca, 2002) در پژوهشی با عنوان کار تیمی موفق به بررسی عوامل موفقیت تیم‌ها به روش مطالعه موردی پرداختند. در این پژوهش، عوامل موفقیت کار تیمی و چارچوبی برای کمک به ارتقاء اثربخشی کار تیمی ارائه شده است. در این جا، جامعه دو گروه از تیم‌های دانشجویی

سال آخر در نظر گرفته شد. این مطالعه مقایسه نمود که چطور تیم‌هایی که از عوامل یا چارچوب ارائه شده بهره می‌گیرند، به موفقیت دست می‌یابند. این عوامل عبارتند از: تعهد به موفقیت تیم و اهداف مشترک، وابستگی متقابل، مهارت‌های بین فردی، روابط باز، بازخورد و رقابت سالم و نقش بسیار مهمی در موفقیت تیم ایفا می‌نمایند. نتایج نشان داد که بین توجه تیم به این عوامل موفقیت آن رابطه مستقیم وجود دارد و این عوامل کلیدی باید هم از طریق سازمان‌ها و هم از طریق تیم‌ها و اعضای آن مورد توجه قرار گیرند. دانشگاه‌ها نیز به عنوان یکی از تأثیرگذارترین سازمان‌های آموزشی بایستی به تیم‌سازی روی آورده و کار تیمی را به عنوان یک عنصر کلیدی برای بهبود عملکرد کارکنان خود تلقی نمایند. هم‌چنین باید به معرفی کار تیمی در کلاس‌های درس خود اقدام کنند تا از این طریق پاسخی به تقاضای سایر سازمان‌ها بدهند (Pfaff and Huddleston, 2003: 44). با توجه به آن چه گفته شده و پس از بررسی پیشینه و جلب توجه پژوهشگر به مسأله تیم‌سازی در آموزش عالی، به منظور روشن تر شدن مسأله، با چند تن از مدیران و اعضای هیأت علمی دانشگاه مصاحبه‌های اکتشافی به عمل آمد و مدیران و اعضای هیأت علمی دانشگاه بر ضرورت و اهمیت و لزوم تیم‌سازی در دانشگاه تأکید نموده و دیدگاه مدیران دانشگاهی به تیم‌سازی و کار تیمی در آموزش عالی را به عنوان یک موضوع اساسی مورد توجه قرار گرفت. جستجوهای اولیه نیز حاکی از این امر بود که هیچ تصمیم یا اقدام سازمان یافته‌ای در زمینه تیم‌سازی در آموزش عالی صورت نگرفته است. وجود این شرایط نشان داد که دانشگاه فردوسی مشهد بالقوه می‌توانست میدان مناسبی برای مطالعه دیدگاه مدیران دانشگاهی به تیم‌سازی در یک مورد از مراکز بزرگ آموزش عالی کشور باشد. به طور مشخص هدف این تحقیق، بررسی دیدگاه مدیران آموزش عالی به تیم‌سازی و کار تیمی و مفاهیم کلیدی آن، به عنوان زیر ساخت‌های تیم‌سازی و کار تیمی دانشگاهی بود. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به سؤال زیر است:

مدیران دانشگاه فردوسی مشهد چه دیدگاهی به تیم‌سازی و کار تیمی و مفاهیم کلیدی آن به عنوان زیرساخت‌های تیم‌سازی و کار تیمی دانشگاهی دارد؟

۳- روش شناسی

پژوهش حاضر از حیث هدف از نوع تحقیقات کاربردی می باشد و به روش کیفی و شیوه مطالعه موردی به انجام رسیده است. پژوهش موردی یکی از متداول ترین روش های مورد استفاده در مطالعات مدیریت و سازمان است. مطالعه موردی نوعی پژوهش تجربی^۱ است که پدیده زمان حال را در بستر زندگی واقعی شان بررسی می کند، خصوصاً زمانی که مرزهای بین پدیده ها و بستر آن به طور واضح مشخص نیستند (دانایی فرد، الوانی، آذر، ۱۳۸۶: ۸۲).

جامعه آماری شامل کلیه مدیران دانشگاه فردوسی مشهد بود. نمونه گیری در این پژوهش به صورت هدفمند بوده، در نمونه گیری هدفمند، نمونه بر اساس قضاوت شخصی یا اهداف مطالعه انتخاب می شود (گال، بورنگ و گال، ۱۳۸۷: ۹۵۸). از آن جا که حجم نمونه در تحقیقات کیفی دارای میزان و تعداد مشخصی نیست و تعداد نمونه بر اساس میزان اطلاعات به دست آمده و به اشباع رسیدن اطلاعات تعیین می شود. در پژوهش حاضر با ۱۴ نفر از مدیران دانشگاه فردوسی مشهد مصاحبه شد و اطلاعات از افرادی کسب شد که بالقوه می توانستند پاسخگوی سؤال پژوهش باشند. بدین صورت مصاحبه ها تا جایی پیش رفت که محقق به اشباع نظری رسید و مصاحبه های بیشتر، اطلاعات جدیدی را ارائه نمی کرد. برای این که توصیف شرکت کنندگان از پدیده مورد نظر صحیح باشد، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. در این مصاحبه، مشارکت کنندگان دیدگاه و روایت های خود را آزادانه بیان نمودند. نحوه ساماندهی جلسات مصاحبه به این ترتیب بود که از طریق تلفن یا مراجعه حضوری با مصاحبه شوندگان هماهنگی اولیه صورت گرفت و با توضیح موضوع مصاحبه و هدف از انجام آن، زمان مناسب جهت انجام مصاحبه هماهنگ و تعیین شد. در زمان انجام مصاحبه پس از کسب اجازه از مصاحبه شوندگان، متن کامل گفتگوها ضبط گردید. در زمان انجام مصاحبه، به منظور رفع ابهام و شفاف سازی بیشتر از سؤالات پیگیری همانند منظور شما از ... چه می باشد؟ "یا" لطفا در این زمینه بیشتر توضیح دهید؟" استفاده " گردید.

طول مدت مصاحبه ها بین ۲۵ تا ۴۵ دقیقه بود. مصاحبه ها با مدیران دانشگاهی تا جایی پیش رفت که محققان به کفایت نظری اطلاعات و اشباع نظری دست یافتند و انجام مصاحبه های اضافی دیگر اطلاعات جدیدی را ارائه نکرد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی پس از تنظیم یادداشت های به دست آمده از جلسات مصاحبه و پیاده سازی مصاحبه های ضبط شده، از روش تجزیه و تحلیل کدگذاری اطلاعات استفاده شد. فرآیند تحلیل در پژوهش حاضر به شرح ذیل و با استفاده از روش کدگذاری صورت گرفته است: ۱- انجام مصاحبه با مدیران دانشگاه، ۲- پیاده کردن مصاحبه های ضبط شده برای روی کاغذ، ۳- کدگذاری باز، ۴- کدگذاری محوری. پس از تنظیم و سازماندهی تمامی یادداشت های حاصل از جلسات مصاحبه، تمامی متون خط به خط بررسی و به جملات و عباراتی تجزیه شدند که در واقع، همان اطلاعات خام یا اولیه تلقی می شوند. سپس همه جملات و عبارات استخراج شده به صورت پیوسته مقایسه و در قالب جملات و عبارات مشابه گروه بندی شدند. پس از گروه بندی جملات مشابه، مفهوم یا مفاهیم خاصی که در تمام جملات به آن اشاره شده بود، استخراج شدند. برای اطمینان از این که تمام مفاهیم اشاره شده استخراج شده اند، چندین بار از آغاز تا انتها همه عبارات و جملات بررسی و مقایسه شدند. ضمناً در جریان فرآیند تحلیل اطلاعات به این سؤال ها که: "این مقوله به چه مواردی اشاره دارد؟" و "با کدام مجموعه از مقوله های دیگر می تواند در یک مقوله منتخب یا گزاره دسته بندی شود؟" پاسخ داده شد.

جهت تعیین اعتبار و روایی تحقیق، بسیاری از صاحب نظران، همسازی پایایی و روایی در پژوهش کیفی را مطرح کرده و معتقدند وجود روایی، پایایی را تضمین می نماید (گل افشانی و مظفری، ۱۳۸۵: ۳۷). برای حصول اطمینان از روایی پژوهش، یعنی دقیق بودن یافته های بدست آمده از روش بررسی توسط اعضاء (مصاحبه شوندگان) استفاده شد. در این روش، محقق بخشی از یافته ها را در اختیار گروه مورد مطالعه قرار می دهد تا تحلیل او را بررسی کنند و به این سؤالات پاسخ دهند: آیا محقق برداشت درستی از گفته هایشان داشته است؟ آیا این تحلیل برای آنان نیز منطقی به نظر می رسد، یا

او در فهم معنی اطلاعات دچار خطا شده است؟ در این پژوهش نیز محقق از برخی از مصاحبه شوندگان خواست تا گزارش نهایی، فرآیند تحلیل یا مقوله‌های به دست آمده را بازبینی کرده و نظر خود را در ارتباط با آنها ابراز کنند. به زعم این افراد، یافته‌های پژوهش تا حد بسیار زیادی بازتاب دهنده دیدگاه‌ها و نظرات آنها بوده است، که خود نشان دهنده روایی قابل قبول یافته‌های پژوهش حاضراست. هم‌چنین جهت حصول اطمینان از اعتبار تجزیه و تحلیل نتایج، پیاده‌سازی اولیه و کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده به وسیله چندین محقق صورت گرفته و راجع به کدهای اولیه بحث و تبادل نظر شد. بدین صورت که پس از کدگذاری اولیه، کدهای استخراج شده به همراه فایل اصلی مصاحبه برای سایر همکاران پژوهش ارسال و از آنان درخواست شد تا فرایند کدگذاری و کدهای استخراج شده را مورد بازبینی قرار دهند (شیوه کدگذاری مجدد). نتایج این قسمت نیز موید اعتبار تجزیه و تحلیل نتایج بود. ضمناً جهت رعایت اصول اخلاقی پژوهش، پژوهشگر در طی جمع‌آوری داده‌ها، هیچ‌گونه ذهنیتی را به مشارکت‌کنندگان انتقال نداده و القا نکرده است و نسبت به محرمانه ماندن نام و اطلاعات مشارکت‌کنندگان بسیار تلاش شده است به طوری که در ذکر اطلاعات حاصل از مصاحبه به صورت نقل قول مستقیم نام و اطلاعات مشارکت‌کنندگان کدگذاری گردید تا از افشای نام و اطلاعات آنان جلوگیری شود.

۴- یافته‌ها

دیدگاه مدیران دانشگاه فردوسی مشهد در رابطه با مفاهیم اساسی تیم سازی و کار تیمی دانشگاهی در ۱۰ مقوله محوری و در دو طبقه اصلی ساختار تیمی و رهبری و روابط تیمی که از طریق بررسی منابع و مصاحبه با مدیران آموزش عالی، مورد شناسایی قرار گرفت و گردآوری شد. بدین ترتیب در این مرحله ۱۴ نفر از مدیران دانشگاه فردوسی مشهد مورد مصاحبه قرار گرفتند و دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در رابطه با هر یک از مقوله‌ها و مفاهیم کلیدی تیم سازی و کار تیمی دانشگاهی جمع‌آوری گردید.

۴-۱- یافته های حاصل از مصاحبه

در مرحله اول مفاهیم و مؤلفه های اساسی تیم سازی و کار تیمی دانشگاهی از طریق بررسی منابع و مصاحبه با ۱۱ نفر از مدیران دانشگاهی مورد شناسایی قرار گرفت، سپس به تأیید ۷ تن از اساتید صاحب نظر مدیریت و علوم اجتماعی رسید. در مرحله بعد، مصاحبه ها بر مبنای مفاهیم و زیر ساخت های تیم سازی و کار تیمی دانشگاهی که از مرور سوابق و منابع و مصاحبه با مدیران دانشگاهی شناسایی شده بود، طراحی گردید. سپس برای تعیین دیدگاه مدیران دانشگاه به تیم سازی و کار تیمی و زیر ساخت های آن، ۱۴ نفر از مدیران دانشگاهی مورد مصاحبه هدفمند قرار گرفتند. در ادامه با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل خطوط یا بند تلاش شد تا کدهای باز استخراج شوند. در کدگذاری باز متن هر مصاحبه چندبار خوانده و جملات اصلی آن استخراج شد و به صورت کدهایی ثبت گردید. سپس کدهایی که به لحاظ مفهومی با یکدیگر مشابه بودند، به صورت دسته هایی درآمدند و در مرحله بعدی آن مفاهیم در قالب مقوله های بزرگتری قرار گرفتند و بعد از این مرحله سعی شد که مقولات نیز در قالب دسته های بزرگتر مفهومی طبقه بندی گردند. در ادامه و در کدگذاری محوری، مقوله ها در قالب خوشه های بزرگ دسته بندی شدند. به عبارتی دیگر، در کدگذاری محوری، کدها و دسته های اولیه که در کدگذاری باز ایجاد شده بودند با یکدیگر مقایسه و ضمن ادغام موارد مشابه، دسته هایی که به یکدیگر مربوط می شدند، حول محور مشترکی قرار گرفتند. به طور کلی، نتایج به دست آمده از مصاحبه ها و فرایند کدگذاری نشان داد که بر اساس دیدگاه مدیران دانشگاهی، مفاهیم تیم سازی و کار تیمی دانشگاهی را می توان در دو مقوله کلی ساختار تیمی و روابط تیمی و ده زیر مقوله (مفهوم) هدف مداری، ترکیب تیم و سازماندهی، شبکه تصمیم گیری، نظام بازخورد، هدایت و رهبری، صراحت و صداقت، همگرایی و اعتماد، همکاری و تضاد، تعهد و مشارکت، ارتباطات گروه بندی کرد که در جدول ۱ به همراه مفاهیم ادغام شده آن تنظیم گردیده است.

جدول (۱) مؤلفه ها و مقوله های محوری تیم سازی و کار تیمی و مفاهیم ادغام شده آن در دانشگاه

فردوسی مشهد

ردیف	مؤلفه های محوری تیم سازی	مفاهیم ادغام شده
تیم سازی	هدف مداری	آینده نگری، تدوین چشم انداز، سیاست گذاری، تدوین اهداف مشترک، اهداف روشن و مورد توافق اعضا
	ترکیب تیم و سازماندهی	وجود نقش ها و تخصص های متنوع، اعضای با تجربه، دانش و آگاهی گوناگون، آشنایی با وظایف و مسؤولیت ها، دانش و مهارت های جدید، استعدادها و توانمندی های مختلف، نظم و انضباط
	شبکه تصمیم گیری	شناسایی و حل مسأله، داوری، تصمیم گیری مشارکتی، سیاست گذاری تیمی
	نظام بازخورد	کنترل کیفیت و بهره وری، میل به موفقیت، کمال جویی حرفه ای، ارائه بازخورد عملکرد به کارکنان، کنترل و ارزیابی عملکرد
روابط تیمی	رهبری	نفوذ و تأثیرگذاری، حاکمیت، انگیزش، متخصص، پشتیبان، ناظر، داور، هماهنگی، قاطعیت، تقسیم کار، گزینش
	صراحت و صداقت	آزاد اندیشی، صداقت، توجیه و اقناع کارکنان، نظرخواهی از کارکنان، انتقاد پذیری، همدلی با کارکنان، توجه و درک احساسات و نظرات آنان
	همگرایی و اعتماد	حمایت، تشویق، وابستگی متقابل، قدردانی، اعتمادآفرینی، همکاری متقابل
	همکاری و تضاد	پشتکار و فعالیت مشترک، هم افزایی، مدیریت تعارض
	تعهد و مشارکت	وجدان کاری، تعهد اخلاقی و حرفه ای، وفاداری، پشتکار و استقامت، عشق و علاقه به کار، مشارکت پذیری، مسؤولیت پذیری و پاسخگویی، تشریک مساعی
	ارتباطات	روابط انسانی پویا، روابط درون تیمی و برون تیمی مؤثر، روابط غیررسمی، انعطاف پذیری، ارتباطات باز

۴-۱-۱-۱- مقوله های ساختار تیمی

۴-۱-۱-۱-۱- هدف مداری

اولین قدم در دست یابی به هدف این است که بدانیم به دنبال چه چیزی هستیم تا بر اساس آن روش های نیل به اهداف را تعیین نماییم. دستیابی به توافق اهداف و وجود اهداف مشترک تیمی یک پیش شرط اساسی برای یک تیم موفق است. انتظار مدیران مشارکت کننده در پژوهش نیز شرکت در فرآیند هدف گذاری، توافق تیم بزرگ

دانشگاه بر سر اهداف، ایجاد احساس تعهد در مدیران و کارکنان نسبت به پیگیری مجدانه اهداف دانشگاهی، که نتیجه اجماع تیمی است از مضامین پر تکرار در مصاحبه با مدیران بود. هم چنین در اظهارات مشارکت کنندگان مکرراً به این نکته تأکید شد که لازمه کار تیمی و داشتن سازمانی تیم محور، مشارکت سطوح مختلف مدیریتی و کارکنان دانشگاه در فرآیند هدف گذاری است تا بدین وسیله نسبت به اهداف احساس مسئولیت و تعهد مضاعف نمایند. به عنوان نمونه، یکی از مدیران ارشد دانشگاه در این زمینه چنین اظهار نظر کردند: «کار تیمی حتماً باید هدف مدار باشد و این بدان معنی است که اهداف در تیم به بحث و تبادل نظر گذاشته شود تا در نتیجه به تسهیل تحقق اهداف از طریق انگیزش حس مسئولیت مدیران و کارکنان کمک نماید» (M: ۱۰۷). هم چنین یکی دیگر از مدیران ستادی دانشگاهی در این باره عقیده دارد: «هدف و توافق بر سر آن لازمه تشکیل یک تیم اثربخش است به طوری که مسیر تیم را هموار و راه روشن می کند» (M: ۱۱۱).

۴-۱-۱-۲- ترکیب تیم و سازماندهی

تیم های موفق بایستی از اشخاص و روش ها در موقعیت های مختلف استفاده کنند تا بتوانند به طور مقتضی در موقعیت های گوناگون عمل کنند، اما این کار هنگامی امکان پذیر است که تیم دارای ترکیب خوبی از اعضای مختلف باشد، یعنی ترکیبی متوازن با تخصص های متنوع (Mealiea and Balthazar, 2005: 141-142). البته باید به این نکته نیز توجه ویژه داشت که به کارگیری تخصص های متنوع در جای مناسب خود و گروه بندی مؤثر مسئولیت ها و وظایف در کمال تعامل و همکاری و وحدت رویه، خود از نکات برجسته سازمان تیم ساز است. یکی از یافته های مورد تأکید مشارکت کنندگان به استفاده مناسب دانشگاه از استعداد های متنوع و توجه به تخصص های گوناگون و منحصر به فرد موجود در دانشگاه، در قالب تیم های اثربخش دانشگاهی بود. به عنوان مثال، یکی از مشارکت کنندگان دیدگاه خود را در این رابطه این گونه بیان می کند: «تیم یک مجموعه نظام یافته و پویاست، در واقع در یک تیم افراد

با توانایی ها و استعداد های متنوع در کنار هم فعالیت نموده و دستیابی اهداف مشترک تیمی را تسهیل می نمایند» (M: ۱۰۱). یکی دیگر از مضامینی که در این مقوله بسیار مورد تأکید مدیران مشارکت کننده قرار گرفت، این بود وجود تخصص های متنوع برای کار تیمی اثربخش هرچند بسیار مهم و لازم است، اما کافی نیست، بلکه آن چه بسیار مهم است به کارگیری متناسب و مکمل این توانمندی ها و تخصص ها در قالب تیم های اثربخش است. یکی از مدیران در این زمینه چنین اظهار نظر می کند: «... بله! وجود تخصص ها متنوع مؤثر است اما به زمینه و نوع کاری که انجام می شود مربوط است، به طوری که در زمینه ها و امور مختلف تخصص و توانمندی های اعضای تیم نیز باید متناسب با همان زمینه باشد» (M: ۱۰۹).

۴-۱-۱-۳- شبکه تصمیم گیری

تصمیم گیری یکی از فرآیندهای اساسی است که در حیطه مدیریت وجود دارد. برای دستیابی به یک تصمیم مناسب باید یک روند کاری مشخص و انعطاف پذیر وجود داشته باشد که همه افراد آن را بفهمند و از آن پشتیبانی نمایند. شبکه تصمیم گیری مناسب در تیم ها زمانی است که تصمیمات بر اساس اجماع و توافق باشد و اعضای تیم هرکدام بنا به نقش و موقعیت شان در فرآیند تصمیم گیری حضور مؤثر داشته باشند. یکی از یافته های پر تکرار در اظهارات مشارکت کنندگان در این قسمت، تأکید بر استقرار یک شبکه تصمیم گیری اثربخش تیمی مبتنی بر مشارکت است. به طور مثال، یکی از مدیران دانشگاه در این مورد چنین اظهار نظر می کند: «یکی از مؤلفه های اساسی در سازمان تیم ساز مشارکت است، لذا فرآیند تصمیم گیری نیز از این قاعده مستثنی نیست، بنابراین تصمیم گیری مشارکتی راهبردی بسیار مهم و اثربخش برای یک تیم موفق است» (M: ۱۱۳). هم چنین یکی دیگر از مدیران نیز بر مشارکت اعضا در تمام مراحل از جمله تصمیم گیری تأکید کرده و چنین اظهار نظر می کند: «وقتی می گوئیم تیم، یعنی همه مراحل در یک تیم باید به شکل تیمی انجام شود و اعضا با هم مشارکت کنند، در تصمیم گیری ها نیز باید از نظرات و اندیشه های همه ی اعضا

استفاده کرد تا یک تیم بتواند بهترین تصمیم‌گیری را انجام دهد» (M: ۱۰۲).

۴-۱-۱-۴- نظام بازخورد

فرآیند بازخورد و بازبینی یکی از راه‌های بررسی امور و فعالیت‌هاست که بایستی برای به‌سازی کار تیمی به کار بسته شود. استقرار نظام بازخورد به تیم این امکان را می‌دهد که از تجارب به‌دست آمده درس بگیرد و به شکل آگاهانه‌ای کار تیمی را بهبود بخشد. تیم‌های مؤثر نه تنها شخصیت تیمی و نقش خود را در سازمان درک می‌کنند بلکه به دنبال راه‌هایی برای درک عملکرد مثبت و منفی خود و راه کارهایی برای بهبود توانمندی‌ها و ارتقای بیشتر کارایی‌شان می‌باشند که این امر از طریق یک نظام بازخورد پویا امکان‌پذیر می‌باشد (وودکاک، ۱۳۸۵: ۱۶۹). از پر بسامدترین مضامین مطرح شده در مصاحبه‌های این پژوهش، تأکید بر استقرار یک نظام بازخورد کارآمد به عنوان یکی از ابعاد مهم یک سازمان تیم‌ساز است. از مضامین پر تکرار مشارکت‌کنندگان در این قسمت می‌توان به شناسایی نقاط قوت و اصلاح نقاط ضعف تیم و اعضای آن، تصمیم‌گیری‌های اثربخش‌آتی، ارتقای کارایی تیمی و انجام وظایف و مسئولیت‌های تیمی در راستای اهداف، اشاره نمود که وجود یک نظام بازخورد اثربخش را برای کار تیمی دانشگاهی لازم می‌داند. این مضامین در مصاحبه‌های زیادی مورد تأکید قرار گرفت: «بازخورد نقش بسیار تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌های آتی تیم داشته و زمینه را برای پیشرفت تیمی مهیا می‌نماید و نقاط ضعف و قوت کار دیده شده و تصمیم‌گیری‌های مطلوب بر مبنای آن اتخاذ می‌شود» (M: ۱۱۴).

۴-۱-۲- مقوله‌های روابط تیمی

۴-۱-۲-۱- رهبری

رهبری عنصر کلیدی در سازمان تیم‌ساز به حساب می‌آید. ایجاد تیم، بهبود روابط فردی اعضا، قادر ساختن آن‌ها به کارکردی مؤثر با یکدیگر، تنها قدم‌های اولیه در

جهت تیم سازی است. این قدم های اولیه باید با تجزیه و تحلیل مداوم نتایج و متناسب کردن تغییرات با مشارکت های اعضا و برنامه های عملکردی جهت مواجهه با اهداف متغیر، استقرار یابد و همه این ها در سایه یک رهبری شایسته به وقوع خواهد پیوست (Tarricone and Luca, 2002: 642-643). در تحلیل دیدگاه مشارکت کنندگان، در این زمینه از مضامینی که مورد تأکید قرار گرفت می توان به تخصص و تعهد رهبری تیم، انگیزش کارکنان، به کارگیری مناسب اعضای تیم و متناسب با تخصص و تیم سازی اثربخش، هدایت و هماهنگی و پشتیبانی و حمایت اشاره نمود. به طور مثال، یکی از مشارکت کنندگان در این خصوص چنین عقیده داشت: «رهبر یک کلمه است اما معانی بسیار با ارزشی در آن نهفته می باشد که عبارتند از برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت، هماهنگی تیم و ... که رهبر تیم نیازمند آن است» (M: ۱۱۱). یکی دیگر از مدیران در این خصوص چنین اظهارنظر نمود: «رهبری مؤثر به وفاق و ارتقای یک تیم می افزاید، تعهد، مسئولیت پذیری از مهارت های گوناگون در جای خود استفاده کرده و در نتیجه عملکرد تیمی را ارتقا می بخشد» (M: ۱۱۰). اما یکی دیگر از مضامین پر تکرار در این حوزه تأکید بسیاری از مدیران به مضمون نفوذ و تأثیر شخصیتی رهبری به عنوان عاملی راهگشا در تیم و هدایت آن به سوی اهداف و همسو نمودن عقاید و وظایف و مسئولیت های تیمی بود. یکی از مدیران ستادی در این خصوص چنین اظهارنظر نمود: «... به نظر من مشخصه اصلی یک تیم اثربخش، داشتن رهبری توانمند است، اگر در یک تیم رهبری توانا حضور داشته و بتواند به طور مؤثر بر اعضای تیم تأثیر گذاشته و آن ها را برانگیزاند، یقیناً در مسیر موفقیت گام برداشته است» (M: ۱۰۳).

۴-۱-۲-۲- صداقت و صراحت

صراحت و صداقت ویژگی یک تیم مؤثر است و به خلاقیت و اثربخشی یک تیم بسیار کمک می کند، اما وجود صراحت در یک تیم خوب، به معنای گوش دادن که چیزی فراتر از شنیدن است می باشد، به طوری که اعضای تیم بایستی با انعطاف با هم کنار بیایند و به دور از احساسات، دیدگاه ها و نظرات شان را بیان و بررسی نمایند و مشکلات

و علایق خود را به راحتی ابراز کنند (وودکاک، ۱۳۸۵: ۱۴۰-۱۳۹). تحلیل در این زمینه، دست یافتن به مضامین پرتکراری چون: آزاداندیشی، نظرخواهی از اعضای تیم، انتقاد پذیری، همدلی و همفکری اعضا، درک احساسات و احترام به نظرات اعضای تیم را در پی داشت. برای مثال، یکی از مشارکت کنندگان که از مدیران با سابقه دانشگاه بود و از تجربه تیم سازی و فعالیت تیمی برخوردار بود این گونه ابراز عقیده نمود: «من معتقد هستم که اگر قرار باشد تیم و کار تیمی به معنای واقعی خود فعالیت کنند، نیاز مبرم به بیان افکار و نظرات، ایجاد زمینه انتقاد پذیری و صراحت بیان در سایه صداقت و همدلی خواهند داشت و تیمی اثربخش و خلاق را ایجاد نموده و ارتقا خواهند داد» (M: ۱۱۸).

۴-۱-۲-۳- همگرایی و اعتماد

همگرایی و اعتماد دو مقوله به هم پیوسته اند و به وابستگی متقابل اعضای تیم به یکدیگر اشاره دارد، به طوری که یکی بدون دیگری وجود نخواهد داشت. همگرایی در واقع به حمایت و پشتیبانی اعضای تیم از یکدیگر تأکید دارد و اعضا با داشتن اعتماد می توانند آزادانه با یکدیگر صحبت کرده و از یکدیگر کمک دریافت نمایند که این امر تأثیر بسیار مثبتی در انگیزه ها و روابط کاری آنان خواهد داشت (Costa, 2003: 606-607). از مضامینی که در این حوزه بسیار بر آن تأکید شد وابستگی و همگرایی متقابل در کنار آن، اعتماد اعضای یک تیم به یکدیگر است که گاهی حتی معنای کار تیمی و وجود یک تیم را توجیه می کند. یکی از مدیران دانشگاه در این خصوص این گونه اظهار نظر کرد: «اعتماد متقابل یک عنصر حیاتی برای تیم محسوب می شود، به طوری که اگر اعتماد و در پی آن پشتیبانی اعضای تیم از یکدیگر وجود نداشته باشد، کار تیمی به نتیجه نخواهد رسید، هم چنین همگرایی متقابل و وابستگی وظایف و مسؤولیت ها به هم است که به هم افزایی هرچه بیشتر و حرکت مشترک به سوی اهداف تیم را تسهیل می کند، به طوری که اگر این مقوله را از کار تیمی کنار بگذاریم، کار تیمی غیر اثربخش و بیهوده خواهد بود» (M: ۱۰۵).

۴-۱-۲-۴- همکاری و تضاد

در جایی که همکاری واقعی وجود دارد بی شک تضاد هم وجود دارد، اما تضاد هیچ گاه متضاد همکاری نیست. همکاری و تضاد زمینه رشد و بروز استعدادها را فراهم می نماید و مانع افتادن تیم در مسیر کاهلی و غرور با ظهور و پرورش نظرات و اندیشه های جدید می شود، اما باید توجه داشت که تضاد مخرب نباشد و در حد پایینی باشد و به طور مناسبی مدیریت شود. همکاری در واقع بر این امر اشاره دارد که افراد مشتاقانه و متعهدانه در کنار یکدیگر به کار بپردازند و مهارت ها و اطلاعات شان را با یکدیگر تبادل نمایند. تضاد نیز به حل مشکلات در راه احترام به تفاوت های فردی و گوش دادن به دیدگاه های دیگران می پردازد (وودکاک، ۱۳۸۵: ۱۵۱). از نکات مورد توجه و تأکید شده در این زمینه می توان به، به هم وابسته بودن و سازنده بودن مفاهیم همکاری و تضاد، اشاره نمود. به عنوان مثال، یکی از مشارکت کنندگان اظهارات خود را چنین بیان می کند: «همکاری و تضاد باید در کنار هم قرار بگیرد، اگر افراد نظرات شان یکی باشد، اصلاً پسندیده نیست و باعث می شود چالش ها و عیوب کار دیده نشود» (M: ۱۲۱). برخی دیگر از مشارکت کنندگان معتقدند هرچند تضاد سازنده است، اما باید به طور مطلوبی مدیریت شود تا به چالش تبدیل نشود. برای مثال، یکی از مدیران چنین می گوید: «همکاری و تضاد به عنوان دو عنصر سازنده تیمی بسیار ضروری اند و تیم را از یکنواختی خارج می نمایند، اما رعایت این نکته نیز ضروری است که تضاد باید در حد پایینی بوده و مدیریت شود تا تأثیر مطلوبی بر عملکرد تیمی داشته باشد» (M: ۱۰۶).

۴-۱-۲-۵- تعهد و مشارکت

زمانی یک تیم به بالاترین سطوح موفقیت می رسد که به وظیفه ی خود متعهد باشد و از توانایی های تک تک اعضای خود تا آخرین حد ممکن استفاده کند. تعهد ویژگی و خصیصه ی خودجوشی است که اغلب از طریق نوعی احساس دخیل بودن و مشارکت در کارها پرورش می یابد. زمانی تعهد کارکنان به تیم افزایش می یابد که اجازه یابند در موفقیت آن مشارکت کنند. مشارکت کنندگان نیز به این نکته تأکید کرده و معتقد

بودند که اعضای تیم باید بدانند که در کسب موفقیت‌های تیم خود مسؤولیت دارند تا احساس اهمیت و ارزش بیشتری کنند و در سایه این نگرش به درجه بالاتری از تعهد و مشارکت در فضای سازمان ارتقاء پیدا کنند. یکی از مدیران دانشگاه در این خصوص چنین اظهار می‌دارد: «تیم‌ها تنها از طریق مشارکت اعضای خود در ابعاد گوناگون کاری می‌تواند به نیازهایش پاسخ داده و آن‌ها را برای کسب اهداف مشترک‌شان با خود همراه کند. لذا تعهد عاملی اساسی و لازم برای یک تیم خوب است زیرا تضمینی برای انجام کار تیمی مطلوب می‌باشد» (M: ۱۱۳). از مضامین مهمی که در این خصوص مورد تأکید قرار گرفت می‌توان به تعهد، وفاداری، پاسخگویی، تشریک مساعی و مسؤولیت‌پذیری اشاره نمود.

۴-۱-۲-۶-ارتباطات

کار تیمی نتیجه همکاری مناسب افراد با یکدیگر است. زندگی خوب سازمانی تا اندازه‌ای به تیم‌های درونی آن و روابط‌شان با یکدیگر بستگی دارد. علاوه بر این یک تیم منسجم بایستی رابطه خوبی با سایر اشخاص و گروه‌ها داشته باشد. در غیر این صورت، موفقیت آن به تأخیر خواهد افتاد (Ellingson, 2002: 3). مشارکت‌کنندگان معتقد بودند: ارتباط عامل تسهیل‌کننده تشکیلات سازمانی است. به عنوان مثال یکی از مشارکت‌کنندگان چنین اظهار نظر می‌کند: «وقتی صحبت از رابطه است، بحث رسمی بودن و ضابطه‌مند بودن کنار گذاشته می‌شود و شکل غیررسمی رابطه نمود پیدا می‌کند، زیرا رابطه‌ای مطلوب است که خود اعضای تیم آن را ساخته، به آن اعتماد داشته و در درون تیم از آن به شکل مناسبی استفاده نمایند» (M: ۱۰۳). هم چنین مشارکت‌کنندگان به بهترین شکل ارتباط اشاره کرده و ارتباط را عنصر پیوند دهنده عناصر یک تیم به یکدیگر و هم چنین سایر تیم‌ها به هم می‌دانستند که نقش حساسی را در تحقق دیگر عناصر و ویژگی‌های یک تیم موفق ایفا می‌نماید و در نهایت، دستیابی تیم به اهدافش را تسهیل نموده و محقق می‌سازد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این خصوص می‌گوید: «ارتباط عامل بسیار مهم در تیم و کار تیمی است و بهترین شکل یک

رابطه مؤثر در درون و برون تیم ها زمانی است که مبتنی بر اعتماد، صراحت، منطق و مشارکت اعضای آن تیم باشد» (M: ۱۱۶).

نتیجه گیری و بحث

با توجه به مبانی نظری و اهمیت روزافزون مدیریت و مهارت های مدیریتی در سازمان ها و شواهد ارائه شده مبنی بر اهمیت و حساسیت موضوع، تحقیق حاضر به تحلیل دیدگاه مدیران دانشگاه فردوسی مشهد به تیم سازی و کار تیمی پرداخت. در این پژوهش با استفاده از روش مطالعه موردی، کلیه مدیران دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان جامعه این پژوهش در نظر گرفته شدند. به این منظور جهت بررسی و تحلیل دیدگاه دانشگاه فردوسی مشهد به تیم سازی از ابزار مصاحبه استفاده شد. در ادامه، یافته ها و نتایج این پژوهش مطرح و مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

دیدگاه مدیران دانشگاه فردوسی مشهد پیرامون مفاهیم و مؤلفه های تیم سازی مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه نتایج به دست آمده از مقوله های محوری ساختار تیمی و روابط تیمی تحلیل می شود. ابتدا نتایج مربوط به مقوله محوری ساختار تیمی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. در مقوله هدف مداری، مدیران دانشگاهی، مشارکت در هدف گذاری و توافق بر روی این اهداف را از ضروری ترین مباحث در دانشگاه تیم محور عنوان کرده و معتقد بودند این امر باعث ایجاد تعهد و مسئولیت مضاعف در انجام وظایف می شود و شرطی لازم در تیم سازی و کار تیمی دانشگاهی است. مدیران دانشگاهی در مورد مقوله ترکیب تیم معتقد بودند دانشگاه بایستی تمامی استعداد های موجود و تخصص های متنوع و منحصر به فرد خود را در جهت تیم سازی و کار تیمی به کار گیرد و تنها وجود منابع متخصص و متنوع کافی نیست و دانشگاه تیم ساز باید این استعداد ها و منابع متنوع را به موقع و در زمینه مناسب و مقتضی خود در قالب تیم های کاری اثربخش به کار گمارد. در مورد مقوله شبکه تصمیم گیری، مدیران دانشگاه معتقدند مشارکت یکی از ابعاد مهم دانشگاه تیم محور است که تمامی فعالیت های آن از جمله فرآیند تصمیم گیری را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین شبکه تصمیم گیری زمانی به طور مؤثر محقق خواهد شد

که تصمیمات بر اساس اجماع و توافق اتخاذ شده و افراد متناسب با تخصص و موقعیت شان در فرآیند تصمیم گیری مشارکت نمایند تا یک تیم بتواند بهترین تصمیم گیری را انجام دهد. در مقوله نظام بازخورد، مدیران دانشگاهی یکی از ارکان دانشگاه تیم ساز را وجود یک نظام بازخورد کارآمد می دانستند تا بتواند به طور مؤثر نقاط ضعف و قوت تیم را شناسایی نموده و کارایی تیمی را ارتقاء داده و تصمیم گیری های آتی تیمی را اثربخش تر نماید. اکنون به ارائه نتایج مقوله محوری روابط تیمی می پردازیم. در مورد زیر مقوله رهبری، مدیران دانشگاهی این مقوله را به عنوان یکی از عناصر کلیدی و بسیار مهم در تیم سازی و کار تیمی دانشگاهی مورد توجه قرار داده و معتقد بودند رهبری متخصص و متعهد، نقش بسیار مهمی را در زمینه انگیزش کارکنان، به کارگیری مناسب اعضای تیم متناسب با تخصص شان، هدایت و هماهنگی، پشتیبانی و حمایت را در جریان تیم سازی اثربخش ایفاء نماید. در زمینه مقوله صداقت و صراحت، مدیران دانشگاهی مفاهیم آزاداندیشی، نظرخواهی از اعضای تیم، انتقاد پذیری، همدلی و همفکری اعضا، درک احساسات و احترام به نظرات اعضای تیم را در یک کار تیمی اثر بخش بسیار مهم ارزیابی نمودند که تیم را در مسیر خلاقیت و موفقیت قرار می دهد. در مورد مقوله همگرایی و اعتماد، مدیران دانشگاهی این مقوله را بسیار مهم و حیاتی تلقی نموده و معتقدند که وابستگی و همگرایی متقابل و اعتماد اعضای یک تیم به یکدیگر است که هم افزایی و حرکت مشترک به سوی اهداف تیم را تسهیل می کند و حتی معنای کار تیمی و وجود یک تیم را توجیه می نماید. همکاری و تضاد، مقوله دیگری بود که مدیران دانشگاهی آن را این گونه توصیف نمودند: همکاری و تضاد را دو مفهوم به هم وابسته دانستند به طوری که یک کار تیمی اثربخش بدون آن مفهومی نداشته و به یک نواختی می گراید و عیوب کار دیده نمی شود و در نتیجه، خلاقیت و کارایی تیم دچار افت می شود. مدیران دانشگاهی در رابطه با مقوله تعهد و مشارکت معتقد بودند که اعضای تیم باید بدانند که در کسب موفقیت های تیم خود مسؤولیت دارند تا احساس اهمیت و ارزش بیشتری کنند و در سایه این نگرش به درجه بالاتری از تعهد و مشارکت در فضای سازمان ارتقاء پیدا کنند و لذا در ذیل این مقوله در یک کار تیمی مؤثر، مفاهیمی چون تعهد، وفاداری، پاسخگویی، تشریک مساعی و مسؤولیت پذیری از اهمیت

بسیاری برخوردارند و باید مورد توجه ویژه واقع شوند. آخرین مقوله روابط تیمی، مقوله ارتباطات می باشد که مدیران در این رابطه ارتباط را عامل بسیار مهمی در تعاملات پیوند اعضای یک تیم و سایر تیم ها به یکدیگر می دانند و آن را عامل تسهیل کننده تشکیلات سازمانی تلقی می نمایند و ارتباطات مبتنی بر اعتماد، صراحت، همکاری، مشارکت و روابط غیررسمی را بهترین شکل ارتباط در یک سازمان تیم محور می دانند. به طور کلی مدیران دانشگاه دیدگاه و درک مناسب و سازنده ای به مؤلفه ها و مقوله های تیم سازی و کار تیمی دانشگاهی داشتند؛ به طوری که این مؤلفه ها و مقوله ها را به شکل بسیار خوبی مورد تحلیل قرار داده و تبیین نمودند و برای یک کار تیمی اثربخش که نتیجه فرآیند تیم سازی هدف مند است، بسیار مهم و کلیدی دانستند هم چنین آن ها از روحیه و زمینه ای مستعد، جهت انجام امور به شکل تیمی و استقرار فرآیند تیم سازی دانشگاهی برخوردار بودند و دانشگاه نیز بالقوه به عنوان محیطی مناسب و سازنده جهت بروز و توسعه کار تیمی شناسایی گردید. بنابراین دانشگاه با وجود داشتن منابع انسانی کارآمد، متخصص و مستعد که دارای دیدگاه مناسب و سازنده ای نسبت به تیم سازی دانشگاهی و مفاهیم و مؤلفه های آن هستند، زمانی می تواند به یک سازمان تیم ساز و موفق در کار تیمی تبدیل شوند که بتوانند مفاهیم، مبانی و زیرساخت های تیم سازی و کار تیمی را به شکل بسیار دقیق و موفقیت آمیزی ایجاد، بهبود و ارتقاء داده و برنامه ای جامع، کامل و سازمان یافته در این زمینه طراحی نموده و به اجرا بگذارد و تنها وجود منابع انسانی مستعد و دیدگاه مناسب مدیران دانشگاهی نسبت به تیم سازی و کار تیمی جهت تبدیل دانشگاه فردوسی مشهد به یک سازمان تیم ساز و تیم محور کافی نمی باشد. بنابراین دیدگاه مناسب و مستعد مدیران دانشگاهی در زمینه تیم سازی و کار تیمی، بالقوه می تواند از نقاط قوت و عوامل پیش برنده در راستا ایجاد و توسعه کار تیمی در آموزش عالی باشد. با وجود این، دانشگاه می تواند با تدوین برنامه ای جامع در این زمینه و اجرای آن بوسیله مدیران و منابع کارآمد خود که دارای روحیه ی مناسبی در این زمینه هستند، گام مهمی در جهت پیاده سازی کار تیمی بردارد. مهارت تیم سازی و مؤلفه های تیم سازی شناسایی شده دانشگاه فردوسی مشهد در تحقیقات و الگوهای نظری گوناگون و توسط محققان و صاحب نظران مختلف مورد

تأکید قرار گرفته است و برای مدیران و سازمان‌ها، بسیار مهم و ضروری دانسته شده است تا برای تیم‌سازی و استقرار کار تیمی و موفقیت سازمان‌هایشان جهت دستیابی به اهداف مورد انتظارشان این مؤلفه‌ها را مورد توجه قرار داده و به کار بندند.

جدول (۲) مقوله‌های تیم‌سازی شناسایی شده در دانشگاه فردوسی مشهد و توافق آن با الگوهای

نظری و نتایج تحقیق

ردیف	مؤلفه‌های تیم‌سازی	نمونه تحقیقات
۱	هدف‌مداری	Scarnati (2001), Bradley & Frederic (1997), Wageman (1997), Harris & Harris (1996), Tarricone and Luca (2002), Mealiea and Balthazar (2005), Swierczec & Sudsakorn (2009)
۲	ترکیب تیم (سازماندهی)	Wei & Lau (2012), Liang Chi and Yang (2009). ابراهیمی و میرترابی (1389).
۳	شبکه تصمیم‌گیری	Tarricone and Luca (2002), Sharma & Bhatnager (2009), Hoefer (2003), Ekaterini (2011), Vakola, Soderquist, and Prastacos. (2007).
۴	نظام بازخورد	Tarricone & Luca (2002), Scarnati (200), Bradley and Frederic (1997), Wageman (1997), Harris & Harris (1996), Mealiea and Balthazar (2005). Ekaterini (2011), Lei & Hu (2010), Dreyfus (2008).
۵	رهبری	Smith (1996), Tarricone & Luca (2002), Harris & Harris (1996), Wageman (1997), Tesone & Fjellstul (2008), Dulewicz (1989), Spendlove (2007).
۶	صراحت و صداقت	Tarricone & Luca (2002). وودکاک (1385)
۷	همگرایی و اعتماد	Costa (2003), Dirks (2000), Shagholi, et al. (2010), Tarricone and Luca (2002), Mojab, Zaefarian, Dazian Azizi, (2011), Erasmus, Loedolff & Hammann, (2010), Spendlove (2007), McKenna, (2004), Wickramasinghe, & Zoyza, (2009).. نیاز (1386)، وودکاک (1385).
۸	همکاری و تضاد	Tarricone & Luca (2002), Lei & Hu (2010), Wickramasinghe, & Zoyza, (2009), Whetten & Cameron (2002), Pillay (2008). وودکاک (1385).
۹	تعهد و مشارکت	Tarricone & Luca (2002), Lei & Hu (2010), Kalargyrou & woods (2011), Dreyfus (2008).
۱۰	ارتباطات	Tarricone & Luca (2002), Spendlove (2007), Ekaterini (2011), Dulewicz (1989), Dreyfus (2008). وودکاک (1385).

با توجه به بررسی های انجام شده توسط پژوهشگر در آرای صاحب نظران و پژوهش های صورت گرفته در این زمینه، پژوهشی که از این دست باشد یافت نشد و بیشتر تحلیل های انجام شده با توجه به بافت و زمینه براساس نظریه زمینه ای صورت گرفت. اما در سطح تحلیل های جزئی انجام شده، همان طور که در جدول ۲ نشان داده شده است مؤلفه ها و مقوله های تیم سازی استخراج شده در این پژوهش، با یافته های سایر پژوهشگران در یک راستا بوده و مورد تأکید قرار گرفته است.

پیشنهادهای کاربردی

- به مهارت تیم سازی و کار تیمی در سند راهبردی دانشگاه و تحت راهبرد های کلان توسعه نظام مدیریت و برنامه ریزی دانشگاه، طراحی و اصلاح ساختار سازمانی دانشگاه و طراحی و استقرار نظام جامع مدیریت منابع انسانی توجه ویژه و ساختار یافته تر شود تا فرآیند تسهیل و عملیاتی شدن آن تسریع شود و برای مدیران به صورت یک چشم انداز و هدف ساختاریافته مهم ترسیم شود.

- معاونت طرح و برنامه دانشگاه به عنوان متصدی و مسؤول اصلی پیاده سازی و استقرار تیم سازی و کار تیمی این مهارت را در اولویت ویژه قرار داده و از طریق برنامه ریزی دقیق و تشکیل جلسات مؤثر و شناسایی ظرفیت ها و واحدهای دانشگاهی بالقوه و استفاده از منابع انسانی کارآمد و مستعد با دیدگاه مناسب، در جهت طراحی یک برنامه جامع و سازمان یافته در راستای پیاده سازی تیم سازی و استقرار و توسعه کار تیمی در دانشگاه اقدام جدی نماید.

- پیشنهاد می شود در جهت طراحی یک نظام ارزشیابی و بازخورد کارآمد، ملاک توجه به تیم سازی و کار تیمی به عنوان یکی از ملاک های ارزشیابی مدیران دانشگاهی لحاظ شود تا توجه مدیران را به پیاده سازی تیم سازی و توسعه کار تیمی جلب نماید و مدیران و منابع انسانی که دارای دیدگاه مستعد و مناسب نسبت به تیم سازی و کار تیمی هستند و آن را شامل تشویق و ارتقاء شوند.

- استفاده از ظرفیت ها و دیدگاه مستعد مدیران در زمینه کار تیمی و توسعه

فرآیند مشارکت‌پذیری و تصمیم‌گیری غیرمتمرکز و استفاده از نظرات، دیدگاه‌ها و پیشنهادهای سطوح مختلف سازمانی از طریق استقرار یک نظام پیشنهادات ویژه و تشکیل جلسات تبادل نظر مستمر در تمام سطوح، و توسعه روابط مورب سازمانی جهت ایجاد زمینه پیاده‌سازی کار تیمی دانشگاهی، مورد توجه ویژه قرار گیرد.

- برای آموزش این مهارت برگزاری کارگاه‌های آموزش با حضور افراد متخصص و تشکیل یک اتاق فکر به منظور تبادل نظر و کار بست ایده‌های عملیاتی جهت ترویج مهارت تیم‌سازی باید مدنظر برنامه‌ریزان قرار گیرد.

- از آن‌جا که دانشگاه خود یک سازمان آموزشی می‌باشد، بایستی به آموزش و معرفی کار تیمی در کلاس‌های درس و پروژه‌های پژوهشی خود اقدام نموده تا از این طریق به فراهم نمودن زمینه مناسب‌تری برای تسهیل فرآیند کار تیمی و پیاده‌سازی زیرساخت‌ها و مؤلفه‌های تیم‌سازی در دانشگاه کمک کند.

منابع

- ابراهیمی، اسدا...؛ میرترابی، مهدیه سادات (۱۳۸۹). "تیم و کار تیمی". *فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی*، سال هفتم، ش ۲۷ (بهار): ۴۲-۴۸.
- احمدی، مسعود (۱۳۸۶). *مدیریت رفتار سازمانی (اصول، مبانی، نظریه‌ها و الگوهای کاربردی)*. تهران: کوهسار.
- جوانمرد، حبیب‌الله؛ افراز، محمد (۱۳۸۹). "تعیین ارتباطات میان عوامل کار تیمی، تعهد سیاسی و رفتار شهروند سازمانی". *فصلنامه چشم‌انداز مدیریت دولتی*، سال اول، ش ۲ (تابستان): ۹۳-۱۰۷.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۸۶). *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع*. تهران: صفار.
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس (۱۳۸۷). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی*. ترجمه احمد رضا نصر. تهران: سمت.
- گل افشانی، ناهید؛ مظفری، زینب (۱۳۸۵). "روایی و پایایی در پژوهش کیفی".

فصلنامه اطلاع رسانی آموزشی و پژوهشی، سال چهارم، ش ۱۳ و ۱۴ (بهار و تابستان): ۳۳-۴۱.

- نیازی، زینب (۱۳۸۶). "بررسی میزان همگرایی گروهی دبیران مقطع متوسطه و پیش بینی آن براساس نوع قدرت نفوذ مدیر". پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

- وودکاک، مایک (۱۳۸۵). *اصول و مبانی ایجاد و بهبود تیم های سازمانی*. ترجمه سید احمد بیان معمار و حسین خنیفر. قم: دانشگاه قم.

- هیرش، ورنر زد؛ وبر، لوک ای. (۱۳۸۱). *چالش های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم*. ترجمه رضا یوسفیان املشی. تهران: دانشگاه امام حسین.

-Bradley, J. H.; Frederic, J. H. (1997). "The effect of personality type on team performance". *Journal of Management Development*, Vol. 16, No 5: 337-353.

-Constantine, L. L. (1993). "Work organization: paradigms for project management and organization". *Communications of the ACM*, Vol. 36, No. 10: 35-43.

- Costa, A. C. (2003). "Work team trust and effectiveness". *Journal of Personnel Review*, Vol. 32, No. 5: 605-622.

- Devine, D. J., et al. (1999). "Teams in organizations: Prevalence, characteristics and effectiveness". *Small Group Research*, Vol. 12, No. 30: 678-711.

- Dirks, K. T. (2000). "Trust in leadership and team performance: Evidence from NCAA basketball". *Journal of Applied Psychology*, Vol. 85, No. 6: 1004-1012.

- Dreyfus, C. R. (2008). "Identifying competencies that predict effectiveness of R & D managers". *Journal of management Development*, Vol. 27, No. 1: 60-91.

- Dulewicz, V. (1989). "Assessment Centre as Route to Competence".

Personnel Management, Vol. 21, No. 11: 56-59.

- Ekaterini, G. (2011). "A qualitative approach to middle managers competencies". *Management Research Review*, Vol. 34, No. 4: 553-575.
- Ellingson, L. L. (2002). "Communication, Collaboration, and Teamwork among Health Care Professionals". *Centre for the Study of Communication and Culture*, Vol. 21, No. 3: 1-44.
- Erasmus, B.; Loedolff, V. P.; Hammann, F. (2010). "Competencies for human resource development practitioners". *The internationally business & Economics research journal*, Vol. 9, No. 8: 113-126.
- Gronau, N., et al. (2007). "Approach for requirement oriented team building in industrial processes". Elsevier, Vol. 58, No. 4: 179-187.
- Harris, P. R.; Harris, K. G. (1996). "Managing effectively through teams". *Team Performance Management: An International Journal*, Vol. 2, No.3: 23-36.
- Hoefer, R. (2003). "Administrative skills and degrees: The best place debate rages on". *Administration in Social Work*, Vol. 27, No. 1: 25-46.
- Hsu, J. S. C., et al. (2011). "Exploring the impact of team mental models on information utilization and project performance in system development". *International Project Management*, Vol. 1, No. 29: 1-12.
- Kalargyrou, V.; woods, R. H. (2011). "Wanted, Training competencies for the twenty-first century". *International journal of contemporary Hospitality management*, Vol. 23, No. 3: 361-376.
- Kang, H.; Yang, H.; Rowley, C. (2006). "Factors in team effectiveness: Cognitive and demographic similarities of software development team members". *Journal of Human Relations*, Vol. 59, No. 12: 1681-1710.
- Kozlowski, S. W. J; Ilgen, D. R. (2006). "Enhancing the Effectiveness of work Groups and Teams". *Association for psychological science*, Vol. 7, No. 3: 1-122.

- Lei, M.; Hu, M. (2010). "Developing a core competency model of innovative culinary development". *International Journal of Hospitality Management*, Vol. 29, No. 4: 582-590.
- Liang Chi, Y.; Yang C. C. (2009). "Project teaming: Knowledge intensive design for composing team members". *Expert Systems with Applications*, Vol. 36, No. 16: 9479-9487.
- McKenna, S. (2004). "Predispositions and context in the development of managerial skills". *Journal of management development*, Vol. 23, No. 7: 664-667.
- Mealiea, L.; Balthazar, R. (2005). "A strategic guide for building effective teams". *Journal of Public Personnel Management*, Vol. 34, No. 2: 141-160.
- Mojab, F.; Zaefarian, R.; Dazian Azizi, A. H. (2011). "Applying competency based Approach for Entrepreneurship education". *Procedia and Behavioral Sciences*, Vol. 12, No. 1: 436-447.
- Naquin, C. E.; Tynan, R. O. (2003). "The team halo effect: Why teams are not blamed for their failures". *Journal of Applied Psychology*, Vol. 88, No. 2: 332-340.
- Orlitzky, M.; Benjamin, J. D. (2003). "the effects of sex composition on small-group performance in a business school case competition". *Academy of Management Learning and Education*, Vol. 2, No. 2: 128-138.
- Pfaff, E.; Huddleston, P. (2003). "Does it matter if I hate teamwork? What impacts student attitudes toward teamwork". *Journal of Marketing Education*, Vol. 25, No. 1: 37-45.
- Pillay, R. (2008). "Defining competencies for hospital management". *Leadership in health services*, Vol. 21, No. 2: 99-110.
- Pirola-Merlo, A.; Mann, L. (2004). "The relationship between

individual creativity and team creativity: Aggregating across people and time". *Journal of Organizational Behavior*, Vol. 25, No. 2: 235-257.

- Salas, E., et al. (1999). "The effect of teambuilding on performance: an integration". *Small Group Research*, Vol. 30, No. 3: 309-329.

- Salas E.; Stagl K.; Burke C. S. (2004). "25 years of team effectiveness in organizations: Research themes and emerging needs". In: *International Review of industrial and Organizational Psychology*. Editors C. L. Cooper and I. T. Robertson. New York: John Wiley & Sons: Vol. 19, 47-91.

- Scarnati, J. T. (2001). "On becoming a team player". *Team Performance Management: An International Journal*, Vol. 7, No. 1/2: 5-10.

- Shagholi, R., et al. (2010). "Value creation through trust, decision making and teamwork in educational environment". *Social and Behavioral Sciences*, Vol. 2, No. 2: 255-259.

- Sharma, R.; Bhatnager, J. (2009). "Talent management-competency development: key to global leadership". *Industrial and commercial training*, Vol. 41, No. 3: 118-132.

- Smith, P. A.; Hoy, W. A.; Sweetland, S. R. (2001). "Organizational health of high schools and dimensions of faculty trust". *Journal of School Leadership*, Vol. 12, No. 2: 135-50.

- Spendlove, M. (2007). "Competencies for effective leadership in higher education". *International journal of Educational management*. Vol. 2, No. 5: 407-417.

- Swierczec, F. W.; Sudsakorn, T. (2009). "Management competencies: A comparative study between Thailand, Hong Kong". *Journal of management development*, Vol. 28, No. 7: 569-580.

- Tarricone, P.; Luca, J. (2002). "Successful teamwork: A case study". *Journal of HERDSA (Higher Education Research and Development*

Society of Australasia), Vol. 7, No. 10: 640-646.

- Tesone, D.; Fjelstul, J. (2008). "Golf and Club entry level management competencies". *International journal of contemporary Hospitality*, Vol. 20, No. 6: 694-699.

- Vakola, M.; Soderquist, K. E.; Prastacos, G. P. (2007). "Competency management in support of organizational change". *International journal of manpower*, Vol. 28, No. 3-4: 260-275.

- Wageman, R. (1997). "Critical success factors for creating superb self-managing teams". *Organizational Dynamics*, Vol. 26, No. 1: 49-62.

- Wei, L. Q.; Lau, C. M. (2012). "Effective teamwork at the top: The evidence from China". *The International Journal of Human Resource Management*, Vol. 23, No. 9: 1853-1870.

- Wickramasinghe, V.; Zoyza, N. D. (2009). "A Comparative analysis of managerial competency needs across areas of functional specialization". *Journal of management Development*, Vol. 28, No. 4: 344-360.

A Study on the Quality of Student's Interactions in the Network of Social Relationships

Bibi Aghdass Asghari¹

Maryam Eskafi Noghani²

Hossein Kardanmoghaddam³

Abstract

Social experience of human mainly forms with social network interactions. This study has been done with the aim to investigate the quality of students' interactions in very private areas to more public domains. This is a survey with a descriptive-correlational method. The statistical population consists of 2600 Gonabad University students among which 340 were selected using Cochran's sample size formula and multistage sampling method. The research instrument is a researcher-developed questionnaire that its validity was confirmed by experts. 92/5% of the respondents have evaluated favorable interactions with family members, 7/5% facultative and only 0/5% undesirable. Most utility of relations has been reported in the sphere of intimacy, respect and empathy, cooperation, consultation and lack of jealousy among the network of family relationships and especially mothers' family and neighbors, and the lowest has been reported in relations with colleagues. D. Summers Test amount on correlation between educational level and quality of interaction was -0/446, which showed a significant inverse relationship between these two variables, at a significance level of $P < 0/000$. This means that the lower the educational level, the better the quality of interaction and vice versa. The most important and obvious

1. PhD in social Sciences, Assistant Professor of Asaad University of Gonabad, Responsible Writer, a_asghari2002@yahoo.com.

2. PhD in social Sciences, Assistant Professor of Asaad University of Gonabad.

3. Faculty Member of Computer Engineering Department of Polytechnic University of Birjand.

result of the research shows that among the studied population, as well as other groups in Iran, family is the most social structure affecting the mutual relations network. This indicates that the highest social capital, in the studied population, exists in the field of family, especially mothers' family that shows solidarity towards the inside (inter group). While the least amount of trust and social capital is related to the situation of employment and public sphere of society that in fact, integration is focused on the outside (out group).

Keywords: Social Network of Relations, Interactions, Gonabad

Reflection of Socio-Cultural Situation of Khorasan in the works of Caucasian intellectuals, Case Study: Molla Nasreddin magazineFarhad Dashtakinia¹**Abstract**

Khorasan of Constitutional Era was one of the states that its social and cultural situation and news of its developments was reflected in different volumes of Molla Nasreddin magazine in a variety of forms such as articles, editorials, news and caricature. One of the most important parts of Molla Nasreddin magazine which contains worthy data for the study of social and cultural history of Khorasan in the constitutional period, is an itinerary with the name of “Kharmagas(Horsefly)-Beyk Itinerary” which had been published in ten volumes of Molla Nasreddin magazine. The present paper examines how cultural and social status of Khorasan is reflected in this itinerary. The purpose of this paper is to review data of Kharmagas-Beyk Itinerary on the socio-cultural status of Khorasan in constitutional period. The author of the itinerary is Jalil Mohammad Gholizdeh (1866- 1932 AD), director and editor of “Molla Nasreddin” magazine and Abdorrahim-Beyk (1906-1931 AD) is a co-author of Molla Nasreddin magazine. The results show that this itinerary provides valuable information on how to travel to Mashhad from the Caucasus and its difficulties (the state of roads, issue of ID cards, border guards and customs officers), physical appearance of Ghoochan and Mashhad cities, the problem of water in these cities, economic institutions and service institutions of Mashhad city (market, telegraph and bathhouses), health status of Mashhad (health of water, bathhouses and public health), social groups (the introduction of trades, jobs and professions of Mashhad market as well as social obtrusive groups), the foreign

1. PhD in History. Assistant Professor of Shahid Bahonar University of Kerman. fdashtakinia@gmail.com

residents in the city of Mashhad and associations and institutions, religious schools, students of theology and their education and religious and sometimes superstitious beliefs of people about some social and cultural phenomena. On the other hand it must be pointed out that the authors' approach, is critical.

Keywords: Mashhad, Ghoochan, Molla Nasreddin, Itinerary, Jalil Mohammad Qolizadeh ,Qajar.

Assessment of Development in Rural Areas, With an Emphasis on Some Social-Cultural Indicators (Case Study: Counties of Khorasan Razavi Province)

Yaghoob Zareie¹

Abstract

Lack of proper attention to rural areas in recent decades, creating spatial imbalance and rectifying the flow of services, capital and population towards urban centers not only has encountered rural settlements with a maximum range of poverty and inequality but also has necessitated further Spatial planning in rural areas. Therefore, this study with the aim of evaluating the rural development which was conducted in the counties of Khorasan Razavi province, is an applied research that utilizes fuzzy multiple attribute decision making procedures. The research is descriptive-analytic and method of data collection is in library routine, and tool of data collection according to the research objectives has been selected based on current population and housing census statistics (in particular the Statistical Yearbook of 2011 Khorasan Razavi Province). The statistical population consists of whole the rural districts in Khorasan Razavi Province, that to assess the level of their development, 48 components in the form of development indicators were extracted from official statistics of Khorasan Razavi province and evaluated using fuzzy VIKOR. The findings of research analysis outlining a regional spatial inequality in rural areas and unfair allocation of resources and rural services, showed that overall the indicators, Counties of Roshtkhar, Khalil Abad and Kashmar have the highest rate of development and counties Bajestan, Sarakhs and Mahvelayat have the lowest rural development. In the end, to eliminate regional imbalances

1. PhD in Geography and Rural Planning. Young Researchers and Elite Club. Azaad University of Bushehr. yaghoob.zareei@yahoo.com

and to establish social justice in rural areas of Khorasan Razavi Province, practical proposals were presented.

Keywords: Rural Development, Khorasan Razavi Province, Social-Cultural Indicators, Fuzzy Vikor.

A Study and Analysis of Migration Pattern in Razavi Khorasan Province

Seyed Hadi Zarghani¹

Seyed Mostafa Hosseini²

Mohammad Ghanbari³

Mohammad Hossein Ghiyasi⁴

Abstract

Today, migration, disarranging the demographic balance of population, has led to some haunted places in the country; In contrast, some parts of the country are suffering from demographic pressures. The consequence is the pressure on natural and environmental resources and costs increase in services in densely populated areas. Hence, in order to avoid pressure on resources in specific parts of the country, recognition of the migration patterns and its causes can have a significant role in equal development of all regions of the country and prevention of migration. In this research, while investigating the causes of immigration and attracting migrates of Razavi Khorasan province to other provinces, the prevalent pattern of migration movements in Khorasan Razavi province has been studied. This research, in terms of goal, is practical and has been conducted in a descriptive–analytic method. The data collected from Census 2011 were analyzed using secondary analysis and statistical softwares. The results of research showed that 45.68 percent of immigrants entered into Mashhad city and 41.5 percent of immigrants entered into Sabzevar

1. Associate Professor of Political Geography of Ferdowssi University of Mashhad. h.zarghani@gmail.com

2. A Member of Young Researchers and Elite Club, Mashhad Branch, Islamic Azad University of Mashhad, Responsible Writer. smhosseini@mshdiau.ac.ir

3. PhD Student of Geography of Urban Planning of Ferdowssi University of Mashhad. m.ghanbari233@hotmail.com

4. PhD Student of Homeland Security of Supreme National Defense University. mohegh12@gmail.com

city were from other provinces. In other words, these cities have had the most immigrants rather than the other cities of Razavi Khorasan province. Furthermore the findings of research showed that the majority of migrants moves of Razavi Khorasan province happened within its cities, and from other provinces of the country other than Tehran, few immigrants enter into the province.

Key words: Migration, Causes of Migration, Razavi Khorasan Province.

A Study on Measurement of the Quality of Students' Life
Case Study: Higher Education Institutions in Qayen City¹

Mohammadhassan Sharbatian²

Abstract

This research has been done with the aim to study the measurement of the quality indicators of student life. Theoretical framework is a combination of objective and subjective theories of quality of life and is considered based on the theories of Schalock, the World Health Organization's view, human development theory and the theory of Zaf. The study is a descriptive survey. The statistical population consisted of all students studying in higher education institutions in Qayen city, in 2015. The sample size, using the quantitative Kukran formula, has been equal to 570 individuals and sampling methods have been random stratified and quota sampling. The final alpha of questionnaire was obtained 73/0. In order to collect information, the World Health Organization's quality of life questionnaire was used. The results showed that the average life quality index is equal to 89/72, then we can say that the quality of student life is a moderate upward. As results, using T test (Means comparison), has shown the highest frequency is related to physical health (4/54 percent). Also, the lowest level among the quality of life aspects, is related to social relationships and health of the environment. According to these results, among their quality of life indices, students mostly care about physical and mental health. Mental health scores between students is different in this study. Female students than male students are more prone to depression, anxiety and worry in this period. Generally, scores of environmental health and social

1. This research has been done with grant support of PNU.

2. A Faculty Member of Sociology Department of PNU. sharbatian@pnu.ac.ir

relationships than other indices studied (physical health and mental health) as indicators of quality of life are moderate downward, according to statistics obtained.

Keywords: Students, Social Relationship, Physical /Mental/ Environmental Health, Quality of Life, Qayen.

**Qualitative Analysis of Khorasan's Higher Education
Administrators' Viewpoint on University Teambuilding and
Teamwork (Case Study: Ferdowsi University of Mashhad)**

Mojtaba Nadi¹

Mohammadreza Ahanchian²

Mohsen Noghanidokht Bahmani³

Kolsoomeh Shojaa⁴

Abstract

Management before being managing people is managing the work teams, and team-building and teamwork is a priority for every system and organization. Also, managers need to recognize teams because they are a reality of organizational life and they make up building components of an organization. Team-building and teamwork at the University helps to outline a clear vision and shared goals, and creating a sense of trust among human resources, provokes their sense of commitment and responsibility. The purpose of this study was to identify and analyze the perspective of higher education administrators of Khorasan on team-building and teamwork using qualitative approach and the case study method, and Ferdowsi University of Mashhad that is the most important and influential center of higher education in Khorasan was selected for case study. In order to collect data semi-structured interviews, based on the critical concepts derived from reviewing records and references and exploratory interviews, were used. The Statistical population

1. MA in Educational Management of Ferdowsi University of Mashhad. Responsible Writer. nadi.mojtaba@yahoo.com

2. PhD in Educative Sciences. Assistant Professor of Ferdowsi University of Mashhad. ahanchi8@um.ac.ir

3. PhD in Social Sciences. Associate Professor of Ferdowsi University of Mashhad. noghani@um.ac.ir

4. MA in Educational Management of Ferdowsi University of Mashhad. g.shoja@yahoo.com

included all managers of Ferdowsi University of Mashhad, of which 14 were selected using purposive sampling method. For data analysis, content analysis, and open and axial coding was used. The results of the interviews showed that higher education administrators have a good view and understanding of characteristics of team-building and teamwork at the University (Including 2 overall team structure and team relations categories and 10 subcategories, the concept of goal-orientation, team and organization combination, decision-making network, system feedback, leadership, openness and honesty, unity and trust, cooperation and conflict, commitment and participation, communication), and have a good base and spirit about team building and teamwork.

Keywords: Teambuilding, Teamwork, Higher education, Ferdwosi university of Mashhad.

Table of Content

A Study on the Quality of Student's Interactions in the Network of Social Relationships

Asghari, Bibi Aghdass/ Eskafi Noghani, Maryam/ Kardanmoghaddam, Hossein 7

Reflection of Socio-Cultural Situation of Khorasan in the works of Caucasian intellectuals (Case Study: Molla Nasreddin magazine)

Dashtakinia, Farhad 33

Assessment of Development in Rural Areas, With an Emphasis on Some Social-Cultural Indicators (Case Study: Counties of Khorasan Razavi Province)

Zareie, Yaghoob 51



A Study and Analysis of Migration Pattern in Razavi Khorasan Province

Zarghani, Seyed Hadi/ Hosseini, Seyed Mostafa/ Ghanbari, Mohammad/

Ghiyasi, Mohammad Hossein 77

A Study on Measurement of the Quality of Students' Life (Case Study: Higher Education Institutions in Qayen City)

Sharbatiyan, Mohammadhassan 107

Qualitative Analysis of Khorasan's Higher Education Administrators' Viewpoint on University Teambuilding and Teamwork (Case Study: Ferdowsi University of Mashhad)

Nadi, Mojtaba/ Ahanchian, Mohammadreza/ Noghanidokht Bahmani, Mohsen/

Shojaa, Kolsoomeh 132

Referees of This Period. (Alphabetical Order)

1. Akhondi, Mohammad Bagher, PhD, Assistant Professor of the University of Birjand.
2. Esmaeilnezhad, Morteza, PhD, Assistant Professor of the University of Birjand.
3. Asghari, Bibi Aghdass, PhD, Assistant Professor of Islamic Azad University of Gonabad.
4. Poorshafeie, Hadi, PhD, Associate Professor of the University of Birjand.
5. Salehi, Kurosh, PhD, Assistant Professor of The University of Sistan and Baloochestan.
6. Talebi, Alimohammad, Faculty Member of Farhangian University of Birjand.
7. Mikaniki, Javad, Ph.D, Associate Professor of The University of Birjand.
8. Moradi, Masood, PhD, Associate Professor of The University of Sistan and Baloochestan.
9. Mikaili, Farzaneh, PhD, Associate Professor of The University of Orumieh.
10. Vafayifard, Mahdi, Faculty Member of The University of Birjand.



In The Name Of God

Khorasan Quarterly of Cultural and Social Studies

Serial: 42

ISBN 1735-8256

Vol. 11. No. 2. Winter 2017

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Mohebbi, Ahmad

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Rezaei, Hamed

Executive manager: Zarang, Mahin

Editorial Board:

1. Habib Allah Abbasi/ Professor, Kharazmi University, Tehran
2. Habib Ahmadi/ Professor, Shiraz University
3. Mohammad Bagher Akhouni/ Assistant Professor, University of Birjand
4. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
5. Bibi Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Gonabad
6. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
7. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
8. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University
9. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
10. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
11. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
12. Mofid Shateri/ Assistant Professor, University of Birjand

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah.

Translator and English Editor: Mohammadi, Hamide

Technical affairs: fekreBekr puplications.

Press: mehrang

Circulation: 1000

Price: 20000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction,

Research Society Office

Tel: 056 32323393

Fax: 056 32323277

Email: Daftarehnashriyeh@yahoo.com

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.

اینجانب نماینده مرکز/ مؤسسه/ دانشگاه مبلغ

..... ریال طی فیش شماره به حساب ۱-۱۶۷۵۱۰۴-۱۲-۳۶۱۱

بانک قرض الحسنه مهر ایران - شعبه محلاتی - به نام های احمد محبی و حامد رضایی بابت

اشتراک فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان از شماره تا

..... واریز نمودم.

نشانی پستی:

پست الکترونیکی:

تلفن تماس:

کدپستی:

حق اشتراک هر شماره: ۶۰۰۰۰ ریال

حق اشتراک سالانه با هزینه پست سفارشی: ۳۲۰۰۰۰ ریال

اشتراک ارسال چهار شماره فصلنامه به صورت الکترونیکی ۲۰۰۰۰ ریال می باشد.

نشانی دفتر فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان: خراسان جنوبی -

بیرجند - خیابان محلاتی - اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

<http://Farhangekhorasan.ir>